

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشست های علمی کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

دانشگاه تهران سال ۱۴۰۲

گردآوری و تنظیم

الهه کولایی

(استاد مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران)

پیمان کاویانی فر

عاطفه بکائیان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

دانشگاه تهران

بهار ۱۴۰۴

سرشناسه	:	کولائی، الهه، ۱۳۳۵ - گردآورنده Koolae, Elahe
عنوان و نام پدیدآور	:	نشست‌های علمی کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران سال ۱۴۰۲ / گردآوری و تنظیم الهه کولائی، پیمان کاویانی‌فر، عاطفه بکائیان؛ ویراستار فارسی اعظم مرادی‌تبریزی؛ ویراستار انگلیسی علی رضوان‌پور؛ [برای] مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران.
مشخصات نشر	:	تهران: سپهر دانشگاه، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	:	۴۰، ۷۵ ص.
شابک	:	978-622-98645-5-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	زبان: انگلیسی - فارسی.
یادداشت	:	ص. ع. به انگلیسی: . Scientific Meetings of the Center for Central Eurasia Studies, University of Tehran 2023-2024
موضوع	:	اوراسیا -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م. -- کنگره‌ها Eurasia -- Politics and government -- 21st century -- Congresses اوراسیا -- جنبه‌های استراتژیکی -- کنگره‌ها Eurasia -- Strategic aspects -- Congresses
شناسه افزوده	:	کاویانی‌فر، پیمان، ۱۳۶۹ - گردآورنده
شناسه افزوده	:	بکائیان، عاطفه، ۱۳۷۲ - گردآورنده
شناسه افزوده	:	دانشگاه تهران. مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
رده بندی کنگره	:	DS۴/۳۲۹
رده بندی دیویی	:	۹۵۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۰۰۹۷۳۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیبا



مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران

◆ نام کتاب: نشست‌های علمی کارشناسی مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران سال ۱۴۰۲
◆ پدیدآورندگان: الهه کولائی، پیمان کاویانی‌فر، عاطفه بکائیان
◆ ناشر: سپهر دانشگاه
◆ چاپ و صحافی: رامین
◆ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴
◆ شمارگان: ۱۰۰ نسخه
◆ قیمت: ۱۵۰،۰۰۰ تومان
◆ ناظر چاپ: لیلا سنگی
◆ ویراستار فارسی: اعظم مرادی‌تبریزی
◆ ویراستار انگلیسی: علی رضوان‌پور
◆ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۶۴۵-۵-۵
◆ تلفن: ۸۸۶۳۴۴۹۲
ISBN: 978-622-98645-5-5
sepehredaneshgah@gmail.com

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف یا ناشر تکثیر و کپی‌برداری کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن ناشر

توسعه و پیشرفت پایدار مهم‌ترین دغدغه و از اصلی‌ترین هدف‌های سیاست‌گذاران و دولت‌مردان جوامع مختلف است. رشد و توسعه علمی از مهم‌ترین محورهای دستیابی به توسعه همه‌جانبه در هر اجتماعی به حساب می‌آید و جمهوری اسلامی ایران نیز با هدف توسعه و تعالی بیش از پیش، باید گام‌های استوار و محکمی در این رابطه بردارد. همه‌روژه در گوشه و کنار این مرز پرگهر، جوانه‌های تولید علم و دانش و خودکفایی علمی و فنی نمایان می‌شوند و با عنایت پروردگار متعال و در سایه همت و تلاش جامعه علمی و دانشگاهی، حرکت به سوی مرزهای دانش شتاب بیشتری می‌گیرد. بی‌شک تولید علم و رواج دانش در هر جامعه‌ای، رابطه مستقیمی با نشر آن دارد؛ از این رو خداوند بزرگ را شاکریم که توفیق خدمت به جامعه دانشگاهی را نصیب ما کرد تا در انتشارات سپهر دانشگاه، گام‌هایی هرچند کوچک در راه نشر دستاوردهای علمی و فرهنگی کشور برداریم. امید است با یاری ایزد منان و در پرتو همت و لطف اندیشمندان، نویسندگان، مترجمان و کارشناسان عزیز کشورمان، سهمی در اعتلای علمی کشور داشته باشیم.

در انتشارات سپهر دانشگاه در چارچوب رسالت خویش و به منظور رسیدن به هدف‌های علمی و فرهنگی مورد نظر، به انتشار آثار ارزشمند و مورد نیاز جامعه علمی و دانشگاهی اقدام می‌کنیم. در این راه از همه استادان، نویسندگان، پژوهشگران و صاحبان اندیشه و قلم دعوت به همکاری می‌کنیم.

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران

درهم تنیدگی روابط و مسائل ایران با فدراسیون روسیه و جمهوری های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی (آسیای مرکزی و قفقاز)، اهمیت شناخت دقیق این مناطق را به خوبی روشن می کند. «مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران» (برنامه اوراسیای مرکزی پیشین) در پاسخ به نیازهای گوناگون کشور در این حوزه، فعالیت خود را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرد. این مرکز با هدف کمک به شناخت بیشتر و بهتر اوراسیای مرکزی، از فعالیت های پژوهشی در مورد مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و روابط خارجی کشورهای اوراسیای مرکزی با دیگر کشورها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران حمایت می کند. با این هدف، حمایت از فعالیت های زیر در دستور کار این مرکز قرار دارد:

۱. حمایت از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه اوراسیای مرکزی؛

۲. پشتیبانی از طرح های پژوهشی استادان و دانشجویان دکتری؛

۳. پشتیبانی از تألیف و ترجمه کتاب به وسیله استادان.

از استادان، دانشجویان و پژوهشگران حوزه مطالعات اوراسیای مرکزی دعوت می شود طرح ها و کتاب های پیشنهادی خود برای تألیف و ترجمه را به ایمیل مرکز بفرستند. طرح های فرستاده شده، پس از داوری و تأیید استادان مربوط، اجرا می شوند. شورای علمی این مرکز، برای تأمین بهینه منافع ملی و رفع نیازهای کشور، پژوهش های کاربردی، به ویژه در زمینه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اوراسیای مرکزی را در اولویت قرار می دهد. دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد که از پایان نامه خود با درجه عالی دفاع کنند، برای بهره مندی از حمایت مرکز از پایان نامه شان می توانند به وبگاه مرکز مراجعه و فرم حمایت از پایان نامه را پر کنند. همچنین دوفصلنامه بین المللی فارسی «مطالعات اوراسیای مرکزی» و دوفصلنامه انگلیسی «مطالعات ایران و اوراسیای مرکزی» مقاله های علمی پژوهشی استادان و پژوهشگران حوزه اوراسیای مرکزی را می پذیرند. کارشناسان مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی به وسیله پست الکترونیکی و تلفن، پاسخ گوی پرسش های استادان، دانشجویان و پژوهشگران علاقه مند به فعالیت های علمی پژوهشی در این حوزه هستند.

cces.ir

وبگاه:

cces@ut.ac.ir

پست الکترونیکی:

https://jcep.ut.ac.ir

دوفصلنامه بین المللی فارسی:

https://jices.ut.ac.ir

دوفصلنامه انگلیسی:

۶۶۴۱۹۷۰۴ و ۶۶۹۵۳۹۹۶

تلفن:

فهرست

فارسی

۱۱	همکاری‌های اوراسیایی ایران و روسیه
۱۷	چالش‌های سیاسی افغانستان
۲۷	مجموعه‌سندهای راهبردی فدراسیون روسیه (۱۹۹۳ تا ۲۰۲۱)
۳۱	رانه‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، روندها و تحولات
	کرسی نظریه‌پردازی مطالعات منطقه‌ای: الگوی نظری برای پیوند تمدنی و فرهنگی ایران و
۴۱	ارمنستان
۴۵	«دانشنامه راه ابریشم»
۴۷	روسیه در برابر دیگران؛ بحران نظم جهانی پس از جنگ سرد
۵۱	نقش و جایگاه سازمان همکاری‌های شانگهای در توسعه تعامل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
	اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از جنگ سال ۲۰۲۰ و پیامدهای
۵۳	آن برای جمهوری اسلامی ایران
۷۳	چرخش ارمنستان در تاریخ جهان

همکاری‌های اوراسیایی ایران و روسیه

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران، نشست علمی کارشناسی «همکاری‌های اوراسیایی ایران و روسیه» را یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز، هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) به صورت حضوری در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (با پخش زنده مجازی) برگزار کرد. در این نشست، دکتر لنا دونایوا و دکتر مارینا کامنوا پژوهشگران ارشد مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه دعوت بودند؛ ولی دکتر مارینا کامنوا موفق به حضور در جلسه نشد. دکتر لنا دونایوا با حضور در نشست دیدگاه‌های خود را بیان کرد. مدیر این نشست دکتر کولایی بود.

دکتر لنا دونایوا

همکاری‌های اوراسیایی ایران و روسیه

افتخار می‌کنم در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران هستم و با استادان، دانشجویان و نظریه‌پردازان ایران دیدار می‌کنم. فکر می‌کنم علاوه بر سخنرانی می‌توانیم گفت‌وگوهایی داشته باشیم و پرسش‌ها و پیشنهادهایی را مطرح کنیم. به یاد دارم ۱۲ سال پیش در زمینه ایران‌شناسی در روسیه کار می‌کردم. امروز بیشتر می‌خواهم توجه شما را به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان روس در مورد نظم جهانی جدید و نقش اوراسیا، ایران و روسیه در این نظام بین‌المللی جلب کنم. در مورد گسترش روابط ایران و روسیه اطلاعات زیادی داریم. فردا معاون نخست‌وزیر روسیه و رئیس بخش کمیسیون دولتی همکاری دو کشور به ایران می‌آیند تا در مورد همکاری اقتصادی در حوزه نفت، انرژی و حمل‌ونقل با آقای اوجی صحبت کنند.

در سال‌های اخیر در روابط ما جهشی ایجاد شده است. در ماه‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان روس به ارائه دیدگاه روسیه در مورد نظام حکمرانی جهان آینده جلب

شده است. روشن است اکنون نظم جهانی در حال گذار است و تغییرهایی که روی می‌دهد، تغییرهای عمیقی است. به نظر روس‌ها نظم جهانی چندقطبی به جای نظم تک‌قطبی در حال شکل‌گیری است. در آستانه شکل‌گیری جهان غیرغربی هستیم. در حال حاضر در صحنه بین‌المللی چند فرایند مشاهده می‌کنیم. می‌بینیم که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل شده بودند موفق نیستند نقش خود را در تحکیم صلح و حل بحران‌ها ایفا کنند. کاهش نقش این نهادها و سازمان‌ها، کشورها را مجبور می‌کند نهادها و سازمان‌های دیگری برای اداره جهان ایجاد کنند. اینک جهان غیرغربی یا غیرآمریکایی در حال شکل‌گیری است. برخی کشورها به صورت رسمی اعلام می‌کنند دیگر هژمونی آمریکا را نمی‌پذیرند و می‌خواهند ائتلاف‌های دیگری برای همکاری و مقابله با هژمونی آمریکا شکل دهند.

سازمانی مانند شانگهای که ایران هم علاقه‌مند به عضویت در آن است، می‌تواند در این مرحله گذار نقشی شایسته داشته باشد. حتی برخی از نظریه‌پردازان روسیه امکان رویارویی تمدن‌ها را مطرح می‌کنند. مشاهده می‌کنیم که حتی در قاره آمریکا دولت‌های آمریکایی لاتین بر پایه نگاه ضدآمریکایی با یکدیگر همکاری و تماس‌هایی برقرار می‌کنند. این نیز از نشانه‌های شکل‌گیری جهان ضدآمریکایی است. تصور روسیه این است که در صحنه جهانی مناطق بزرگ می‌توانند به عنوان قطب جدید قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی باشند و در درون این مناطق بزرگ مناطق کوچکی می‌تواند باشد که مرکز تأثیرگذار بر امور جهانی باشد. اوراسیا را یکی از این مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی می‌دانند.

امروز برای بسیاری مشخص است که فرایند جهانی شدن به موفقیت نرسیده است. آنچه در ایران شنیدم اصطلاح جهانی شدن معکوس است. نتیجه فرایند جهانی شدن که در اواخر قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم گسترش پیدا کرد، درگیری بین کشورهای غربی و کشورهای دیگر بود که از نظر اقتصادی و سیاسی زیر تسلط قطب غربی قرار دارند. نظر روسیه این است که اوراسیا می‌تواند یکی از قطب‌های جهان چندقطبی باشد. سازمان‌ها و ائتلاف‌هایی که اینک در اوراسیا تشکیل شده است و می‌شود، می‌تواند پایه‌ای برای تبدیل اوراسیا به قطب قدرت اقتصادی و سیاسی باشد. سازمان شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و حتی سازمان کشورهای جنوب شرقی آسیا هم می‌توانند بنیانی برای تشکیل منطقه بزرگ اوراسیا باشند. حتی عربستان سعودی و امارات متحد عربی که زیر فشار آمریکا هستند، آمادگی خود را برای همکاری با سازمان‌های اوراسیایی اعلام کرده‌اند.

در مورد تحکیم همکاری و تحکیم قطب قدرت در اوراسیا باید بگویم که بنابر باور پژوهشگران امور بین‌الملل روسیه، مثلث ایران، روسیه و چین بسیار مهم است و در این مثلث می‌تواند همکاری‌های سه‌جانبه و دوجانبه شکل بگیرد. چند زمینه همکاری در این مثلث

وجود دارد. همکاری‌های راهبردی نظامی، نظامی فنی و آموزش نیروهای مسلح سه کشور در دریای عربستان، نشانه چنین همکاری‌هایی است. زمینه دوم همکاری که رو به گسترش است تعامل اقتصادی دوجانبه و سه جانبه و در چارچوب سازمان شانگهای است.

از سوی دیگر، میان ایران و روسیه در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، همکاری میان طرح‌های اقتصادی سازمان شانگهای و طرح ابتکار یک کمربند و یک راه است. روابط اقتصادی در این مثلث به جهان کمک می‌کند که مسیرهای اصلی روابط اقتصادی در صحنه جهانی را از غرب به شرق و از شرق به غرب به مسیر شمال جنوب تغییر دهیم. در طرح تغییر مسیرهای اقتصادی نقش ایران نیز بسیار مهم است که در مورد آن توضیح می‌دهم. دیدار وزیران امور خارجه کشورهای ایران، روسیه، پاکستان و چین در سمرقند در آوریل ۲۰۲۲ از دیگر موارد همکاری در حل بحران‌های منطقه‌ای است. این کشورها، همسایه افغانستان هستند و هدف از این دیدار، حل بحران افغانستان و عادی سازی شرایط این کشور است. این کشورها می‌توانند در مورد بحران‌های دیگر منطقه نیز همکاری کنند.

البته حوزه انرژی و حمل و نقل خیلی مهم تر است و همکاری و تعامل این سه کشور در این حوزه برای تحکیم قدرت اقتصادی این منطقه اهمیت زیادی دارد. برای ظرفیت حمل و نقل و انرژی ایران اهمیت زیادی قائلیم و درک می‌کنیم که این ظرفیت، ظرفیتی در سطح جهانی است و به این کشور امکان می‌دهد در سطح جهانی تأثیرگذار باشد. ایران و روسیه تاحدی با یکدیگر در حوزه انرژی رقابت دارند. چین نیز مشتری اصلی نفت و گاز این منطقه است و هرگونه توافق و تعاملی بین این سه کشور می‌تواند تشکیل بازار واحد نفت و گاز اوراسیا را حل کند. عملی کردن راه‌گذر شمال جنوب که اکنون می‌شود گفت نقطه‌ای ضعیف در روابط بین روسیه و ایران و ایران و اتحادیه اوراسیا و کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی است می‌تواند این منطقه را به مرکز مسیرهای صادراتی و وارداتی تبدیل کند و تمام خطوط حمل و نقل اصلی منطقه اوراسیا هم تغییر می‌کنند. باید به اتصال راه‌گذر شمال جنوب و راه‌گذری که از چین به اروپا می‌آید، یعنی عمودی و افقی و اتصال این دو راه‌گذر که می‌تواند در حوزه دریای خزر باشد و نقش ایران را افزایش دهد توجه کنیم. در این صورت تأثیر ایران در منطقه اوراسیا بیشتر می‌شود و ایران را به مرکز خطوط ارتباطی این قاره تبدیل می‌کند.

از پیوستن ایران به سازمان شانگهای و از علاقه‌مندی ایران برای پیوستن به منطقه تجارت آزاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی پشتیبانی می‌کنیم. به نظر استادان ما، شرکت فعال ایران در بخش امور اقتصادی سازمان شانگهای و اتحاد اوراسیایی می‌تواند همکاری دوجانبه ایران و روسیه را به سطح بالاتری برساند و هم به روسیه و هم به ایران کمک اقتصادی کند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی سازمانی صد در صد اقتصادی است و یکی از هدف‌های فعالیتش توسعه

اقتصادی این کشورها و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد هر کشور عضو است.

تولید ناخالص ملی کشورهای عضو این سازمان در سال ۲۰۲۲، ۲ درصد کاهش یافت؛ اما در همان حال تولید ناخالص ملی برای نمونه، ارمنستان ۱۲۲،۶ درصد افزایش یافته است. قرقیزستان ۷،۲ درصد افزایش یافته است. قزاقستان ۳ درصد افزایش داشته است. کاهش درآمد ملی تمام کشورها ۲ درصد بوده است؛ اما روسیه ۳،۵ درصد و روسیه سفید ۴،۷ درصد بوده است. این شاخص‌ها آن‌گونه که تصور می‌شد در ماه‌های اول سال ۲۰۲۲ کاهش پیدا نکرده است و پیش‌بینی برای سال جاری حتی افزایش تا ۱،۲ درصد است.

با وجود کاهش درآمد ملی، تجارت بین این کشورها پیشرفت کرده است و حجم تبادل کالاها بیشتر شده است؛ برای نمونه، صادرات کالاهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ۲۱ درصد افزایش یافته است. تجارت خارجی این کشورها به‌طور کل و تجارت داخلی اتحادیه اوراسیا بیش از ۱۴ درصد افزایش یافته است. اطلاعاتی که در مورد ایران و همکاری با این کشورها دارم مربوط به سال ۲۰۲۱ است. تبادل ایران با کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی ۷۰ درصد در مقایسه با سال پیش افزایش یافت. در ۱۰ ماه اول سال ۲۰۲۲ تجارت ایران با این کشورها ۲۵ درصد دیگر در مقایسه با دوره مشابه سال پیش افزایش یافته است. صادرات ایران به این کشورها ۲۸ درصد و به روسیه ۳۰ درصد افزایش یافته است.

سهم کالاهای صنعتی روسیه در تجارت دو کشور بیشتر است. در سال ۲۰۲۲ مبادله کالا بین ایران و روسیه سفید به ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است. این رقم بزرگ نیست؛ اما این مهم است که در یک سال سه برابر بیشتر شده است. به‌طور کلی اگر در مورد سهم ایران و روسیه در تجارت با کشورهای اتحادیه اوراسیایی صحبت کنیم ۸۰ درصد تجارت بین ایران و روسیه است. سهم ایران در تجارت با کشورهای جهان و اعضای اتحادیه اوراسیایی خیلی اندک است و فقط در سال ۲۰۲۱ نیم درصد بوده است. ارقام نهایی سال ۲۰۲۲ در دسترس نیست. اما آمار سه ماهه سال جاری نشان می‌دهد صادرات ایران به بسیاری از کشورها از جمله روسیه سفید و ارمنستان افزایش یافته است.

مشکل اصلی در پیوستن ایران به منطقه آزاد این اتحادیه مسائل فنی است، مسئله مشخص کردن تعرفه‌های ترجیحی است؛ زیرا تعرفه میان کشورهای عضو اتحادیه اوراسیایی بنابر قرارداد صفر است؛ اما این با قوانین ایران تطبیق ندارد؛ زیرا بنابر قوانین ایران باید حقوق گمرک که ۴ درصد است، پرداخت شود. اکنون در مورد بیش از ۹۰۰ کالا به توافق رسیده‌اند. هنوز مشکلاتی وجود دارد. امیدواریم این مشکلات در ماه‌های آینده برطرف شود. گسترش مناطق تجارت آزاد به سود ایران، روسیه و کشورهای دیگر این منطقه است. امروزه برخی کشورهای جهان مانند امارات متحد عربی، مصر، هندوستان، اندونزی، تایلند، شیلی، نیکاراگوئه

مغولستان، کوبا و الجزایر آمادگی خود را برای شرکت در مناطق آزاد این اتحادیه اعلام کرده‌اند. البته تشکیل این مناطق آزاد فرصت‌های بیشتری برای تمام اعضای این اتحادیه ایجاد می‌کند. به نظرم شریک سوم می‌تواند به ایران و روسیه در کاهش فشار تحریم‌ها کمک کند. در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی مسئله تشکیل بازار مشترک گاز و حل مسائل حمل‌ونقل یعنی مشخص کردن مسیرهای صادرات و واردات جدید که برای روسیه بسیار مهم است در شرایط بستن مسیرهای غربی مطرح است.

امیدواریم که طرح‌های دوجانبه هم انجام شود. عملی شدن این طرح‌ها پاسخ‌گوی منافع ایران و روسیه است. می‌دانیم و می‌بینیم که بدون گسترش همگرایی در اوراسیا این منطقه بزرگ موفق نمی‌شود نقش تأثیرگذار خود در مقیاس جهانی را داشته باشد. در مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه چند سناریو در مورد خاورمیانه مطرح شده است. در زبان روسی به خاورمیانه خاور نزدیک می‌گوییم. خاورمیانه می‌تواند منطقه‌ای در داخل این منطقه بزرگ بشود. در پایان این نشست، دکتر کولایی با اشاره به کتاب مجموعه اسناد سیاسی، نظامی و امنیتی روسیه که مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی چاپ کرده است، به تجربه‌های موفق گذشته در گسترش روابط دو کشور به ویژه در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ و امکان گسترش روابط و وجود ظرفیت‌های گسترده برای روابط هم‌زمان با غرب و روسیه اشاره کرد.

در این نشست روابط ایران و روسیه و نگاه روسیه به جهان و تحول در نگاه روسیه را بررسی کردیم. می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که این نشست‌ها یکی از راه‌های تعمیق شناخت نسبت به مرزهای شمالی هستند و یکی دیگر از آن‌ها انتشار کتاب است. با همت دوستان و لطف خداوند موفق شده‌ایم مجموعه سندهای نظامی، امنیتی و سیاسی روسیه را از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۱ منتشر کنیم. هرکسی که به مسائل روسیه و نگاه روسیه به جهان توجه دارد با مطالعه این اسناد به خوبی متوجه تغییر و تحول نگاه روسیه به جهان در این سندهای امنیتی، نظامی و سیاسی می‌شود. از خوش‌بینی دورانی که غرب‌گراها در مسکو حاکم بودند تا مسیرهایی که در این سه دهه پس از فروپاشی طی شده است. خانم دونایوا این دیدگاه را با تمرکز بر مسائل اقتصادی حوزه اوراسیا به خوبی ترسیم کردند.

چالش‌های سیاسی افغانستان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران، نشست علمی کارشناسی «چالش‌های سیاسی افغانستان» را دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۲ با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای و هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران برگزار کرد. در این نشست دکتر نوذر شفیعی، دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، دکتر ماندانا تیشه‌یار، استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای مؤسسه آموزش عالی اکو دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر سیروس فیضی، استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران سخنرانی کردند.

دکتر الهه کولایی

موضوع افغانستان برای ما که در حوزه آسیای مرکزی مطالعه می‌کنیم موضوع بسیار مهمی است؛ زیرا تحول‌ها در این کشور، ثبات و امنیت منطقه‌های پیرامونش را در تأثیر قرار می‌دهد. نه تنها این منطقه، بلکه همه جهانیان ابعاد بین‌المللی تحول‌های افغانستان را در سپتامبر ۲۰۰۱ به یاد دارند. در آن زمان افغانستان به لانه تروریسم تبدیل شده بود و بن‌لادن و همکارانش رویداد ۱۱ سپتامبر را ایجاد کردند که جهان را از نظر سیاسی و امنیتی وارد مرحله جدیدی کرد. جهان پیش از ۱۱ سپتامبر و جهان پس از آن، دو جهان متفاوت هستند. افغانستان کشور همسایه ما است و به دلیل قرارگرفتن در نظام وستفالیایی، ناچار به پذیرش مرزها و آثار و پیامدهای آن هستیم. این آثار و پیامدها را در ابعاد مختلف روابط دو کشور تجربه می‌کنیم.

پیوند میان مردم ایران و مردم افغانستان تاریخ طولانی و پرفرازونشیبی دارد. تحول‌های چند دهه اخیر از زمان حضور ارتش سرخ در افغانستان و حضور میلیون‌ها مهمان افغانستانی در کشور ما در دوره‌های مختلف زمانی، پس از آن دوره جنگ داخلی و دوران دولت‌سازی از بیرون، تجربه جمهوری که بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در افغانستان رخ داد و آثار و پیامدهای آن و همچنین خروج نیروهای آمریکایی و ائتلاف غربی از افغانستان و آثاری که امروز منطقه و به ویژه

مردم افغانستان با بازگشت دوباره طالبان تجربه می‌کنند و نتایج دردناک آن را زنان افغانستان تحمل می‌کنند، ما را از این امید باز نمی‌دارد که این شرایط به سود مردم افغانستان تحول یابد.

دکتر ماندانا تیشه‌یار

نقش نخبگان افغانستانی مهاجر در شکل‌دهی به جامعه مدنی منطقه‌ای

سنت اندیشه‌ورزی و روشنفکری در افغانستان تاریخ دیرینه‌ای دارد و این تاریخ دیرینه فراتر از تاریخ معاصر این کشور است. وقتی به گذشته این سرزمین نگاه می‌کنیم حتی پیش از تبدیل شدن به دولت ملت، شخصیت‌های بزرگی مانند مولانا، سنایی، ابوریحان، بوعلی سینا، خواجه عبدالله انصاری، جامی و مکتب‌های فکری مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را می‌بینیم که بسیاری از آن‌ها مبتنی بر آموزه‌های عرفانی است. اوج درخشش این سرزمین را در عصر تیموریان می‌بینیم. می‌توان گفت این سنت در دوران معاصر این کشور هم ادامه پیدا کرده است. آموزش نوین در این کشور حتی زودتر از ایران آغاز شد. دانشگاه کابل در سال ۱۳۱۱ راه‌اندازی شد؛ در حالی که دانشگاه تهران سال ۱۳۱۳ تأسیس شد. بنابراین دانشگاه کابل دو سال زودتر راه‌اندازی شده است. انجمن ادبی هرات در سال جاری، ۹۷ ساله شد و این انجمن سرمایه روشنفکری مهمی در سطح منطقه است. دوره‌هایی بوده است که دانشگاهیان کشورهای منطقه برای فرصت‌های مطالعاتی به دانشگاه کابل می‌رفتند. تا دو سال پیش شهرهای مختلف افغانستان میزبان محافل علمی و ادبی گوناگون بود؛ اما مدتی است که فضای روشنفکری این کشور از منطقه دور شده و از تابستان ۱۴۰۰ سبب موج جدیدی از مهاجرت از افغانستان شده است.

موج جدید مهاجرت از افغانستان شامل نیروی کار روستایی و کارگر نیست؛ زیرا نیروی کار روستایی و کارگر همیشه در رفت و آمد بودند. این مهاجرت جدید در افغانستان شامل بدنه روشنفکر تحصیل کرده شهرنشین افغانستانی با سطح درآمد متوسط یا درآمد بالا بوده است. بیشتر آن‌ها کارگزاران سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این کشور بوده‌اند و سرمایه‌های اصلی افغانستان به شمار می‌روند. از نظر رده‌های شغلی و تحصیلی آن‌ها شامل بسیاری از استادان و دانشجویان، روزنامه‌نگاران، ادیبان، هنرمندان، فعالان مدنی، نمایندگان مجلس، وزیران، مدیران و حتی روحانیان هستند. بنابراین تمام کارگزاران سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان در طول دو سال گذشته با چالش جدی روبه‌رو شده‌اند. بسیاری از آن‌ها مهاجرت کردند یا از کار برکنار شدند. در نتیجه، در دستگاه‌های دولتی و قوای سه‌گانه کمبود نیروی کار و بحران دیوان‌سالاری وجود دارد.

طالبان مدعی افزایش مالیات دریافتی و کاهش فساد یا افزایش تجارت است؛ اما مردم این

کشور فقیرتر شده‌اند. در گزارش اخیری که شورای امنیت سازمان ملل منتشر کرد، اشاره شده است که طالبان در بخش قضایی مرکزهای فتوا در مراکز مختلف افغانستان راه‌اندازی و اعلام کرده است که باید وکیل‌ها را طالبان تأیید کند. بنابراین حدود ۲۵۰۰ وکیل افغانستانی شغل خود را از دست داده‌اند. به این ترتیب، روشنفکران و کارگزاران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان به دو دسته تقسیم شدند: گروه اول، گروه اندکی که همچنان با همه تهدیدها، سرکوب‌ها و خفقان موجود در جامعه باقی مانده‌اند و در این کشور زندگی می‌کنند. اما زنان و دختران آن‌ها از صحنه اجتماعی حذف شدند و مردان هم تضمین شغلی ندارند. یکی از مشکلات جدی در افغانستان کمبود استاد است. از سویی آن‌هایی که در کشور مانده‌اند و شرایط را تحمل می‌کنند، مورد سرزنش افرادی هستند که مهاجرت کرده‌اند. گروه دوم، کسانی هستند که از کشور خارج شدند. صدها هزار تن از نیروهای ماهر از این کشور خارج و در کشورهای مختلف پراکنده شده‌اند.

ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ در ۲ سال گذشته، به جز یک مورد، تقریباً میان ایران و افغانستان هیچ همکاری دانشگاهی نداشته‌ایم. وظیفه ما به عنوان دانشگاهی، دانشجویان یا استاد، این است که پشتیبان دانشگاهیان افغانستانی باشیم که هنوز داخل این کشور هستند تا بتوانند چراغ علم و دانش را در آن کشور روشن نگه دارند. زمینه تبادل استاد و دانشجو و فرصت سفر استادان به ایران برای دوره‌های دانش‌افزایی را فراهم کنیم. همچنین کمک کنیم کیفیت آموزش و پژوهش، دوباره در مراکز علمی این کشور افزایش پیدا کند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که وقتی آن‌ها استاد فارسی زبان ندارند، استاد پشتون زبان را جایگزین می‌کنند. وقتی منابعی برای تدریس ندارند، مشکلات دیگری ایجاد می‌شود و کیفیت آموزش کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه شمار بسیاری از نخبگان افغانستان به ایران و دیگر کشورهای منطقه مهاجرت کرده‌اند باید در نظر داشته باشیم آن‌ها در چمدان خود به جز غم و اندوه ترک وطن، ایده‌ها، باورها، دانش، فرهنگ و تجربه خود را نیز آورده‌اند. این افراد سرمایه‌های افغانستان بودند که به کشورهای دیگر آمده‌اند. باید حافظ و میزبان این سرمایه‌های فکری باشیم. در ۲ سال گذشته فقط توانستیم چند تن از استادان افغانستان را در ایران جذب کنیم. باید فرصت‌هایی برای آن‌ها فراهم کنیم. اگر جذب آن‌ها در بخش آموزشی دشوار است، می‌توانیم از آن‌ها در بخش‌های پژوهشی استفاده کنیم. اگر نتوانیم برای آن‌ها در کشورمان میزبان خوبی باشیم، ممکن است به سرعت از ما دور شوند و کشورهای دیگر، این سرمایه‌ها را جذب کنند.

علاوه بر این از نخبگان مهاجر افغانستان که در کشورمان هستند بخواهیم که همکاری کنند و نقش مهمی در معرفی جامعه علمی افغانستان داشته باشند. حدود ۴۲ هزار دانشجوی

افغانستانی در ایران داریم. اگر هرکدام از آن‌ها تنها یک یادداشت کوتاه در مورد فرهنگ، جامعه و سیاست افغانستان در طول سال در روزنامه‌های ایران چاپ کنند، در این صورت تفاوت زیادی در شرایط امروز ایران و دوسال آینده آن ایجاد می‌کند. بخش مهمی از مشکلات این است که دوستان افغانستانی ما در معرفی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های علمی و فرهنگی خودشان به اندازه کافی فعال نیستند.

گروهی که باید روی آن‌ها سرمایه‌گذاری شود دانشجویان افغانستانی در ایران هستند. ممکن است در شرایط کنونی این افراد به اندازه لازم ارج نهاده نشوند؛ اما در آینده، افغانستان، ایران و دیگر کشورها به آموزش دیدن این افراد نیاز دارند؛ زیرا این افراد سرمایه مشترک ما هستند. وظیفه ما است که آن‌ها را بسیار آموخته تربیت کنیم، چه در ایران بمانند و چه نمانند.

آن‌ها سرمایه جامعه فارسی‌زبان نیز هستند. اگر بتوانیم فارسی‌زبانان با تجربه و دانشمندی تربیت کنیم، کار بسیار مهم و مؤثری است. اگر به سیاست‌های ترکیه در برابر کشورهایی که ترکیه آن‌ها را ترک‌زبان می‌خواند نگاه کنیم، می‌بینیم ترکیه جوانان را به عنوان دانشجوی جذب و کمک می‌کند به خوبی در آن کشور آموزش ببینند. ما نیز باید در دانشگاه‌های کشورمان همین سیاست را دنبال کنیم. برای این هدف، در درجه اول نیاز به فرهنگ‌سازی در جامعه دانشگاهی داریم که این کار با کمک دوستان افغانستانی انجام می‌شود.

دکتر نوذر شفیعی

جنگ قدرت در افغانستان

منظور من از جنگ قدرت، چند عامل است: ۱. جنگ در درون طالبان و به بیانی، شکاف‌های درونی طالبان؛ ۲. جنگ بین طالبان و جبهه مقاومت ملی؛ ۳. تضاد میان طالبان و داعش. این ۳ مورد، سه تصویر مهم از فضای امنیتی داخل افغانستان هستند که با عنوان جنگ قدرت از آن یاد می‌شود. در میان همه این‌ها، جنگ درونی طالبان برای ما اهمیت دارد. برای توضیح شکاف‌های درونی طالبان، به لحاظ نظری لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه متحدان و شریک‌های دیروز به رقیبان و دشمنان امروز تبدیل می‌شوند؟ واقع‌گراها و لیبرال‌ها هرکدام به این پرسش پاسخ متفاوتی داده‌اند. از دید واقع‌گراها، دشمن مشترک و از دید لیبرال‌ها منافع یا ترجیح‌های مشترک سبب وحدت و برعکس آن (یعنی ازمیان رفتن دشمن مشترک و ناسازگاری ترجیح‌ها و منافع) سبب پراکندگی و تفرقه می‌شود.

از این دیدگاه باید گفت طالبان پیش از سال ۲۰۲۱ با طالبان بعد از سال ۲۰۲۱ دستخوش دگردیسی‌هایی شده‌اند و درون آن‌ها شکاف‌هایی بروز کرده است. علت این شکاف‌ها بر پایه دیدگاه واقع‌گراها، حذف دشمن مشترک و بر پایه دیدگاه لیبرال‌ها ترجیح‌های متفاوت گروه‌ها

است. در اینجا واقع‌گرایانی مانند والتز و مرشایمر و لیبرال‌هایی مانند اندرو موراوچیک و جک اسنایدر مورد نظر هستند. پس از سال ۲۰۲۱ حذف دشمن مشترک و شکل‌گیری ترجیح‌های متفاوت بین دسته‌های مختلف در گروه طالبان، سبب شکاف عمیق بین آن‌ها شده است. این شکاف‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند که گاهی با هم هم‌پوشانی دارند:

۱. شکاف جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی: از قدیم بین جنوبی‌ها (قندهار بزرگ) با مشرقی‌ها (پکتیای بزرگ) بر سر قدرت اختلاف بوده است و قدرت، بیشتر دست قندهاری‌ها بود. به قندهاری‌ها، درانی‌ها و به مشرقی‌ها، غلجایی‌ها نیز گفته می‌شود. تا پیش از سال ۲۰۲۱، دشمن مشترک، طالبان جنوبی و طالبان مشرقی را دورهم گرد آورده بود؛ اما امروز (یعنی سال ۲۰۲۳) آن شکاف سنتی دوباره سر برآورده است.

۲. در شورای قندهار نیز دو دستگی وجود دارد: یکی گروه دوحه که در دوحه با آمریکا مذاکره کردند. آن‌ها بر این باورند که بسیاری از ویژگی‌های دوره ۲۰ ساله جمهوری باید ادامه پیدا کند، مانند حقوق زنان، پرچم افغانستان و مشارکت سیاسی سایر اقوام. ملابرادر نمونه‌ای از این گروه است. دیگری، گروه مذهبی رادیکال که خانواده‌آخوندزاده‌ها هستند. هیبت‌الله آخوندزاده نماد آن است.

۳. یکی دیگر از شکاف‌ها، شکاف نسلی است. درون طالبان دیدگاه کسانی که دهه ۱۳۵۷ تا پایان دهه ۱۳۸۰ در نهضت مقاومت افغانستان بودند با دیدگاه نسل امروزی متفاوت است. جالب است که حقانی و مجاهد که آن‌ها را به عنوان مظهر خشونت می‌شناسیم، با تصمیم‌هایی که ملاهیبت‌الله می‌گیرد مخالف هستند. برای نمونه، مخالف ایجاد محدودیت برای زنان هستند. حقانی به شکل ضمنی خطاب به ملاهیبت‌الله می‌گفت: متأسفانه تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که سیستم ما را به هم می‌ریزد. مجاهد هم انتقادهای شدیدی می‌کرد. باید توجه داشت که بحث میان آن‌ها به طور کامل سیاسی است.

۴. شکاف دیگری که وجود دارد، شکاف ایدئولوژیک است. این شکاف در میان کابل و قندهار است. قندهار مرکز ایدئولوژیک و کابل مرکز سیاسی است. هر تصمیمی در کابل گرفته می‌شود به راحتی ممکن است در قندهار وتو شود و هر تصمیمی را که کابل نخواهد اجرا کند، قندهار به راحتی می‌تواند تحمیل کند.

۵. بحث دیگر، شکاف قومی است. این شکاف، شکافی بزرگ بین طالبان پشتون و طالبان غیرپشتون است. طالبان غیرپشتون بر این باورند به حاشیه‌رانده شده‌اند. زمانی که در قدرت هستند نیز اختیاری ندارند و برای کاربست فشار بر گروه‌های قومیشان به کار گرفته می‌شوند و پشت این مسئله، انگیزه قومی وجود دارد. همین مسئله سبب شده است که غیرپشتون‌ها در مناطق ازبک‌نشین و هزاره‌نشین شورش کنند.

۶. شکاف دیگری که وجود دارد شکاف سازمانی است. این شکاف در میان فرماندهان ارشد طالبان و بدنه نظامی طالبان است. فرماندهان ارشد در شرایط کنونی در دیوان سالاری جا پیدا کرده‌اند و وارد نظام اداری و سیاسی کابل شده‌اند. بخش دوم، یعنی بدنه یا فرماندهان میانی از اینکه فرماندهان ارشد آن‌ها را رها کرده‌اند و در پی تأمین منافع خود برآمده‌اند، نگران هستند. بدین ترتیب در شرایط کنونی ارتباط میان این دو بخش قطع شده است.

۷. شکاف بین نظامیان و سیاست‌مداران: بین حقانی، مجاهد و ملابرادر، بحث جدی وجود دارد. حقانی و مجاهد بر این باورند که قدرت از لوله تفنگ بیرون می‌آید. آن‌ها می‌گویند ما بودیم که دولت جمهوری را ساقط و آمریکایی‌ها را اخراج کردیم. بنابراین باید قدرت بیشتری داشته باشیم؛ اما ملابرادر می‌گوید دیپلماسی توانست آمریکایی‌ها را بیرون کند، نه قدرت نظامی شما. ۸. یکی دیگر از شکاف‌های موجود، شکاف بین میانه‌روها و تندروها است. میانه‌روها به تشکیل دولت فراگیر، روی کار آمدن دوباره زنان، تحصیل زنان و ارتباط با جامعه بین‌الملل باور دارند. تندروها تفکری متفاوت و وارونه دارند. می‌توان گفت در افغانستان اصل جنگ بر سر قدرت است. هر انشعابی هم داشته باشد در تحلیل نهایی نشانه درگیری قومی است.

در زمینه شکاف طالبان و داعش این پرسش وجود دارد که آیا به‌واقع، این دو گروه با یکدیگر مشکل دارند؟ از نظر ریشه‌ای بله. بخشی از داعش، طالبان بریده از گروه طالبان هستند (یعنی کسانی که بعد از مرگ ملا عمر جدا شدند). علت اصلی اختلاف داعش و طالبان در همین است. طالبان می‌گوید بخشی از بدنه شما کسانی هستند که ما آن‌ها را طرد کردیم. علاوه بر گروه بریده از طالبان، طالبان پاکستان، جنبش اسلامی ازبکستان و جنبش ترکستان شرقی، داعش را تشکیل می‌دهند. داعش از سال ۲۰۲۱ تاکنون ۲۲۴ عملیات تروریستی انجام داده است که بخش عمده آن علیه جامعه شیعه بوده است. بنابراین از نظر عملی، ریشه اختلاف‌ها در این است کسانی که داعش را وارد افغانستان کردند بخش ناراضی طالبان بودند. از نظر ایدئولوژیک، داعش یک گروه ایدئولوژیک جهان‌گراست و طالبان را متهم می‌کند که ایدئولوژی جهان‌گرایی را از دست داده و محلی شده است. نظر غالب امروز این است که با وجود اختلاف‌ها، طالبان راه داعش را باز کرده است تا اقدام‌هایش را انجام دهد. طالبان از این راه، از کشورهای همسایه و جامعه بین‌المللی باج‌گیری می‌کند.

۹. شکاف دیگری که باید بررسی کنیم، شکاف در میان طالبان و جبهه مقاومت ملی است. از دید طالبان، جبهه مقاومت ملی کارایی خود را از دست داده است و نمی‌تواند فعال شود. در نتیجه، از سوی آن‌ها احساس تهدید نمی‌کند. کشورهای خارجی از جبهه مقاومت ملی پشتیبانی نمی‌کنند. علت پشتیبانی نکردن کشورهای خارجی از جبهه مقاومت ملی، هراس از اختلاف‌های داخلی و پیامدهای داخلی و خارجی آن است. به این ترتیب، در حال حاضر

شکاف فعال و درگیری جدی میان این طالبان و جبهه مقاومت ملی نمی‌بینیم. در مجموع، طالبان گروهی ایدئوژیک بود که انگیزه، دشمن مشترک و وفاداری به یک رهبر، سبب وحدتش می‌شد و این پایه‌ها در حال سست شدن هستند. تهدیدهایی مانند داعش و جبهه مقاومت ملی نیز در حال حاضر نگرانی زیادی را برای طالبان ایجاد نمی‌کنند.

دکتر سیروس فیضی

سیاست آمریکا در افغانستان

در این بحث به سیاست آمریکا در افغانستان با عنوان مهار قدرت‌های رقیب اشاره و موضوع‌های تاریخی و ژئوپلیتیکی را بیان می‌کنم. از نظر تاریخی، روس‌ها در سال ۱۸۲۰ به تدریج وارد قسمت‌های پایینی آسیای مرکزی شدند. آن‌ها بر این باور بودند که راه‌های تجاری ناامن هستند و به تدریج همه بخش‌های این پهنه را تصرف کردند. روس‌ها، تاشکند را در سال ۱۸۶۵، خجند را در سال ۱۸۶۶، بخارا را در سال ۱۸۶۷ و سمرقند را در سال ۱۸۶۸ تصرف کردند. روس‌ها پس از تصرف این مناطق، جمهوری ترکستان را به مرکز تاشکند ایجاد کردند. در این زمان، انگلستان به هندوستان توجه ویژه‌ای داشت؛ زیرا منبع ثروت مهمی برای این کشور بود. زمانی که روس‌ها به سوی پایین آسیای مرکزی آمدند، کشور افغانستان بسیار اهمیت پیدا کرد. در آن زمان افرادی که در مقام حکومت افغانستان بودند، سیاست دقیق و مشخصی نداشتند و انگلیسی‌ها می‌خواستند حکومتی متعهد به آن‌ها در افغانستان روی کار باشد. آن‌ها با حاکمان افغانستان در سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲، سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۰ و سال ۱۹۱۹ سه جنگ مهم داشتند. انگلیسی‌ها مجموعه‌ای از رفتارهای دیپلماتیک هم داشتند که نوعی جنگ دیپلماتیک بود و اهمیت زیادی داشت. این سیاست انگلیسی‌ها با هدف کنترل افغانستان و ابراز قدرت در برابر روس‌ها بود.

علاوه بر مواردی که گفته شد، باید عامل‌های دیگری مانند بازی بزرگ، جنگ‌های ایران و روس در سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳ و سال‌های ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ و جنگ‌های کریمه را نیز در نظر گرفت. در شرایط کنونی، تاریخ در حال تکرار است. برای نمونه، امروز جنگ‌های کریمه در سمت اوکراین است، اما در گذشته برای عثمانی بوده است و یک طرف جنگ روس‌ها و طرف دیگر، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بودند. جنگ هرات در سال ۱۸۵۶ را نیز باید در نظر داشت که در میان ایران و انگلستان رخ داد و انگلیسی‌ها توانستند هرات را از ایران بگیرند. بنابراین در نتیجه بازی بزرگ و مجموعه عامل‌های تاریخی قرن نوزدهم و رفتارهایی که در اطراف افغانستان و خود افغانستان اتفاق افتاد، انگلیسی‌ها به دنبال سازماندهی نیروهای محلی در راستای منافع خودشان بودند. در این شرایط، هرجایی که ایران و روسیه می‌خواستند ورود کنند، انگلستان

مخالفت کرد. افغانستان نیز برای آن‌ها اهمیت حیاتی داشت. هدف اصلی انگلیسی‌ها محافظت از هندوستان بود. در بازی بزرگ جدید، شرایط گذشته در حال تکرار است. آمریکایی‌ها بر این باور بودند که باید افغانستان را به جایی برای زمین‌گیرکردن روس‌ها تبدیل کنند. در جنگ‌های ایران و روس در آسیای مرکزی و قفقاز روس‌ها بر این باور بودند که ایرانی‌ها نمی‌توانند این سرزمین را کنترل کنند، پس باید زیر سلطه آن‌ها باشد که بتوان مانع پیشروی‌های انگلستان و عثمانی شوند.

در شرایط کنونی، روس‌ها نسبت به بازی بزرگ گذشته به شدت ضعیف شده‌اند و در گرداب اوکراین گیر افتاده‌اند. در بازی بزرگ پیشین، انگلیس و فرانسه در کریمه از عثمانی دفاع می‌کردند. در شرایط کنونی، آمریکا و اروپا در همین منطقه از اوکراین دفاع می‌کنند. علت ضعیف شدن روسیه به سیاست‌های دوره بوش و مبارزه با تروریسم باز می‌گردد. سیاست‌های بوش تقریباً تمام خارج نزدیک روسیه را به خود متمایل کرد و بسیاری از نیروهای طرفدار آمریکا روی کار آمدند. آنچه اهمیت دارد بازی دموکرات‌های آمریکا در مورد افغانستان است. جمهوری خواهان بر این باورند که تمام ابزارهای قدرت مانند گفتمان دیپلماتیک، همکاری‌های اقتصادی و جنگ و قدرت نظامی روی میز است. جمهوری خواهان به سرعت دست به اسلحه می‌برند و اقدام نظامی انجام می‌دهند؛ همان‌طور که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در افغانستان و سال ۲۰۰۳ در عراق انجام دادند. دموکرات‌ها برخلاف جمهوری خواهان سیاست چندجانبه‌گرایی دارند و به دنبال هزینه‌های نظامی نیستند.

در دوره کارتر سیاست برژینسکی مبنی بر کشاندن روس‌ها به افغانستان و ازمیان بردن آن‌ها با هزینه افغانستان دنبال شد. در این سیاست، هر دو طرف تلفات بسیاری دادند. بسیاری از تلفات نیز نیروهای تاجیک و ازبک بودند. باید توجه داشت کاری که دموکرات‌ها در افغانستان می‌کنند، این است که می‌خواهند روسیه و ایران را محدود کنند. همچنین می‌خواهند به منطقه سین‌کیانگ نفوذ و چین را مهار کنند. آمریکایی‌ها در گذشته تصور می‌کردند می‌توانند هند را نیز مهار کنند. البته در سال‌های گذشته هندی‌ها اندکی به آمریکا تمایل پیدا کردند. در دوره کلینتون شاهد بودیم که طالبان پذیرفته شد، اما در دوره اوباما این اتفاق رخ نداد. در دوره اوباما شرایط نظامی بسیار سخت شده بود و آن‌ها تلاش کردند نیروهای آمریکایی از افغانستان خارج شوند، اما طالبان آن‌جا باشند.

شایان توجه است که دولت اوباما اگرچه با بن لادن برخورد کرد و چند تن از سران طالبان را کشت؛ اما سیاست کلی نابودکردن طالبان نبوده است. به این ترتیب، طالبان دشمن آمریکا نبوده است و آمریکا همواره تصور می‌کرد اگر این گروه حفظ و کنترل شود در زمان مناسب می‌تواند از آن در راستای منافع خود استفاده کند. در دوره بایدن نیز سیاست اوباما اجرا شد؛

ولی تغییرهایی نیز داشت تا بتوانند مانع ورود ایران و روسیه شوند. اگر طالبان نبود، ایران در مسئله ارمنستان و جمهوری آذربایجان ورود می‌کرد؛ اما آمریکایی‌ها با استفاده از طالبان امکان بازی را گرفتند. بحث را با شعری از مولانا پایان می‌برم که احمد مسعود توثیت کرد: «نگفتمت نرو آنجا که آشنات منم...»

پرسش و پاسخ و دیدگاه

پرسش: کار بست کلمه افغان برای همه افغانستانی‌ها نیازمند تأمل است. من هزاره هستم و افغان محسوب نمی‌شوم.

دکتر فیضی: به صورت تاریخی ما ارمنستان نداشتیم، بلکه ایروان داشتیم، جمهوری آذربایجان نداشتیم، بلکه باکو داشتیم؛ اما بعدها براساس قومیت «ستان» را اضافه کردند. در مورد افغانستان هم همین‌طور است که در لفظ استفاده می‌شود.

دکتر تیشه‌یار: «ستان» در زبان باستانی معادل استان است که امروز در پیشوند بسیاری از کشورها وجود دارد. این کلمه، همانند اسم رمزی است که نشان می‌دهد آن‌ها روزگاری به تمدن پارسی گره خورده بودند و در بسیاری از زبان‌های منطقه نیز پذیرفته شده است. این نشان‌دهنده پیوند این کشورها به حوزه تمدن پارسی است. افغان یا اوغان نام دیگر قوم پشتون است، بنابراین زمانی که می‌گوییم افغانستان یا اوغانستان آن قدر جامع نیست که بقیه اقوام این کشور را دربرگیرد. مردم این کشور امروزه انتظار دارند نامی را انتخاب کنند که اشاره به قوم خاصی نداشته باشد. برای همین این اختلاف وجود دارد و ما تلاش می‌کنیم بیشتر از واژه مردم افغانستان استفاده کنیم.

پرسش: شما یک بار گفتید روس‌ها خودشان خواستند وارد افغانستان شوند و یک بار گفتید برژنفسکی و آمریکایی‌ها خواستند روس‌ها وارد افغانستان شوند. من در این صحبت شما تضاد می‌بینم. در نشست بن در مورد افغانستان، از تمام سران جهادی و سیاسی افغانستان و از تمام اعضا و گروه‌ها حضور داشتند به جز طالبان. به نظر شما اگر در آن نشست نماینده‌ای از طالبان حضور داشت وضعیت امروز افغانستان به این شکل بود؟ آیا ایران نقشی در پیدایش و رشد طالبان داشت؟

دکتر فیضی: روس‌ها مجموعه‌هایی مانند پادگان‌ها درست می‌کنند که امنیت کاروان‌های تجاری را به سمت مناطق پایین‌تر داشته باشند؛ ولی به سدی به نام خانات برخورد می‌کنند. پس از درگیری با خانات، آن‌ها را تصرف می‌کنند و با افغانستان کنونی هم‌مرز می‌شوند. خانات بخارا در این زمان با مناطق تاجیک شمال افغانستان درگیر می‌شوند. در چنین شرایطی، انگلستان احساس خطر می‌کند و در افغانستان شروع به دستکاری فرهنگی می‌کند. این

درگیری‌ها برای سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۷۰ بود و مسئله افغانستان مربوط به یک قرن بعد از آن است. در مورد حضورنداشتن طالبان، طالبان اشتباهی کرد که به نشست بن راه داده نشد. آن اشتباه این بود که با القاعده همکاری کرد. به همین دلیل، دولت بوش به آن‌ها اخطار داده بود که القاعده را تحویل دهند. در آن زمان کسی که امکانات را برای طالبان فراهم می‌کرد بن لادن بود و طالبان توان تحویل القاعده را نداشت. القاعده از نظر نظامی مجهز بود و می‌توانست طالبان را نابود کند.

مجموعه سندهای راهبردی فدراسیون روسیه (۱۹۹۳ تا ۲۰۲۱)

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران، نشست رونمایی از کتاب «مجموعه سندهای راهبردی فدراسیون روسیه (۱۹۹۳-۲۰۲۱)» را با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) و هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، سه‌شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ برگزار کرد. در این نشست دکتر جهانگیر کرمی، دانشیار گروه مطالعات روسیه دانشگاه تهران و برگردانندگان کتاب، دکتر الهه کولایی، استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، دکتر سیکا سعدالدین، دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر زهره خانمحمدی، دانش‌آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی حضور داشتند.

دکتر الهه کولایی

مجموعه کشورهای که از فروپاشی اتحاد شوروی باقی مانده‌اند، در دوران استقلال خود تحول‌های گوناگونی را تجربه کرده‌اند. شناخت و درک تحول‌های این کشورها برای کشور ما که مستقیم یا غیرمستقیم با این کشورها همسایه هستیم، اهمیت زیادی دارد. فدراسیون روسیه از کشورهایی است که پیوسته، دیدگاه‌های خود را در حوزه‌های مختلف به شکل سند منتشر می‌کند تا تصویری را که از جهان دارد، تبیین و چشم‌انداز روابط خود را ترسیم کند. مطالعه و واکاوی این سندها بسیار مهم است. این طرح را در مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی از پنج سال پیش شروع کردیم. دستاورد این طرح در سال جاری در کتاب اسناد سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی فدراسیون روسیه چاپ شد.

در سال ۱۹۹۳ متن نخستین آیین نظامی روسیه منتشر شد. در این سند، روسیه در جهان برای خود دشمنی تصور نمی‌کند و به روشنی از کشورهای دیگر به عنوان دوست صحبت

می‌کند. روسیه این تصور را ارائه می‌دهد که دشمن ندارد. در تحول‌های سال‌های بعد، از روسیه دوران اتحاد شوروی که سلاح هسته‌ای را دفاعی معرفی می‌کند و این دیدگاه را دارد که ضربه نخست را نخواهد زد، می‌رسیم به روسیه سال ۲۰۱۴ و این دیدگاه که اگر این کشور صلاح بداند ضربه نخست هسته‌ای را وارد خواهد کرد. بنابراین با بررسی این اسناد، تحول در نگاه روسیه به جهان و به ویژه ایران را می‌بینیم. با کوشش دکتر سیکا سعدالدین و دکتر زهره خانمحمدي که متن برگردانده از انگلیسی را با روسی برابری کردند، این مجموعه سند منتشر شد. از پژوهشکده مطالعات راهبردی که بخشی از سرمایه‌گذاری و چاپ و انتشار کتاب را عهده‌دار شدند، قدردانی می‌کنم. همکاری‌های ارزشمند آقای دکتر میرمحمدی، رئیس محترم پژوهشکده و آقای دکتر یزدان فام، معاون محترم پژوهشی پژوهشکده در به ثمر نشستن این کتاب بسیار مؤثر و راهگشا بود.

دکتر جهانگیر کرمی

تدوین اسناد در روسیه، به دوره تزار و حتی فراتر از روسیه برمی‌گردد. چنین اسنادی در دنیا، نخستین بار با آیین نظامی شروع شد. این مفهومی کلازویتسی است. کلازویتس، رئیس ستاد کل ارتش پروس بود و باور داشت همه هدف‌ها، ساختارها، آموزش‌ها و پشتیبانی لازم از جنگ باید مجموعه‌ای یکپارچه و ساختاری روشن را تشکیل دهد. این الگوی آلمانی، بر روسیه و بازسازی نظامی که در اواخر قرن نوزدهم در این کشور انجام شد تأثیر گذاشت. نخستین سند آیین نظامی روسیه هم در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ نوشته شد. پس از انقلاب روسیه، تدوین سند آیین نظامی از همان اوایل انقلاب اکتبر شروع شد؛ با این تفاوت که این سند تا پایان دوره شوروی به صورت عمومی منتشر نمی‌شدند. البته کارشناسان شوروی شناس غرب، اصول آیین نظامی شوروی را از روی مجموعه مقاله‌های نظامی حدس می‌زدند که منتشر می‌شد.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و از سال ۱۹۹۳ که نخستین سند سیاست خارجی، آیین نظامی و سند امنیت ملی روسیه منتشر شد، بررسی این اسناد جدی‌تر شد. در سه دهه گذشته، مجموعه گسترده‌ای از سند‌های ملی در روسیه ارائه شده است. ویژگی این کتاب این است که دانش‌نامه و مرجعی از اسناد ملی راهبردی روسیه است که در سه حوزه نظامی، سیاست خارجی و امنیت ملی گردآوری و به فارسی برگردانده شده است. در خود روسیه هم اسناد مختلف به شکل پراکنده در دسترس است و هیچ مجموعه‌ای این اسناد را یک جا ارائه نمی‌کند. گردآوری این سند‌ها در یک جا، کار ارزشمندی برای پژوهشگران و دانشجویان این حوزه است. این کتاب متن روان و رسایی دارد. مسئله سند‌ها، مسئله‌ای است که اجماع داخلی و پیش‌بینی‌پذیری خارجی ایجاد می‌کند. در دنیای امروز اگر کشورها بتوانند سیاست شفافی را به

رقیبان، همکاران و دشمنان خود ارائه دهند، کمک بزرگی به خود کرده‌اند. پیش‌بینی ناپذیری برای منافع ملی کشورها بسیار خطرناک است. در جامعه نیز افراد پیش‌بینی ناپذیر جدی گرفته نمی‌شوند.

نکته بعدی اینکه این سندها چقدر واقعی هستند؟ آیا سندها واقعی هستند یا نسخه‌های آشکار و سری دارند؟ پاسخ این است که حتی اگر این‌گونه هم باشد، این سندها بسیار جدی هستند؛ زیرا نسخه آشکار نمی‌تواند با نسخه سری و محرمانه چندان بیگانه باشد. در ارتباط با واقعی بودن اسناد، چهار وضعیت را تصویر می‌کنم: در تصویر نخست، واقعیت‌ها سبب شکل‌گیری سندها می‌شوند. در تصویر دوم، اسناد به واقعیت‌ها شکل می‌دهند. در این وضعیت، دولت به وسیله این سندها به محیط خارجی شکل می‌دهد. در تصویر سوم، سند و واقعیت در تعامل دائم هستند و پویایی در آن‌ها وجود دارد. در تصویر چهارم، سند روند کلی را ترسیم می‌کند و فقط مسیر راه است. هرکدام از این چهار تصویر، بهره‌ای از واقعیت را دارند.

رانه‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، روندها و تحولات

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، نشست علمی کارشناسی «رانه‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، روندها و تحولات» را شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۲ با همکاری انجمن مطالعات قفقاز، هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای برگزار کرد. در این نشست دکتر واروژان گغامیان، استادیار دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان، دکتر ادگار الباکیان، مدرس دانشگاه اسلاوآرمنی روسی ارمنستان، دکتر الهه کولایی، استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، دکتر شیوا علی‌زاده، استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر سیدمهدی حسینی تقی‌آباد، مدیرعامل پیشین بنیاد مطالعات قفقاز دیدگاه‌های خود را بیان کردند.

دکتر شیوا علی‌زاده

منافع مشترک ایران و ارمنستان، سه سال پس از جنگ ۴۴ روزه

جنگ سال ۲۰۲۰ مشخص کرد که دو کشور ارمنستان و ایران تنها هستند. این دو کشور، در شرایطی که در قفقاز پیش آمد، متحد ژئوپلیتیکی نداشتند. در جهان قدرت‌های بزرگ، به نظر می‌رسید کسی مدافع ارمنستان نیست. روابط بین‌الملل تابع عامل‌های احساسی نیست. از آن سو در سطح منطقه در بین بازیگران منطقه‌ای فقط جمهوری اسلامی ایران موضع مستقل داشت، از موازین حقوق بین‌الملل حمایت می‌کرد و در مناطقی که باکو کنترلش را به دست می‌گرفت، دغدغه امنیت جمعیت ارمنی را داشت. دیگر بازیگران منطقه‌ای، درگیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و زیاده‌خواهی بودند. بعضی از بازیگران برایشان فرقی نمی‌کرد که چه اتفاقی بیفتد. بازیگرانی که دورتر بودند و بعضی هم به خاطر مشوق‌های اقتصادی‌ای که در روابطشان با آنکارا و باکو وجود داشت، موضعشان می‌توانست در بلندمدت به زیان ایران و ارمنستان باشد. جنگ سال ۲۰۲۰ اتفاق افتاد و موافقت‌نامه‌ای در نوامبر امضا شد، اما ماجرا آنجا تمام نشد.

خیلی زود مشخص شد که این اول ماجراست و اصلاً داستان قره‌باغ کوهستانی نیست. داستان خیلی فراتر از این بود. گاهی زیاده‌خواهی‌های سرزمینی بعضی از بازیگران خیلی بیشتر بود و بازیگران زیادی دخیل بودند که به این سیاست‌ها دامن می‌زدند. آنجا جنگ فقط بین دو کشور همسایه نبود. یک طرف این درگیری، بازیگران مختلفی بودند مانند اسرائیل، ترکیه و شرکت نفت انگلیس. بعضی بازیگران به‌طور مستقیم موضع‌گیری می‌کردند، ولی در عمل نشان می‌دادند که با مواضع آن‌ها موافق هستند. اتحادی که شکل گرفته بود به دنبال پس‌گرفتن جمهوری قره‌باغ کوهستانی نبود. این اتفاق افتاد، ولی باید در ادامه آرزوی صدساله پان‌ترک‌ها محقق می‌شد و این فقط آرزوی پان‌ترکی نبود، منطبق بود با منافع ژئوپلیتیکی بسیاری از بازیگران مانند اسرائیل و بعضی از کشورهای اروپایی و خود ترکیه. برای چین و روسیه این، تهدیدی جدی به حساب نمی‌آمد. در توافق نوامبر ۲۰۲۰ رئیس‌جمهور ارمنستان مقاومت کرد و نتوانستند واژه راه‌گذر را بگنجانند؛ ولی فضایی که در ترکیه و جمهوری آذربایجان هست و لحنی که آنجا هست این ساخت راه‌گذر را مفروض می‌دانند.

کشورهایی مانند چین و روسیه، نگاهی اقتصادی به ماجرا داشتند و راه‌گذر تهدیدی جدی برای آن‌ها نبود و مخالفتی نداشتند. اینجا ایران و ارمنستان، سود مشترک دارند و احتمالاً هند و بازیگران دیگری که در راه‌گذر شمال جنوب نقش دارند. دولت ارمنستان در این مدت با همسایگان شرقی و غربی خود با حسن نیت برخورد کرد و برای اینکه منافع اقتصادی نصیب ارمنستان شود، یکپارچگی سرزمینی جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت که ارمنستان هم بتواند از منافع اقتصادی طرح‌های اقتصادی که در منطقه است، بهره‌مند شود.

در برابر این حسن نیت دولت ارمنستان، باکو چه پاسخی داده است؟ با توجه به سیاست‌های باکو، آیا می‌توان خوش‌بین بود؟ دولت جمهوری آذربایجان دائم حقوق ارمنی‌ها را در این جمهوری و در سرزمین‌هایی که بازپس گرفته است، محدودتر کرده است. میراث ارمنی هم هرچه بیشتر در حال انکارشدن است. پس راه‌گذر زنگه‌زور فقط یک راه ترانزیتی نیست؛ کشورهایی هم که دنبال آن هستند، همسایگان عادی ارمنستان نیستند. اینجا فقط بحث اقتصادی و حتی فقط منافع ژئوپلیتیکی مطرح نیست، تغییرها و تحول‌های اساسی موردنظر این‌هاست. به هر حال مسئله، از میان بردن میراث و هویت ارمنی است و احتمالاً خالی شدن این مناطق از جمعیت ارمنی سیاست‌هایی که ضدهویت ارمنی است و در ادامه منافع اقتصادی هم که ممکن است به دست بیاید، زیر تأثیر قرار می‌دهد.

آیا قرار است شاهد موج‌های مهاجرت از منطقه باشیم؟ آیا قرار است تغییر جمعیتی اساسی اتفاق بیفتد؟ به نظر می‌رسد، در ذهن طراحان راه‌گذر این‌طور باشد. اکنون باید ببینیم در لایچین چه شرایطی حاکم است. اگر این راه‌گذر برقرار باشد و راه بیفتد و حتی روس‌ها هم

آنجا مستقر باشند، آیا قرار نیست شرایطی مشابه آنچه امروز در لاجین وجود دارد اتفاق بیفتد؟ به نظر می‌رسد جامعه دانشگاهی، کارشناسان و تحلیلگران باید سیاست‌گذاران را بیشتر بدبین و متوجه پیامدهای منفی‌ای کنند که متصور است.

سرمایه‌بزرگی که دولت ارمنستان در بیرون از ارمنستان دارد، جمعیت دیاسپورای ارمنی است. ارمنستان کشوری است که برای ارتباط با این دیاسپورا وزارتخانه دارد. بخش‌های بزرگ و موافقی از این دیاسپورا که در کشورهای مختلف هستند، ریشه در ایران دارند و با جمعیت ارمنی ایران مرتبط هستند. جمعیت دیاسپورای ارمنی منابع قابل توجهی دارد و سازمان‌دهی بسیار خوبی هم حداقل در اروپا و آمریکا دارد.

مسئله روسیه متفاوت است. آن‌ها باید منابع خود را در جهت هوشیارسازی دولت ارمنستان متمرکز کنند. از آن طرف، با جمهوری آذربایجان و ترکیه‌ای روبه‌رو هستیم که به سرعت زیربناسازی می‌کنند، تا مسیر ایران مناسب خود را از دست بدهد و راه‌گذاری که مورد نظر خودشان است، جایگزین شود. نخجوان به جمهوری آذربایجان و ترکیه به جمهوری آذربایجان و حوزه آسیای مرکزی متصل شود. در این شرایط باید به فکر زیربناسازی باشند. شاید سرمایه قابل توجهی که دیاسپورای ارمنی در خارج از ارمنستان دارد، بتواند به زیربناسازی سریع و بهبود ارتباط زیرساختی میان ایران و ارمنستان کمک کند و راه‌گذر زنگه‌زور را زیر سؤال ببرد. این تهدید، تهدید هویتی است که متوجه ملت ارمنی است.

دکتر ادگار الباکیان

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز از نگاه کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی

رویدادهای سال ۲۰۲۰ در پرتو اولویت‌های کنونی روسیه و نگاه تاکتیکی این کشور به قفقاز جنوبی بوده است. در شرایط کنونی، اولویت روسیه، اوکراین است. روشن است که غرب از راه‌گذر زنگه‌زور حمایت می‌کند. روسیه نشانه‌هایی را بروز می‌دهد که اعلام کند با راه‌اندازی این راه‌گذر مخالفتی ندارد. اگر روسیه جانب‌داری نشان دهد، جایگاه میانجیگری خود را در موضوع قره‌باغ از دست خواهد داد. این موضع روسیه برای ایران نگران‌کننده است. ترکیه، برنده رویدادهای کنونی در قفقاز جنوبی است.

چیزی که در جنگ ۲۰۲۰ شاهد بودیم و رویدادهای پس از آن، در تأثیر سیاست روسی قرار دارد که نگاه آن به قفقاز، نگاهی تاکتیکی است. اولویت اول، دوم و سوم روسیه اکنون اوکراین است و مسئله قفقاز در اولویت‌های روسیه قرار نمی‌گیرد. در دو موضوع خیلی مهم، یکی بحث به اصطلاح راه‌گذر زنگه‌زور که رئیس‌جمهور آذربایجان در تلاش برای جاانداختن این عنوان است. پیدا است که غرب حمایت می‌کند و در جمهوری آذربایجان خیلی مایل است که این

اتفاق بیفتد و مشوق‌های جدی برای آن قرار داده است و اصرار زیادی برای آن دارد. روسیه نشانه‌هایی بروز می‌دهد که گویی در مواقعی با این موضوع مخالفت جدی ندارد و به قطع این از دیدگاه جمهوری آذربایجان سبب نگرانی است.

در مورد وضعیت قره‌باغ که قرار است بنا بر توافق آلماتی این مسیر پیش برود. این دیکته‌ای است که غربی‌ها کردند و روسیه هم دستش در این کنشگری خیلی باز نیست؛ زیرا روسیه تمایل دارد در موضوع تعیین تکلیف قره‌باغ به عنوان میانجی حضور داشته باشد و اگر بخواهد جانب‌داری نشان دهد، از صحنه حذف می‌شود. جمهوری اسلامی ایران تاریخیچه مفصلی از چالش با غرب و فشارها و تهدیدهای غرب داشته و در گستره بزرگی با غرب درگیر بوده است تا بحث امنیت ایران و منافع ایران و حوزه یمن هم گسترده شده است. تمرکز جمهوری اسلامی ایران به غرب آسیا مانع تمرکز جمهوری اسلامی به مسائل قفقاز جنوبی شده است. فرصتی ۲۶ ساله، یعنی از سال ۱۹۹۴ پایان جنگ اول قره‌باغ تا آغاز جنگ دوم که شاهد بودیم، جمهوری اسلامی زمان ارزشمندی را از دست داد و به تعبیری بازنده این حوزه بود. ترکیه برنده رویدادهای کنونی قفقاز و تحول‌های ژئوپلیتیک است.

دکتر واروژان گغامیان

چشم‌انداز همکاری‌های ایرانی ارمنی در قفقاز جنوبی

در شرایط کنونی، روابط دو کشور ایران و ارمنستان در شرایط حساسی قرار دارد. ارتباط میان مقام‌های دو کشور و ارتباطات مردمی میان آن‌ها باید تقویت شود. آنچه روی داد فقط مسئله جنگ و آزادی قره‌باغ نبود. هدف اصلی، ایجاد راه‌گذر است. موضوع راه‌گذر در سیاست‌های ترکیه اهمیت بسیاری دارد. موضع محکم جمهوری اسلامی ایران و مقام‌های نظامی ایران نیز اهمیت این رویدادها را نشان می‌دهد. اشتراک میان جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان به این دلیل است که راه‌گذر زنگه‌زور یکی از مناطق مهم پیرامون ایران را هدف قرار می‌دهد. توجه به دو نکته مهم در این زمان ضروری است: نخست اینکه به جای انفعال، بازیگری مبتکر باشیم. دوم اینکه افکار عمومی هر دو کشور نسبت به هدف‌های این راه‌گذر هشیار باشند. در شرایطی که غرب و ناتو از این راه‌گذر پشتیبانی می‌کنند، باید بازیگران دیگری را وارد کنیم.

شرایط ما امروز از نظر زمانی محدود است. باید از هر لحظه‌ای استفاده کنیم و لحظه‌ای را از دست ندهیم و محدود نشویم. روابط دو کشور، شرایط بسیار حساسی را سپری می‌کند. ضرورت دارد توجه داشته باشیم که برای ارتباط به مقام‌های دو کشور محدود نباشد و به ارتباط مستقیم مردمی نیاز داریم. این ارتباط مستقیم مردمی شاید به ارتقا و استحکام روابط کمکی نکند؛ اما به شناسایی و رویارویی با چالش‌ها و مسائل کمک می‌کند. تعداد زیادی از دانشجویان

دانشگاه‌های ایروان، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی که بسیاری از این‌ها دانش‌آموخته هم هستند، در این جلسه حضور دارند. این گفت‌وگوها بر ارزیابی و شناخت آن‌ها تأثیر دارد. در قفقاز تغییرهای بسیار سریع ژئوپلیتیکی در حال روی دادن است. آنچه در اوکراین می‌بینیم، بخشی از تغییرهای بزرگ ژئوپلیتیکی در دنیا است. از همان هنگامه جنگ قره‌باغ، اسناد، اخبار و تحلیل‌های آنچه اتفاق افتاده است، موجود است. در ایران هم بسیاری از تحلیلگران می‌گفتند که مسئله جنگ، به تعبیر جمهوری آذربایجان و آنچه رسانه‌های ترکیه می‌گفتند، آزادی قره‌باغ نبود، بلکه هدف اصلی ایجاد راه‌گذر بود. رسانه‌های ترکیه در هنگامه جنگ، بیشتر روی این موضوع تأکید داشتند تا بازپس‌گیری قره‌باغ. آن‌ها به اخبار و مستنداتی اشاره کردند که شبکه دولتی ترکیه وعده‌هایی می‌داد که تا یک هفته آینده نخجوان به جمهوری آذربایجان با راه‌گذر زنگه‌زور متصل می‌شود. در سه سال اخیر، جریان اصلی رسانه در ترکیه بر همین موضوع تأکید کرده و به دنبال زنده نگه داشتن این موضوع بوده است که بخشی از پازل جهان ترک در قفقاز جنوبی است که بخشی از این مسیر است، در حال حاضر در قالب راه‌گذر می‌بینیم که طرح‌های بعدی هم خواهد داشت.

دکتر سیدمهدی حسینی تقی‌آباد

جنگ سال ۲۰۲۰ قره‌باغ: سیر رخدادها و چشم‌انداز پیش رو

از ابتدای دولت سرژ سرکیسیان، یعنی از سال ۲۰۱۸ به بعد شاهد بودیم مسئله اقتصادی در ارمنستان در اولویت قرار داشت. یکی از کارویژه‌های اصلی که او تعریف کرده بود، عبور از تنگنای اقتصادی بود. در آن زمان راه‌حلی که ارائه شد مصالحه ترکی ارمنی بود. در سال ۲۰۰۹ در پرتو سیاستی که دولت اوباما داشت و تلاش می‌کرد در سطح بین‌المللی به نوعی منادی صلح‌سازی باشد با میانجی‌گری ایالات متحد و همراهی روسیه که خیلی تمایل نداشت ابتکار عمل در اختیار آمریکا باشد؛ شاهد امضای دو پروتکل صلح ترکی ارمنی به وسیله وزیران خارجه ترکیه و ارمنستان، داوود اوغلو و نعلبندیان در زوریخ بودیم.

منتقدانی از دو سو وجود داشت. از سویی، دیاسپورای ارمنی با حل و فصل ادعای ارمنی‌ها در مورد موضوع به رسمیت شناخته شدن نسل‌کشی ارمنی در سال ۱۹۱۵ مخالف بود؛ زیرا به نظر می‌رسید با مصالحه، این پرونده به کمیسیون مشترک تاریخی بین ارمنستان و ترکیه سپرده شود. از سوی دیگر، در ترکیه هم شاهد بودیم که تقسیم نقش شده بود. طرف ارمنستان، رئیس‌جمهور ترکیه، عبدالله گل بود. در سوی دیگر، پلیس بد ماجرا اردوغان بود که به ظاهر با جمهوری آذربایجان همراهی نشان می‌داد. موازی با آشتی ترکی ارمنی، تجمیع مؤسسه‌ها و نهادهایی را در فضای پسا شوروی شاهد بودیم، مانند سازمان ترک‌سوی و نهادهای مختلف با ابتکار ترکیه برای

ایجاد همگرایی میان جمهوری آذربایجان و کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی. سرانجام در قالب شورای کشورهای ترک‌زبان در اکتبر ۲۰۰۹ در نخجوان، سازمانی با این نام تأسیس شد. این رخداد با آشتی با جمهوری آذربایجان هم‌زمان بود.

شایان توجه است که در آن دوره، جمهوری اسلامی ایران مانند تمام ۲۶ سال میان دو جنگ به صورت دوره‌ای پیشنهاد میانجیگری میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را مطرح می‌کرد. هیچ‌وقت دو کشور هم‌زمان میانجیگری ایران را نپذیرفتند. در آن دوره، جمهوری آذربایجان که منتقد اراده‌ی معطوف به آشتی ترکیه با ارمنستان بود از میانجیگری ایران استقبال می‌کرد. البته براساس توافق نامه‌ی آتش‌بس سال ۱۹۹۴ در بیشکک، گروه مینسک سازمان امنیت همکاری اروپا که ریاست آن را روسیه، آمریکا و فرانسه بر عهده داشتند، نقش میانجی را بر عهده داشت. تلاش ایران برای به عهده گرفتن نقش میانجیگری ناکام بود؛ زیرا این دو کشور هم‌زمان این مسئله را نمی‌پذیرفتند.

آشتی ترکی‌ارمنی به نتیجه نرسید و در مجالس دو کشور متوقف شد. بعد از آن اراده‌ی سرژ سرکیسیان، متوجه ایجاد خط آهن، میان ایروان و مغری از مسیر سیونیک بود که برنامه‌های مطالعاتی آن انجام و شرکتی برای امکان‌پذیری آن در دبی تشکیل شد. او تلاش کرد از چین هم در این زمینه بودجه بگیرد. برای این طرح، بودجه‌ای بالغ بر ۳،۵ میلیارد دلار مطرح بود. این طرح در نهایت به مرحله‌ی پیش اجرا هم نرسید.

نکته‌ی عجیب این بود که روسیه هم از ساخت این خط آهن حمایت نمی‌کرد؛ در حالی که راه آهن ارمنستان در اجاره‌ی آن بود. حتی مقام‌های ارشد راه آهن روسیه مانند یاکوین در مصاحبه‌ای ایجاد این راه آهن را سودآور ارزیابی نکردند. هم‌زمان شاهدیم که تأکید روسیه بر خط آهن آستارا-آستارا میان ایران و جمهوری آذربایجان بود. یعنی انتخاب روسیه برای اتصال راه‌گذر شمال جنوب جمهوری آذربایجان بود.

از سوی دیگر، جنگ ۴ روزه‌ی آوریل ۲۰۱۶ را هم دیدیم. پس از ۴ روز با دستور وزیر دفاع روسیه آتش‌بس برقرار شد؛ ولی در آنجا ثابت شد که موازنه‌ی نظامی به سود جمهوری آذربایجان تغییر کرده است. انقلاب مخملی ارمنستان را در آوریل ۲۰۱۸ دیدیم. در ۲۳ آوریل ۲۰۱۸ پاشینیان به قدرت رسید که مواضع آشکار غرب‌گرایانه داشت و خودش را در رویارویی با روسیه تعریف کرد. در جنگ سال ۲۰۲۰ برخلاف انتظار، ارمنستان گمان می‌کرد مانند جنگ سال ۲۰۱۶ با دستور روسیه آتش‌بس ایجاد می‌شود که این‌گونه نشد و حتی یک بار که آتش‌بس ارائه شد و جمهوری آذربایجان نیز پذیرفت. ترکیه به جمهوری آذربایجان دستور داد که آتش‌بس باید نقض شود و جنگ ادامه پیدا کند. یکی از نکته‌های عجیب جنگ سال ۲۰۲۰ این بود که همان روزی که کنستانتین زاتولین، نماینده‌ی مشهور دوما و رئیس کمیته‌ی همگرایی کشورهای هم‌سود دوما

روسیه اعلام کرد که روسیه باید به سود ارمنستان اقدامی انجام دهد، پوتین در سخنرانی خود، بازپس‌گیری سرزمین‌ها را حق جمهوری آذربایجان و یکپارچگی سرزمینی این کشور دانست. سکوت غرب و نقش‌آفرینی ترکیه به عنوان یکی از اعضای مهم ناتو و حضور آشکار رژیم اسرائیل نشان می‌داد که پشت جمهوری آذربایجان به ناتو و غرب گرم است. از سوی دیگر، روسیه هم به ظاهر از حل‌شدن ماجرای ۷ شهر پیرامونی و بخش‌هایی از قره‌باغ از راه جنگ استقبال می‌کرد. به این ترتیب، روسیه در دورهٔ پسا جنگ، ایجاد راه‌گذر یا مسیری را که در پی توافق آتش‌بس ارائه شد و باید زیر نظر نیروهای سرویس امنیت فدرال روسیه باشد، برای خودش فرصت می‌بیند. شایان توجه است که سال گذشته، ۳ روز پیش از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۲ مقام معظم رهبری در دیدار با اردوغان گفتند که ما اجازهٔ قطع راه‌های هزاران سالهٔ تاریخی را نخواهیم داد. همین صحبت را در دیدار با پوتین نیز بیان کردند و گفتند ما اجازهٔ قطع مرز ایران و ارمنستان را نخواهیم داد.

این نکته خیلی مهم است که هم ایرانی‌ها و هم ارمنی‌ها باید تلاش کنند به ویژه در شرایط امروز که روسیه به شدت درگیر جنگ اوکراین است، مسکو را آگاه کنند از مخاطراتی که در ازای منافع موقت که با ایجاد راه‌گذر زنگه‌زور به دست می‌آورد. در اوت ۲۰۱۸ موافقت‌نامهٔ رژیم حقوقی دریای خزر را با روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان امضا کردیم. آن زمان، مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران به ریاست دکتر کولایی یکی از نهادهای فعال دانشگاهی در ایران بود که از روند در حال پیشرفت انتقاد می‌کرد. سرانجام آن موافقت‌نامه امضا شد، اما در پارلمان ایران به تصویب نرسید.

امروز می‌دانیم که روسیه از برخی از مفاد این موافقت‌نامه که خودش تاحد زیادی مبتکر آن بود، پشیمان است. زیرا از همان مفادی که روسیه در آن زمان اجازهٔ امضای آن را داد، امروز دشمنان غربی‌اش سوءاستفاده می‌کنند. کشورهایی که در سال ۲۰۱۸ شریک و دوست بودند و امروز دشمنان آن هستند. روسیه امروز تجربهٔ ۴۰ سالهٔ جمهوری اسلامی را در تحریم و دشمنی غرب احساس می‌کند. پس ما به عنوان ایران می‌توانیم با برشمردن بندهای موافقت‌نامهٔ رژیم حقوقی دریای خزر به روسیه یادآوری کنیم. خیلی وقت‌ها قدرت‌های بزرگ هم تصمیم‌های اشتباه می‌گیرند.

نگاه تاکتیکی روسیه به ایجاد راه‌گذر زنگه‌زور از همان جنس است. روسیه را به عنوان کشور دوست و شریک خود مخاطب قرار می‌دهیم و در این زمینه انتقاد می‌کنیم. انتظار داریم که کشور همسایهٔ ارمنستان هم روسیه را مخاطب قرار دهد و در مورد مخاطرات جاده‌ای که در آینده از دست روسیه خارج خواهد شد، هشدار دهد. تردید نداریم که منابع نفتی باکو که بخش زیاد آن در دست شرکت نفت انگلیس است، در واقع انگلستان که پیشینه‌ای صدساله در

جمهوری آذربایجان دارد، بخش مهمی از این سناریو را پرداخته، انگلستان دشمن قسم خورده روسیه است. این جاده ناتو است و روسیه فکر می‌کند که می‌تواند اختیار آن را در دست داشته باشد. در صورتی که آرزویی صدساله در شرف تحقق است. امیدوارم این بار هشدارهای دانشگاهیان جدی گرفته شود و مانند موافقت نامه رژیم حقوقی دریای خزر نباشد که اندیشکده‌های ما نشست‌های بی‌شماری برگزار کردند و متأسفانه نتایجش خیلی جدی گرفته نشد.

انتظار داریم که متفکران دانشگاهی ارمنستان، به دولت ارمنستان مشاور بدهند. همان‌طور که جریان‌های غرب‌گرا را در روسیه شاهدیم که خیلی از این راه‌گذر استقبال می‌کنند. در ارمنستان هم بعضی فکر می‌کنند که آینده ارمنستان در گرو باز شدن دروازه‌های این کشور روی ترکیه و غرب است. تجربه تاریخی خلاف این را ثابت کرده است. ترکیه همسایه ما است و روابط بین ایران و ترکیه خوب است. از نظر فرهنگی هم ارتباطات خوبی بین ایران و ترکیه وجود دارد. صحبت‌هایی که مطرح می‌شود نگاه به راهبردهای دولت‌هاست و مردم منطقه هیچ مشکلی با هم ندارند.

خاطره‌ای نزدیک را برایتان بگویم. در ماه مبارک رمضان در یکی از میدان‌های استانبول یک نفر خطیب سخنرانی می‌کند و در آنجا مردم در غروب آفتاب می‌نشینند و موعظه می‌شنوند. در سال ۲۰۱۸ درحالی که برنامه به صورت مستقیم از تلویزیون پخش می‌شد، او یک پسر ۱۳ ساله ارمنی به نام آرتور را آورد و گفت که او دینش را عوض کرده است. اتفاقی که هیچ وقت نمی‌توانید انتظار داشته باشید در ایران بیفتد. این تفاوت بین فرهنگ اسلامی ایران و ترکیه است و برای ارمنستان این دروازه‌ای رو به ایران است، دروازه‌ای که صرفاً رو به اقتصاد، امنیت و... نیست، و رو به فرهنگ نیز است. فرهنگی که شاید به ظاهر مانند ترکیه رنگ و لعاب غربی نداشته باشد؛ ولی با حفظ اصالت و سنت‌های شرقی خودش بسیار اهل مدارا است. ما در مرکز ایران در اصفهان، شهری به نام فریدن داریم. ساکنان آن نوادگان گرجی‌هایی هستند که ۴۰۰ سال پیش به ایران آمده‌اند. این‌ها به اسلام گرویدند و شیعه مذهب هستند؛ ولی زبان گرجی خود را حفظ کرده‌اند. کجای دنیا چنین نمونه‌ای می‌توان پیدا کرد. ایران این‌گونه است.

دکتر الهه کولایی

مراکز پژوهشی، علمی و دانشگاهی باید از همه ظرفیت‌های موجود استفاده کنند تا به مردم کمک کنند از تحول‌های پیرامون خودشان درک بهتری داشته باشند و البته تصمیم‌گیرندگان هم، از مسائل داخلی و خارجی کشور، تصویر واقعی‌تری داشته باشند. برای ما بازتاب رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و مسائل این منطقه مهم است. جمهوری اسلامی ایران و

ارمنستان از کشورهایی هستند که در این تحول‌ها و روندها حضور دارند و تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. درک این روندهای ژئوپلیتیکی برای هر دو کشور بسیار مهم است. با توجه به عواملی که کشورها را در این منطقه به حرکت در می‌آورد، وقتی از این عوامل صحبت می‌کنیم پایداری منافع کشورها خودش را برجسته می‌کند. دوستی و دشمنی بین کشورها پایدار نیست، بلکه این منافع کشورها است که باید به آن توجه شود و مورد توجه تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد. تمرکز ما بر همین مسئله است که بر این عوامل تأثیرگذار و ماندگار و به‌ویژه در حوزه عوامل ژئوپلیتیکی توجه لازم شکل بگیرد.

امیدوارم این بحث‌ها را در ایروان با استادان و دانشجویان ایرانی و همکاران ارمنی ادامه دهیم و این نشست، گشایشی برای طرح این‌گونه مباحث باشد تا منافع مشترک را بهتر شناسایی کنیم و بتوانیم از این ظرفیت‌ها بهتر استفاده کنیم. امیدوارم با ادامه این نشست‌ها برای درک منافع مشترک مردم ایران و ارمنستان قدم‌های لازم برداشته شود. روابط ایران و ارمنستان از معدود روابط میان کشورها است که فرازونشیب زیادی در آن نمی‌بینیم و روند یکنواخت و همسانی را در همه سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی پشت سر گذاشته‌اند. منافع مشترک دو کشور تصمیم‌گیرندگان را ملزم می‌کند که روابط را به همین شکل ادامه بدهند. ضمن اینکه جمعیت‌های بزرگی از مردم ارمنی در کشور ما زندگی می‌کنند. این موضوع ارتباطات اجتماعی و فرهنگی بین ایران و ارمنستان را تسهیل می‌کند؛ اما بازیگران دیگری مانند روسیه، ترکیه، اتحادیه اروپا یا حتی اسرائیل، علایق خودشان را در این منطقه دنبال می‌کنند. ما در این منطقه زندگی می‌کنیم. مصالح منطقه و منافع مشترک برای ما جنبه حیاتی و سرنوشت‌ساز دارد. این نشست‌ها می‌تواند در جمع‌های دانشگاهی با حضور استادان و دانشجویان برای رسیدن به درک مشترک به ما کمک کند.

کرسی نظریه پردازی مطالعات منطقه‌ای: الگوی نظری برای پیوند تمدنی و فرهنگی ایران و ارمنستان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران نشست علمی کارشناسی «کرسی نظریه پردازی مطالعات منطقه‌ای: الگوی نظری برای پیوند تمدنی و فرهنگی ایران و ارمنستان» را دوشنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۲، با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز، مؤسسه تحقیق و ترجمه هور، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار کرد. در این نشست دکتر وارتان وسکانیان، رئیس کرسی ایران‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان، دکتر ابراهیم متقی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر علی بمان اقبالی زارچ، رئیس گروه مطالعات اوراسیای مرکزی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، دیدگاه‌های خود را بیان کردند.

دکتر وارتان وسکانیان

مؤلفه‌های تمدنی و فرهنگی: سازه نظری اتحاد ایران و ارمنستان

به بحث نظری در مورد اتحاد بین ایران و ارمنستان می‌پردازم؛ اتحادی که هم فرهنگی و هم تمدنی است. ابتدا چند نکته در مورد ایران از دیدگاه ایران‌شناسی بیان می‌کنم. ایران فقط پنداره سیاسی نیست؛ ایران پنداره‌ای فرهنگی نیز هست. ما ایران سیاسی و ایران فرهنگی داریم. ایران سیاسی در حیطه ایران فرهنگی می‌گنجد؛ اما وسعت ایران فرهنگی در مناطق مختلف خارج از مرزهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. ایران فرهنگی از دیدگاه جغرافیایی بسیار وسیع‌تر از جغرافیای سیاسی است. منظور از ایران فرهنگی، تنها اقوام ایرانی و فارسی‌زبان نیست، بلکه حضور تمدن و فرهنگ ایرانی مورد نظر است.

اگر از این دیدگاه به ارمنستان نگاه کنیم متوجه می‌شویم که ریشه‌های فرهنگی مردم ارمنستان با مردم ایران یکی است. تفاوت زبانی کشور ارمنستان هیچ‌گاه سبب نشده است که از ایران فرهنگی جدا شود. در ابتدا به مؤلفه زبان اشاره کردیم؛ زیرا بسیاری از ایران‌شناسان باور دارند در تعریف ایران فرهنگی زبان فارسی شاخصی تعیین کننده است. بنابراین دیدگاه، زبان ارمنی ریشه هندواروپایی دارد؛ زبان گرجی ریشه قفقازی دارد که هر دو غیرایرانی هستند. در نتیجه، نباید در حیطه فرهنگی بگنجانند. در حالی که زبان ارمنی به منزله موزه زبان ایرانی است، در لایه‌های مختلف این زبان واژه‌هایی می‌بینیم که کمتر ارمنی محسوب می‌شوند و بیشتر ریشه زبان فارسی دارند. برای نمونه، اسامی شخصی افراد در ارمنستان بیشتر ایرانی و باستانی هستند، مانند نام من که ایرانی و پارتی از دوره اشکانیان است. زبان فارسی در ارمنستان پدیده‌ای تاریخی است، یعنی از دوره هخامنشیان زبان فارسی وارد ارمنستان شده است.

مؤلفه بعدی، مؤلفه دینی است. ایران به عنوان کشور اسلامی شیعی و ارمنستان به عنوان کشور مسیحی سنتی. مسیحیت سنتی ارمنستان با مسیحیت کاتولیک و ارتدوکس متفاوت است. شباهتی که مسیحیت سنتی ارمنستان با اسلام دارد، این است که هر دو دین به توحید باور دارند. در دوران پیش از ترویج اسلام و مسیحیت در این منطقه، هم در ایران و هم در ارمنستان دین زرتشت رواج داشته است. جدا از این اشتراک مذهبی، مسجد کبود ارمنستان در شهر ایروان در نزدیکی فرهنگی میان این دو کشور نقش مهمی داشته است. این مسجد نه تنها به عنوان نماد دینی و شیعی، بلکه به عنوان نماد ایرانی بودن میان مردم پذیرفته شده است. این مکان تلفیقی از مکتب‌های معماری ایرانی و ارمنی است.

نماد بعدی که نشانگر نزدیکی فرهنگی میان این دو کشور است، کلیسای تادئوس مقدس در ایران در استان آذربایجان غربی است. این کلیسا برای ارمنی‌ها نقش نمادین دارد. با اینکه یکی از حواریون حضرت عیسی در این کلیسا دفن است؛ از این دیدگاه کمتر شناخته شده است. مؤلفه بعدی، تاریخ مشترک میان دو کشور است. ارمنستان به عنوان یک کشور و یک ملت از بیستون تا ترکمانچای ثبت شده است. از این رو می‌توان گفت ارمنستان خارج از حیطه تاریخی و فرهنگی ایران نبوده است. یک نمونه، ائتلاف فرهنگی، تمدنی، سیاسی و نظامی در تاریخ مشترک میان ایران و ارمنستان در دوره اشکانیان است. این دوره هم‌زمان است با پادشاهی یکی از شاخه‌های اشکانیان در ارمنستان و ترویج دین مسیحیت. آن‌ها خاندانی با اصالت ایرانی بودند که به مرور زمان هویتی ارمنی پیدا کردند و دین مسیحیت را ترویج دادند. گریگور روشنگر را که مروج رسمی دین مسیح در ارمنستان به خاندان پادشاهی ایرانی بوده است می‌توان نماد ائتلاف میان دو کشور در نظر گرفت.

بعد از اشکانیان، ساسانیان قدرت را در ایران در دست گرفتند و به نوعی رقابت خاندانی و

جنگ‌های داخلی بین دو خاندان با اصالت ایرانی پدید آمد. این جنگ‌ها هیچ‌گاه با هدف قتل عام و نسل‌کشی در نگرفت؛ زیرا تمدن ایرانی بشردوستانه است و همواره مخالف قتل عام و نسل‌کشی بوده است. اینک به نقش ارمنی‌ها در تاریخ ایران از دیدگاه نظامی می‌پردازم. بحث فرهنگی است؛ اما این نکته نمایانگر پندار ارمنی‌ها نسبت به ایران است و اینکه تا چه حد ایران را به عنوان کشوری غریب‌گانه قبول دارند. به نقش ارمنی‌ها به عنوان سربازان ارتش‌های هخامنشی، صفویه و حتی در دوران جنگ تحمیلی که برای ایران جنگیدند، کمتر توجه شده است. در مقابل، دیدگاه ایرانیان نسبت به ارمنی‌ها نه تنها به عنوان هم‌وطن، بلکه به عنوان یکی از شاخه‌های تمدن مشترک ایرانی‌ارمنی همواره وجود داشته است.

دکتر علی بمان اقبالی زارچ

نوع روابط فرهنگی در میان دو ملت ایران و ارمنستان

بحث امروز در حالی که به عنوان موضوعی فرهنگی مطرح است، ارتباط نزدیکی با یکی از چالش‌های مهم منطقه دارد که می‌تواند روابط ژئوپلیتیک و حتی ژئواکونومیک منطقه را نیز تغییر دهد. بنابراین طبیعی است که این موضوع در هر دو سوی رود ارس مورد توجه دولت‌ها باشد. نمادهای فرهنگی و تمدنی ایرانی نه تنها در ارمنستان، بلکه تا مرکز بالکان دیده می‌شود. برای نمونه، حدود ۱۰۰ سال پیش زبان دوم در شهر البسان در آلبانی فارسی بود.

پذیرش و هم‌زیستی دین غیراسلامی در ایران بسیار قابل توجه است و در سرشت ملت ایران وجود دارد. برای نمونه، در یزد مکانی وجود دارد که سه در ورودی دارد: یکی برای مسلمانان، یکی برای زرتشتی‌ها و یکی برای یهودی‌ها. تا پیش از ترکمانچای، تاریخ این منطقه تاریخ تمدن ایرانی بوده است. اینکه جامعه ارمنی توانسته است در تاریخ ایران، در مفاخر فرهنگی و ایران نقش داشته باشد به مهارت خود ارمنی‌ها برمی‌گردد.

از قابلیت‌های جامعه ارمنی، داشتن ذات هم‌زیستی و فن مذاکره با جامعه‌ای است که در آنجا اقلیت محسوب می‌شوند. امروزه نیز در بسیاری از بخش‌های فنی شاهد حضور فعال فن‌سالارهای ارمنی هستیم؛ زیرا باور داریم آن‌ها در فضای فن‌سالاری، دقیق و منسجم هستند. در مورد حضور سربازان ارمنی در جنگ تحمیلی در ایران، ۸۹ شهید ارمنی ثبت شده است که مورد توجه مقام رهبری قرار گرفته است. ایشان با خانواده‌های شهدای ارمنی چندین دیدار کرده‌اند. ایران در بالندگی کشورهای همسایه و ملت‌های همسایه نقشیه مولد را داشته است. روابط ایران و ارمنستان ۳ تا ۴ هزار سال قدمت تاریخی دارد. جامعه ارمنی در ایران شخصیت‌های فرهنگی مهم و شناخته شده‌ای دارند، به ویژه در حوزه موسیقی.

دکتر ابراهیم متقی

حضور در دانشگاه شرق شناسی ایروان برای من و همکارانم تجربه بسیار منحصر به فردی بود؛ زیرا شاهد انگیزه آموختن متقابل در فضایی دانشگاهی و انتقال رویکردها بودیم. حوزه دانشگاه و پژوهش اگر مبتنی بر این قالب یادگیری و انتقال آموزه‌ها نباشد، هیچ‌گاه روابط بین فرهنگی، بین تمدنی و بین الملل ادامه پیدا نمی‌کند. بخش زیادی از این نوع روابط به خود ما بستگی دارد، به اینکه هستیم و چه احساسی نسبت به خود و فضای پیرامون خود داریم. شایان توجه است که ژئوپلیتیک ایران، ژئوپلیتیک تهدید است. پرسش اینجاست که چگونه می‌شود انگاره مبتنی بر تهدید دائمی را مدیریت کرد؟ یکی از قالب‌هایی که می‌توان به کمک آن بر این تهدیدها مسلط شد، قالب فرهنگ، تمدن و تاریخ است. در فضای موجود، توجه به فرهنگ به منزله توجه به امنیت است؛ زیرا حوزه‌های تشابه به راحتی می‌توانند همدیگر را پیدا کنند.

امنیت در فرایندی تاریخی شکل می‌گیرد و یک باره ظاهر نمی‌شود. به این معنا که وقتی موازنه قدرت تغییر پیدا کند مواضع نیز تغییر پیدا می‌کند. مشکل ما این است که فکر می‌کنیم مواضع همیشه ثابت هستند. فقط کافی نیست بگوییم با کشور ارمنستان قالب فرهنگی ویژه‌ای داریم. برای این همبستگی‌هایی که وجود دارد چه اقدام‌هایی انجام داده‌ایم؟ به پیامدهای جنگ قره‌باغ توجه کنیم. امروز ما و ارمنستان در وضعیت ضعف قرار داریم؛ به این دلیل که در ده سال گذشته قدرت جمهوری آذربایجان چندین برابر قدرت ارمنستان افزایش پیدا کرده است. این از اصول اولیه روابط بین الملل است که وقتی قدرت افزایش پیدا کند، مواضع نیز به دنبال آن تغییر پیدا می‌کند. بنابراین لازمه حفظ قالب‌های تمدنی، درکی از معادله قدرت در منطقه است.

بحثی که مقام رهبری عنوان می‌کنند این است که جهاد شناخت مقدم است بر جهاد تبیین. ایشان در سال ۱۳۸۸ بحث بصیرت را مطرح کردند و یادآور شدند که بصیرت برای همه لازم است. برای افرادی که در سطح‌های حکمرانی هستند واجب است. کسی که می‌خواهد زمامدار باشد، باید مانند شطرنج باز عمل کند، یعنی هم‌زمان که می‌خواهد مهره‌ای را حرکت بدهد، چهار حرکت احتمالی حریف را نیز بسنجد.

«دانشنامه راه ابریشم»

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران، نشست رونمایی از کتاب «دانشنامه راه ابریشم» را چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ با همکاری هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) برگزار کرد. در این نشست، دکتر بهاره سازمند، دانشیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و برگردانندگان کتاب دکتر الهه کولایی، استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، دکتر شیوا علی‌زاده، استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر محمدکاظم شجاعی، مدرس دانشگاه مازندران حضور داشتند.

دکتر الهه کولایی

همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جز گرجستان که در کنار دریای سیاه است، محصور در خشکی هستند. در سه دهه گذشته، موقعیت جغرافیایی ایران و دسترسی‌هایی که این کشور ایجاد می‌کند برای کشورهای هر دو منطقه اهمیت داشته است. متأسفانه ما از این برتری‌های ژئواکونومیک به خوبی استفاده نکرده‌ایم. ما با دکتر تیشه‌یار تصمیم گرفتیم این دانشنامه را ترجمه کنیم. این کتاب به مسیر جاده ابریشم تاریخی در چشم‌اندازی گسترده توجه می‌کند. با توجه به اینکه نویسنده کره‌ای است، در این کتاب با رویکردی کره‌ای به جاده ابریشم آشنا می‌شویم. طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی برای جاده ابریشم جدید اجرا می‌شود. چین بسیار پیگیر و جدی این مسئله را دنبال می‌کند. با اینکه در این مسیر، ایران جایگاه ویژه تاریخی داشته است، نسبت به این طرح توجه کافی نشده است. در ترجمه این کتاب، دکتر علی‌زاده و دکتر شجاعی همکاری ارزشمندی داشتند. آقای محمود جوادی دیگر همکار ما بودند که در میان کار مهاجرت کردند، ولی قدردان زحمات‌های ایشان هستیم. این ترجمه در دو بخش است که ترجمه نیمه دوم آن را دکتر تیشه‌یار برعهده گرفته‌اند.

دکتر بهاره سازمند

راه ابریشم مجموعه‌ی راه‌های به هم پیوسته‌ای بود که تا قرن پانزدهم میلادی شرق، غرب، جنوب آسیا، شمال آفریقا و شرق اروپا را به هم پیوند می‌داد. مسیری که به مدت ۱۷۰۰ سال بزرگ‌ترین شبکه‌ی بازرگانی جهان به شمار می‌آمد. مارکوپولو از بازرگانان مشهوری بود که در این مسیر بازرگانی می‌کرد. شاید این راه را بتوان مهم‌ترین مسیر تا قرن پانزدهم تصور کرد. جاده‌ای که علاوه بر انتقال کالا، انتقال باور و فرهنگ کشورهای مختلف را نیز به همراه داشت.

کره‌ای‌ها نگاهی فرهنگی تمدنی به راه ابریشم داشته‌اند. برای این موضوع دو مدعا وجود دارد: نخست، نگارش همین کتاب و دوم برپایی شبکه‌ی دانشگاه‌های راه ابریشم. ایده‌ی برپایی شبکه‌ی دانشگاه‌های راه ابریشم هم از سوی کره جنوبی مطرح شد.

مطالعه‌ی جاده‌ی ابریشم به عنوان یک رشته، بیش از ۱۳۰ سال پیش پدید آمد؛ اما هنوز در کره رشته‌ی به نسبت جدیدی است. در این شرایط، انتشار نسخه‌ی انگلیسی دانشنامه‌ی جاده‌ی ابریشم از سه جنبه نقطه‌ی عطف مهمی است: نخست، تاکنون بیشتر مطالعات جاده‌ی ابریشم را پژوهشگران و کاوشگران غرب و از دیدگاه غربی انجام داده‌اند. کار نویسندگان کتاب جوناگ سوایل، تلاشی برای اصلاح این روند با ارائه‌ی دیدگاهی جدید از درون شرق است. دوم، با ارائه اصطلاح‌های استاندارد در مورد ویژگی‌های جغرافیایی، نام‌های شخصی، عنوان‌های کتاب‌ها، مواد معدنی، گیاهان و حیوان‌های متعلق به مناطق مسیر جاده‌ی ابریشم، مسیر را برای مطالعات و ترجمه‌های آینده هموار می‌کند. این کار گام کوچکی نیست؛ هرچند در کتاب، هنوز سردرگمی در مورد انتخاب اصطلاح‌های مناسب وجود دارد که باید برطرف شود. سوم، این کتاب کمک می‌کند تا دامنه‌ی درک تاریخ و میراث فرهنگی کره را در تصویری بزرگ‌تر از مبادله‌های میان تمدنی گسترش دهیم. نویسندگان کتاب که اکنون ۸۹ سال دارد، یکی از اندک دانشمندان آن کشور است که در زمینه‌ی راه ابریشم و مطالعات عربی تخصص دارد. کتاب او «دانشنامه‌ی راه ابریشم» حاصل ۱۵ سال پژوهش و ۴۰ بازدید از راه ابریشم از سال ۲۰۰۵ است. این دانشنامه با نگاه کره‌ای نوشته شده است. امیدواریم دانشنامه‌ی در مورد راه ابریشم از نگاه ایرانی نوشته شود.

سپس دکتر شجاعی اشاره کردند با اینکه امروزه دسترسی به اطلاعات آسان و سریع شده است، اطلاعات درست را از این منابع و دانشنامه‌ها می‌توانیم به دست بیاوریم. اثری مانند این دانشنامه می‌تواند نگاه بسیار دقیقی به مسائل را به خوانندگان بدهد. از همکاران گرامی و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی که برای چاپ این کتاب همکاری کردند، قدردانی می‌کنم.

روسیه در برابر دیگران؛ بحران نظم جهانی پس از جنگ سرد

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران نشست رونمایی از کتاب «روسیه در برابر دیگران؛ بحران نظم جهانی پس از جنگ سرد» را دوشنبه ۸ آبان ۱۴۰۲ با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز، هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی)، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار کرد. نویسندۀ این کتاب ریچارد ساکوا است. دکتر شیوا علی‌زاده، استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و دکتر حمیدرضا عزیزی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر مدعو بنیاد علم و سیاست برلین این کتاب را ترجمه کرده‌اند. سخنران‌های این نشست دکتر الهه کولایی، رئیس مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی و دکتر خدایار براری، استادیار گروه مطالعات روسیه دانشگاه تهران بودند. برگرداننده کتاب، دکتر شیوا علی‌زاده نیز در نشست حضور داشت.

دکتر الهه کولایی

به حکم وظیفه‌ای که در مرکز مطالعات اوراسیا برای خودمان تعریف کرده‌ایم که به افزایش آگاهی و نشر علم در حوزه اوراسیای مرکزی کمک کنیم، یکی از کارهایی که در این چندسال انجام داده‌ایم، ترجمه و انتشار کتاب برای شناخت کشورهای این حوزه است تا از مطالعات و پژوهش‌های نویسندگان دیگر، برای شناخت کشورهای حوزه آسیای مرکزی استفاده کنیم. یکی از مهم‌ترین کشورهای این حوزه، فدراسیون روسیه است. دکتر علی‌زاده و دکتر عزیزی که هر دو در مطالعات این حوزه، افرادی شناخته‌شده هستند، کتاب دکتر ساکوا را ترجمه کرده‌اند. متأسفانه فرصت نداشتیم که نویسنده کتاب را به این نشست دعوت کنیم. البته دکتر علی‌زاده و دکتر عزیزی با ایشان در ارتباط بوده‌اند و نویسنده در جریان ترجمه کتاب هست. این کتاب از نظر تحول در نگاه روسیه به جهان و دگرگونی که در نگاه روسیه به غرب اتفاق افتاده، مهم است. بسیاری تصور می‌کردند فروپاشی اتحاد شوروی با یکی شدن روسیه با غرب

برابر است؛ اما به تدریج مشخص شد این تصور با واقعیت‌های روسیه نمی‌خواند. آن‌طور که غرب‌گراها انتظار داشتند روسیه به اقتصاد جهانی، بازار جهانی، ارزش‌ها و فرهنگ غربی جذب شود، در همان سال‌های ابتدایی پس از فروپاشی مشخص شد، امکان تحقق چنین چیزی نیست. نویسنده کتاب، پژوهشگر و کارشناس شناخته‌شده‌ای در حوزه مطالعات روسیه است. کتاب‌های سیاست و حکومت ایشان معروف و شناخته شده است. برگردان آن را نیز دو تن از دانش‌آموختگان دکتری مطالعات منطقه‌ای، همکاران فعلی ما در حوزه مطالعات اوراسیای مرکزی هستند که تسلط خود را بر متن و مباحثی که ریچارد ساکوا به آن‌ها پرداخته است، نشان داده‌اند.

دکتر خدایار براری

با انتشار این کتاب، منبع جدیدی به منابع فارسی موجود در این حوزه افزوده شد. به باور من، این کتاب مصداق بارز و نمونه‌ای است که خود کتاب و نویسنده آن هر دو مهم هستند. بسیار مهم است که ببینیم سخن را چه کسی و در چه بستری گفته است. سخنانم را کوتاه در سه بخش بیان می‌کنم: بخش اول در مورد نویسنده و پیشینه‌اش، بخش دوم در مورد اهمیت موضوعی و محتوای کتاب و بخش سوم در مورد چگونگی ترجمه فارسی کتاب.

اگر با پیشینه و تخصص نویسنده آشنا نباشیم، شاید در نگاه اول و پیش از مطالعه کتاب تصور ما این باشد که نویسنده غربی است. مانند بسیاری از کتاب‌های دیگر غربی که در مورد سیاست روسیه منتشر می‌شود، نگاه و ذهنیت روس‌ستیزانه دارد. اما با مطالعه کتاب می‌بینیم که ریچارد ساکوا تلاش کرده است تا حد امکان به عنوان نویسنده و ناظری بی‌طرف، روند روابط روسیه و غرب را تحلیل کند. ساکوا شخصیت جنگ‌ستیزی دارد و در کارزارهای گروه بریتانیایی «جنگ را متوقف کنید» شرکت و سخنرانی می‌کند. او با دخالت نظامی بریتانیا در کشورهای دیگر مخالف است. او استاد دانشگاهی است که هم در غرب تدریس می‌کند و هم استاد مهمان در دانشگاه دولتی مسکو و عضو باشگاه والدای است. به همین دلیل، به منابع دست اول دسترسی دارد. این اثر و کتاب‌های دیگر او از جمله سیاست و جامعه روسیه که ۲۰ فصل دارد نتیجه حدود ۴ دهه، فعالیت و پژوهش مستمر است. ساکوا از اواخر دهه ۱۹۸۰ در این حوزه روند پژوهی می‌کند و کارشناس مسائل روسیه است.

در مقدمه ترجمه روسی، کتاب از کارشناسان مختلف چینی، روسی و غربی نام برده است. این کتاب فقط نتیجه تحلیل کتابخانه‌ای نیست، بلکه با صاحب‌نظران مختلف غرب و روسیه مصاحبه و دیدگاه‌ها را بررسی کرده است. نویسنده با جمع‌بندی همه این مطالب، این کتاب را نوشته است. دیدگاه‌های مختلفی هم در این کتاب نقد شده است؛ از این نظر برای افرادی که

در حوزه نظری کار می‌کنند می‌تواند مفید باشد.

افرادی که با تاریخ روسیه آشنا هستند، می‌دانند با وجود اینکه روسیه از طرف شرق، یعنی مغول‌ها مورد هجوم قرار گرفت و حدود دو قرن زیر تسلط مغول‌ها بود، در ذهنیت نخبگان سیاسی روسیه، غرب به عنوان موجودیت سیاسی و ژئوپلیتیک، همیشه تهدید در نظر گرفته می‌شده است. نخبگان روسیه، همیشه نگران بوده‌اند که غرب کاتولیک یا پروتستان، می‌خواهد هویت ملی روسیه را تغییر دهد. در صورتی که مغول‌ها این کار را نکردند و فقط تلاش کردند خراج بگیرند و کلیسای ارتدوکس به کار خود ادامه داد. نگرانی روس‌ها این است که غرب به دنبال تغییر رژیم و تغییر هویت روسی است. این کتاب که به خوبی به این موضوع پرداخته است، می‌تواند برای درک بهتر و بیشتر علت‌ها و ریشه‌های سیاست خارجی روسیه مفید باشد.

همان‌طور که نویسنده در مقدمه توضیح داده است، بحث‌های کتاب براساس ۴ فرایند ارائه شده است: نخست، ناکامی در دستیابی به نظم صلح‌آمیز بعد از سال ۱۹۸۹. نویسنده با اشاره به تاریخ پیش از گورباچف، به روندی می‌پردازد که یک دهه پیش از پوتین شروع می‌شود و موجب رویارویی دو روایت متعارض روسیه و غرب می‌شود. فرایند دوم، بحث واگرایی و تضاد در رویه‌ها است که نویسنده از آن به عنوان عصر جدید تقابل یاد می‌کند. از نظر نویسنده، روسیه در این دوران به دنبال تعامل بوده است؛ اما از نظر غرب روسیه باید تغییر می‌کرد. غرب خود را پیروز این رویارویی دیده است و خواستش تغییر روسیه بوده است. به ویژه در دوران بوش، آمریکا به دنبال گسترش قلمروی جامعه آتلانتیکی بود و استاندارد دوگانه و تضاد ارزش‌ها، موجب تجدیدنظرطلبی یا آن‌طور که ساکوا نوشته است موجب نو تجدیدنظرطلبی شد.

فرایند بعدی، سرشت نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد است. رویارویی با هژمونی آمریکا که روسیه به عنوان ضرورت استقرار نظام چندقطبی مطرح می‌کند. به ویژه بعد از سال ۲۰۱۲ که پوتین دوباره انتخاب می‌شود، گسترش روابط با چین را زمینه‌ساز گروه‌بندی جدیدی علیه آمریکا و غرب می‌داند. از نظر ساکوا، بحران سال ۲۰۱۴ کریمه و اوکراین نشانه فروپاشی صلح سرد است. فرایند چهارم در مورد تحول‌های سیاست‌های داخلی روسیه و گفتمان‌ها و جریان‌های فکری است که بر سیاست خارجی روسیه مؤثر است. از نظر ساکوا، بحران کنونی در ساختار نظام بین‌الملل ریشه دارد. ساختاری که در سال ۱۹۹۰ شکل گرفته است.

زمینه‌های بحران روابط روسیه و غرب را باید در اواخر قرن گذشته بررسی کرد. به نظر می‌رسد، نویسنده کتاب در چارچوب نواقعی‌گرایی والتز، مسائل را بررسی می‌کند. برخلاف نگاه رایج در غرب که همیشه روسیه متهم و متجاوز است، ساکوا در این کتاب با بررسی یک روند، به دنبال ریشه‌یابی رفتارهای روسیه است. او به این نتیجه می‌رسد که سیاست‌های روسیه چه در بحران گرجستان و چه در مسئله اوکراین، واکنشی به اقدام‌های غرب است. او در قضیه جنگ

گرجستان هم صفت دفاعی را به کار برده و گفته بود، این واکنش دفاعی از طرف روسیه به اقدام‌های ناتو است.

در مورد ترجمه نیز، متن کتاب بسیار روان است. مترجمان کتاب دو نفر از کارشناسان این حوزه هستند و به مفاهیم، اصطلاح‌ها و تاریخ این حوزه آشنایی دارند و این ویژگی در روان بودن ترجمه تأثیر داشته است. متن ترجمه، ویرایش خوبی نیز شده است. زحمت زیادی کشیده شده تا این اثر منتشر شود، مطالعه این کتاب ارزشمند را به همه کارشناسان این حوزه پیشنهاد می‌کنم.

دکتر شیوا علی‌زاده

اگر می‌خواهید عینک خوبی برای تحلیل مسائل امروز روسیه داشته باشید، حتماً این کتاب را بخوانید. نویسنده سوگیری ندارد و بی‌طرفی علمی را رعایت کرده است. ایشان از دانشگاه کنت بازنشسته شده‌اند، اما سال‌های بازنشستگی پرکاری داشته‌اند. این نشان می‌دهد که تجربه و دانش انباشته، باعث کیفی شدن کارهای ساکوا شده است.

نقش و جایگاه سازمان همکاری شانگهای در توسعه تعامل های منطقه ای و بین المللی

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران نشست علمی کارشناسی «نقش و جایگاه سازمان همکاری شانگهای در توسعه تعامل های منطقه ای و بین المللی» را چهارشنبه ۱ آذر ۱۴۰۲ با همکاری هسته پژوهشی مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) برگزار کرد. سخنران این نشست دکتر اکبر ولی زاده، استادیار گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران بود. نویسندگان این کتاب دکتر سید داود آقایی، استاد گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران و دکتر محمدجواد قهرمانی، دانش آموخته دکتری روابط بین الملل و پژوهشگر مسائل شرق آسیا نیز در نشست حضور داشتند. مدیر این نشست دکتر الهه کولایی بود.

دکتر الهه کولایی

در دهه های اخیر، همکاری های منطقه ای از موضوع های بنیادین سیاست بین الملل بوده و سازمان های منطقه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار شده اند. در آسیای مرکزی هم سازمان های زیادی شکل گرفته است. سازمان همکاری شانگهای یکی از آنها است. کتابی که با همت دکتر آقایی و دکتر محمدجواد قهرمانی نوشته شده است، این سازمان مهم را مورد توجه قرار داده است.

دکتر اکبر ولی زاده

این کتاب موضوع نقش و اهمیت سازمان همکاری شانگهای را در تعامل های بین المللی و منطقه ای بررسی کرده است. از نظر شکلی، این کتاب تقریباً به تمام موضوع های مربوط به

سازمان همکاری شانگهای پرداخته است. یکی از برتری‌های این کتاب، ساختار و مقدمه آن است. هر کتابی باید ورود خوبی به موضوع داشته باشد. این مقدمه آن قدر جامع، دقیق و کامل نوشته شده است که هرکس آن را مطالعه کند تشویق می‌شود کتاب را تا پایان بخواند. نویسندگان در این کتاب، هدف‌ها و ریشه‌های شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای را در یک بخش بررسی کرده‌اند. بحث مربوط به رویکردهای اعضای دائم و ناظر را جدا کرده‌اند و بخشی را هم به نگاه اعضا به آمریکا اختصاص داده‌اند. تعامل و جایگاه سازمان‌هایی که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کار می‌کنند با آمریکا موضوع حساسی است. یکی از خوبی‌های دیگر این کتاب، استفاده از جدول‌ها و نمودارهای اقتصادی است. یکی دیگر از نکته‌های مثبت این کتاب، کوتاه و مختصر بودن آن است. این کتاب، مطالب اضافی و حاشیه‌ای که مخاطب را دچار بی‌حوصلگی کند ندارد. نظم و انسجام منطقی کتاب هم قابل توجه است. متن کتاب بسیار روان و گویاست.

دکتر سید داود آقایی

امروزه سازمان‌های بین‌المللی جزء جدایی‌ناپذیر نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند. سازمان همکاری شانگهای بی‌تردید یکی از سازمان‌های مهم و قابل توجه است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شد. در سال ۲۰۰۸ برای تغییر جایگاه خود درخواست دادیم که سرانجام در سال ۲۰۲۱ با پیگیری، با فرایند عضویت دائم ما موافقت شد و در سال ۲۰۲۲ به طور کامل به عنوان عضو دائمی پذیرفته شدیم. سازمان همکاری شانگهای در فضای به وجود آمده بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و نظام دوقطبی شکل گرفت. تنش طولانی مدت و اختلاف مرزی بین دو کشور همسایه چین و شوروی از گذشته وجود داشت. در سایه فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، این اختلاف‌های مرزی دوجانبه به اختلاف‌های مرزی چندجانبه تبدیل شد. مسئله چگونگی مبارزه با افراط‌گرایی، تروریسم و مواد مخدر از موضوع‌هایی بود که در دستور کار گروه شانگهای ۵ قرار گرفت. در سال ۲۰۰۱ با پیشنهاد جیانگ زمین، رئیس‌جمهور وقت چین، تصمیم گرفته شد این نهاد موقتی و کوتاه مدت به سازوکاری دائمی و نظم پایدار در قالب سازمان همکاری شانگهای تبدیل شود. در این کتاب تلاش کردیم سازمانی را معرفی کنیم که ظرفیت‌های خوبی دارد. کشور ما هم با وجود همه کارشکنی‌ها، سرانجام عضو دائم این سازمان شد.

اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از جنگ سال ۲۰۲۰ و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران، نشست علمی کارشناسی «اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از جنگ سال ۲۰۲۰ و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران» را سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲ با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای و هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار کرد. سخنران‌های این نشست دکتر احمد رشیدی، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اراک و پژوهشگر اوراسیای مرکزی و دکتر احمد کاظمی، دکترای حقوق بین‌الملل و پژوهشگر اوراسیای مرکزی بودند. مدیر نشست دکتر الهه کولایی بود.

دکتر الهه کولایی

شرایط ژئوپلیتیک منطقه و روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان

این نشست را به موضوع جنگ دوم قره‌باغ که در سال ۲۰۲۰ روی داد و آثار و پیامدهای آن و قرارداد صلح نوامبر ۲۰۲۰ که برای ایران بسیار مهم است، اختصاص داده‌ایم. این منطقه در طول تاریخ همیشه عرصه رقابت قدرت‌ها بوده است. فروپاشی اتحاد شوروی و البته همسایگی این منطقه با جمهوری اسلامی ایران، فضای جدیدی در این منطقه ایجاد کرد و تحول‌های جدیدی در منطقه شکل گرفت. در جریان فروپاشی اتحاد شوروی، در آن سوی ارس، اشتیاق زیادی برای پیوستن به ایران وجود داشت. از دوره گورباچف تا امروز، تحول‌های بسیاری در این منطقه شکل گرفته است؛ از جمله برجسته شدن نقش برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، مانند اسرائیل که در جنگ سال ۲۰۲۰ حضور و تحرک‌هایش بسیار اثرگذار بود.

برای جمهوری اسلامی ایران، نوع روابط با این کشورها، چه ارمنستان و چه جمهوری آذربایجان همواره بسیار پراهمیت بوده است. ایران کوشیده است در روابطش با هر دو کشور توازن ایجاد کند. نقش ایران، صلح‌آفرین و ثبات‌بخش بوده است؛ اما سیاستی که آمریکایی‌ها به محض فروپاشی اتحاد شوروی در این منطقه اجرا کردند، سیاست جلوگیری از نفوذ ایران و کوتاه‌کردن دست ایران است. در این زمینه طرح پل گوبل پیشنهاد می‌کند معاضه سرزمینی صورت گیرد تا در نتیجه آن، دست ایران از این منطقه کوتاه شود. مانند همه حوزه‌های دیگری که در روابط خارجی خود در این سال‌ها تجربه کرده‌ایم، در این منطقه هم کمک‌های سازنده کرده‌ایم و برای دسترسی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان فرصت فراهم کردیم؛ ولی از فرصتی که در منطقه داشتیم، برای منافع خود استفاده نکردیم، چه در مورد جمهوری ارمنستان و چه در مورد جمهوری آذربایجان، رویکرد ما همواره سازنده و ثبات‌بخش بود. رویکرد ما در تنظیم سیاست خارجی، بیشتر بازی برد-برد بوده است؛ ولی این نوع بازی قواعد خود را دارد و مقدمات خود را می‌خواهد و ما این توان را داریم. در این منطقه بازی برد-برد مطرح کردیم؛ اما با حضور اسرائیل در این منطقه، بازی برد-برد معنا پیدا نمی‌کند.

دکتر احمد رشیدی

برنامه ساخت راه‌گذر میانی و تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی به زیان ایران

بعد از توافق نامه سال ۲۰۲۰ اختلاف‌هایی در اجرای آن بروز کرد. هرکدام از کشورهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان و حتی روسیه، از این توافق نامه برداشت‌ها و تفسیرهای خودشان را داشتند. محور اختلافی که در این توافق نامه پدیدار شد، موضوع راه‌گذرها بود. در بند ۶ آن اشاره شده است، گذرگاهی موسوم به لاجین از مناطقی در حاکمیت جمهوری آذربایجان عبور می‌کند و ارمنستان را به مناطق ارمنی‌نشین قره‌باغ یا آرتساخ وصل می‌کند. در این توافق نامه آمده است این راه‌گذر در آینده این‌گونه تنظیم و اداره شود: عرض آن در حدود ۵ کیلومتر باشد، نیروهای روس با عنوان حافظ صلح در آنجا حضور داشته باشند و جمهوری آذربایجان هم، امنیت این راه‌گذر را تأمین کند. این برداشت وجود دارد که آذری‌ها به نوعی مایل هستند که حق نظارت را هم به ارمنستان واگذار کنند.

از سوی دیگر، ماده ۹ این توافق نامه در مورد گشایش ارتباط‌هایی است که پیش‌تر وجود داشته است و منطقه غربی جمهوری آذربایجان، یعنی نخجوان را به خاک اصلی جمهوری آذربایجان وصل می‌کرد. گاه در رسانه‌ها با عنوان گذرگاه زنگه‌زور از آن یاد می‌شود. همچنین براساس این توافق نامه مقرر شده است که در کنار گشایش راه‌های پیشین، گذرگاه جدیدی هم گشوده شود. در ماده ۹ آمده است: «همه گرفتگی‌های ارتباطات اقتصادی و حمل‌ونقل در

منطقه رفع شود. جمهوری ارمنستان امنیت ترانزیت در میان مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را برای ساماندهی رفت‌وآمد بدون مانع افراد و وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین کند و نیروهای روس بر ارتباطات ترانزیتی نظارت داشته باشند. ... راه ارتباطی جدیدی برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان با مناطق غربی جمهوری آذربایجان ساخته شود.» در واقع موضوع و اختلاف این است.

با توجه به بحران اوکراین، به نظر می‌رسد روسیه در منطقه قفقاز جنوبی، دیگر آن حضور گذشته خود را ندارد. ممکن است متأثر از این واقعیت، تحولاتی شکل بگیرد که نتیجه آن شکل‌گیری منطقه ژئوپلیتیکی جدید باشد، آنچنان که باری بوزان در کتاب قدرت‌ها و مناطق گفته است. اگر منطقه اوراسیای مرکزی یا آسیای مرکزی و قفقاز را به عنوان منطقه‌ای مستقل بر اساس اندیشه‌های بوزان به رسمیت بشناسیم، امروزه با توجه به دل‌مشغولی‌های روسیه در اوکراین و کم‌رنگ شدن حضور گذشته آن در منطقه، احساس می‌شود که منطقه ژئوپلیتیک جدیدی با عنوان منطقه قفقاز جنوبی در حال شکل‌گیری است. منطقه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که روابط جدید قدرت در آن شکل می‌گیرد. در اینجا می‌توانیم دو محور را در مورد روابط خاص قدرت، شناسایی کنیم: یکی محور جمهوری آذربایجان و ترکیه، دیگری محور ایران و ارمنستان. در حال حاضر روسیه را هم می‌توانیم در محور دوم قرار دهیم.

بر پایه این مقدمه، به نظر می‌رسد منافع ایران در این منطقه حفظ توازن قدرت است. توازن قدرتی که می‌شود گفت نتیجه رقابت ایران و ترکیه است. اگر ایران بتواند موازنه قدرت را در این منطقه حفظ کند یا آن را به سود خود تغییر دهد، برنده بازی رقابت در این منطقه خواهد بود. اما اگر ترکیه وزنه خود را سنگین‌تر کند و سودش را افزایش دهد، ایران از معادله‌های قدرت و منافع بالقوه و بالفعل منطقه حذف می‌شود. در اینجا بحث راه‌گذر زنگه‌زور می‌تواند تعیین‌کننده باشد. با اجرای این راه‌گذر با هر عنوانی، این احتمال وجود دارد که معادله‌ها به سود ترکیه تغییر کند و ایران منافع خود در این منطقه را از دست بدهد.

برنامه‌ای که ترکیه و جمهوری آذربایجان از ساخت راه‌گذر زنگه‌زور دنبال می‌کنند، فقط به مرز ۴۰ کیلومتری ایران و ارمنستان محدود نیست؛ بلکه این راه‌گذر بخشی از راه‌گذر بزرگ‌تری است که آن را راه‌گذر میانی یاد می‌کنند که تا شهر قارص ترکیه می‌رود و از آنجا می‌تواند به اروپا و حتی اسرائیل ادامه پیدا کند. از این سو تا باکو و سپس از زیر دریای خزر هم عبور می‌کند و به آسیای مرکزی می‌رسد و از آسیای مرکزی هم به سمت چین ادامه پیدا می‌کند.

برنامه‌ای که جمهوری آذربایجان دنبال می‌کند در چارچوب برنامه طرح جاده ابریشم نوینی است که چینی‌ها با عنوان «یک کمربند و یک راه» از آن یاد می‌کنند. یعنی جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند این برتری‌ها را با ساخت این راه‌گذر به خود اختصاص دهد. اگر طرح راه‌گذر

زنگه‌زور محقق شود و براساس برنامه‌هایی که جمهوری آذربایجان و ترکیه دارند پیش برود، این تهدیدها متوجه ایران می‌شود:

نخستین تهدید، تغییر ژئوپلیتیک مرزها یا بسته شدن مرز زمینی ایران و ارمنستان است. گفته می‌شود این گذرگاه که از مرز ایران و ارمنستان در حدود ۴۰ کیلومتر از استان سیونیک ارمنستان عبور می‌کند و تاحدودی مرز ایران و ارمنستان را قطع می‌کند. دو قطعه خاک جمهوری آذربایجان را به هم وصل می‌کند. سپس از ترکیه عبور می‌کند تا به اروپا برسد. در ایران از آن با عنوان تغییر ژئوپلیتیک مرزها، قطع شدن مرز زمینی ایران و ارمنستان یاد می‌شود. چه در میان نخبگان سیاسی و چه در میان کارشناسان و کسانی که چهره‌های رسانه‌ای به شمار می‌آیند، بیشترین تهدید ادراک شده به این مربوط است که این گذرگاه می‌تواند مرز زمینی ایران و ارمنستان را قطع کند. از گذشته‌های به نسبت دور، یعنی از سال ۱۹۹۲ در قالب طرح گوبل، این هدف دنبال می‌شد. این تهدید باید جدی گرفته شود.

تهدید دوم، نزدیکی بیشتر ارمنستان با غرب است، یعنی ساخت این راه‌گذر و انجام موفقیت‌آمیز کارویژه‌های آن برای جمهوری آذربایجان و ترکیه، مستلزم این است که ارمنستان وارد گروه آن‌ها شود و به نوعی روابط جمهوری ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان عادی شود. در پی آن، روابط ارمنستان با غرب نیز گسترش پیدا کند. اینک حزبی غرب‌گرا در ارمنستان بر سر کار است. پاشینیان تحریک‌هایی هم داشته است که روابط خود را با غرب تقویت کند یا به بیانی، توازنی در گرایش ارمنستان به روسیه و غرب ایجاد کند. ارمنستان به نوعی احساس می‌کند در توافق نامه آتش بس سال ۲۰۲۰ نتوانسته حق خود را بگیرد. عامل این‌ها می‌تواند روس‌ها بوده باشند که در جریان گفت‌وگوهای مربوط به این توافق، جانب آذربایجانی‌ها را گرفتند و ارمنی‌ها را مجبور کردند شهرهایی از قره‌باغ را به جمهوری آذربایجان واگذار کنند. از این دیدگاه، این دلخوری‌ها می‌تواند پایه و زمینه‌ای باشد که ارمنستان به سمت غرب حرکت کند و روابط خود با غرب را گسترش دهد. در این گروه‌بندی‌ها در ادامه گرایش به غرب، روابط خود را با جمهوری آذربایجان و ترکیه عادی کند. اگر این اتفاق بیفتد، زمینه ساخت راه‌گذر زنگه‌زور را فراهم می‌کند که می‌تواند بخشی از راه‌گذر بزرگ‌تر با عنوان راه‌گذر میانی باشد.

بعضی در ایران می‌گویند چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ مگر می‌شود با توجه به روابط بسیار تیره‌ای که ترک‌ها و ارمنی‌ها دارند و قتل‌عام‌هایی که اتفاق افتاده است، اجازه دهند روابطشان عادی سازی شود؟ در پاسخ به این گروه باید گفت، تاریخ انتهای بسته‌ای ندارد. تجربه تاریخی نشان داده است که دشمنی‌ها و دوستی‌ها همواره موقت بوده‌اند، همچنان که در گذشته گفته می‌شد، مگر می‌شود روابط بین آمریکا و ویتنام یا روابط بین آمریکا و ژاپن با توجه به جنگ‌های مصیبت‌بار در میان دو طرف عادی شود؟ امروز می‌بینید که روابط آن‌ها عادی شده است؛ پس

این احتمال وجود دارد که روابط ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان هم عادی شود. همچنین این احتمال وجود دارد که براساس عادی‌سازی روابط، این راه‌گذر هم به مرحله عمل برسد و اجرایی شود. حتی خود همین برنامه هم می‌تواند ارمنستان را به سمت عادی‌سازی روابط پیش برد تا از منافع اقتصادی بهره‌برداری از این راه‌گذر، بهره‌مند شود. تحقق این احتمال می‌تواند به منافع ایران در قفقاز جنوبی ضربه بزند.

شاید بتوان گفت، در میان همسایگان ایران، ارمنستان با ایران روابط بسیار خوبی دارد. اما از زاویه دیگر می‌توان گفت، این روابط بیشتر از اینکه تلاش دیپلماتیک ایران بوده باشد، ناشی از نیاز ژئوپلیتیک ارمنستان به ایران است. دو طرف ارمنستان کشورهای دشمن قرار گرفته‌اند. از یک سو، فقط از راه گرجستان می‌تواند به دریای سیاه راه پیدا کند و از سوی دیگر، از راه ایران به خلیج فارس. یعنی این موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیک ایران است که ارمنستان را وادار می‌کند با ایران روابط خوبی داشته باشد. اگر این راه‌گذر راه‌اندازی و روابط ارمنستان و ترکیه و جمهوری آذربایجان عادی شود، ایران برتری خود را برای ارمنستان از دست می‌دهد.

تهدید سوم که به نظر مهم‌ترین تهدید است، این است که در صورت گشایش این راه‌گذر و اتصال آن به راه‌گذر بزرگ‌تری به نام «راه‌گذر میانی»، برتری‌های ترانزیتی ایران کاهش پیدا می‌کند. راه ارتباطی در میان نخجوان و جمهوری آذربایجان از ایران است. از سویی، راه ارتباطی ترکیه به آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان به آسیای مرکزی به وسیله ایران بوده است و برتری ترانزیتی بزرگ و درآمدهای سرشاری برای ایران دارد. علاوه بر این دو برتری که ممکن است بر اثر راه‌اندازی زنگه‌زور از میان برود، اتصال این راه‌گذر در قالب راه‌گذر میانی به طرح راه ابریشم نوین چین است که به شدت برتری‌های ترانزیتی ایران را در تأثیر قرار می‌دهد. ایران بسیار هزینه و تلاش کرده است که بتواند در مسیر ترانزیت چین به اروپا قرار گیرد؛ راه ساخته، راه آهن ساخته و با هند همکاری‌هایی کرده است. بندر چابهار و تأسیساتی که در بندر چابهار وجود دارد، به طور کلی در این زمینه انجام شده است. ایران با این کارها تلاش کرده است در مسیر راه ابریشم نوین چین قرار بگیرد. اگر راه‌گذر میانی در چارچوب همان راه ابریشم نوین چین قرار گیرد، برتری‌های ترانزیتی ایران در تأثیر قرار می‌گیرد. ممکن است بسیاری از بهره‌هایی که ایران می‌توانست از موقعیت ترانزیتی خود در راه‌گذر شمالی جنوبی ببرد، از میان برود.

انتقال منابع انرژی دریای خزر موضوع دیگری است. اروپا و ترکیه در سال‌های گذشته همواره تلاش کرده‌اند به منابع انرژی این دریا دسترسی داشته باشند تا هم انتقالش آسان‌تر باشد و هم ارزان به دست بیاید. در صورت بهره‌برداری از راه‌گذر زنگه‌زور، منافع ایران از این نظر هم در تأثیر قرار می‌گیرد و ایران منافع قابل ملاحظه‌ای را در این مورد از دست می‌دهد.

تهدید چهارم، نفوذ فزاینده ترکیه در منطقه است. در آغاز اشاره کردم که منافع ایران،

دربرگیرنده حفظ موازنه قدرت یا تلاش برای تغییر موازنه قدرت به سود خود در منطقه قفقاز جنوبی است. راه‌اندازی این راه‌گذر در قالب راه‌گذر میانی و اتصال آن به برنامه‌های چین، نفوذ ترکیه را در منطقه به شدت تقویت و خطی ایجاد می‌کند که کشورهای ترک به یکدیگر وصل شوند. این خط، برتری ترکیه را در منطقه ارتقا و موازنه را به زیان ایران تغییر می‌دهد.

تهدید پنجم، تقویت حضور ناتو در منطقه است. برخی از کارشناسان بر این موضوع تأکید می‌کنند که این طرح می‌تواند راه‌گذر تورانی ناتو باشد که از مرزهای ایران عبور می‌کند و هدفش جلوگیری از شکل‌گیری اتحاد میان سه کشور ایران، چین و روسیه است. به نظر این نمی‌تواند مهم‌ترین پیامد باشد. از زمانی که ترکیه عضو ناتو شده است، یعنی حدود هفتاد سال است که ایران با ناتو هم‌مرز است. اگر راه‌گذر زنگه‌زور را ادامه ناتو بدانیم، شاید پدیده جدیدی نبینیم. ممکن است حلقه تنگ‌تر شود، اما رخداد جدیدی نیست. پس باید بر عامل‌های مهم‌تری تأکید کنیم و آن در تأثیر قرارگرفتن برتری‌های ترانزیتی ایران است که ممکن است ایران را به طور کلی از صحنه معادله‌های ترانزیتی جهان حذف کند و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران را در ارتباطات جهانی زیر تأثیر قرار دهد.

تهدید ششم، گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل است. همان‌طور که اشاره کردم، ممکن است این راه‌گذر در ترکیه متوقف نشود و همچنان که به سمت اروپا امتداد پیدا می‌کند، به سمت اسرائیل هم ادامه پیدا کند و روابط مثبتی را که اسرائیل و جمهوری آذربایجان داشته‌اند، مستحکم‌تر کند. همچنین فرصتی فراهم کند که این دو کشور به همگرایی بیشتری برسند که می‌تواند محوری را علیه جمهوری اسلامی ایران شکل دهد. همان‌طور که در گذشته شاهد بودیم، عملیات خراب‌کارانه‌ای از خاک جمهوری آذربایجان از سوی اسرائیل در ایران سازماندهی شد.

تهدید آخر، حضور نیروهای روسی در مرز ایران است. در متن توافق‌نامه اشاره شده است که به نوعی نیروهای روسی به عنوان نیروهای حافظ صلح، ضامن اجرای مفاد این توافق‌نامه هستند. در مورد راه‌گذر هم اشاره شده است که نیروهای حافظ صلح روسی به ترانزیت کالا و بار و... در این منطقه نظارت خواهند کرد و این موقتی نخواهد بود. توافق‌نامه ۵ ساله است؛ اما براساس مفاد همین توافق‌نامه، حضور نیروهای روسی برای سال‌های بعد هم بدون محدودیت تمدیدپذیر است. با توجه به پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه، همواره دیده‌ایم که روس‌ها منافع ایران در منطقه را نادیده گرفته‌اند. بنابر توافق‌نامه‌های ترکمانچای و گلستان، بخش‌های زیادی از خاک ایران به سود روسیه جدا شد. بنابراین تاریخ روابط ایران و روسیه گویای این است که نگاه روس‌ها به ایران مشارکت راهبردی یا دوستانه نبوده است. از این دیدگاه، می‌توان گفت که حضور نیروهای روسیه در مرز ایران می‌تواند برای ایران پیامدهای منفی داشته باشد و آن‌ها

پایگاه‌هایی را به دست می‌آورند که به داخل ایران اشراف اطلاعاتی داشته باشد و از آنجا بتوانند علیه منافع ایران اقدام‌هایی انجام دهند.

دکتر احمد کاظمی

فتنه ژئوپلیتیکی راه‌گذر تورانی ناتو

موضوع بحث من اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و پیامدهای آن برای ایران است. نخست باید نگاهی بیندازیم به سرشت و مفهوم آنچه به عنوان اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان مطرح می‌شود. ابعاد این اختلاف‌ها، نگاه دو طرف و اینکه این اختلاف‌ها در چه قالب مفهومی، چه مدل و الگویی قابل تعریف است؟ آیا می‌توان این نوع تحول‌ها را با نگاه خرد تحلیل و برایشان راهبرد ارائه داد و پیامدسنجی کرد، یا اینکه به نگاهی کلان نیاز است؟ و اینکه در اصل چگونه جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بعد از ۲۶ سال مذاکرات به یک باره رخ داد؟ مذاکرات که در فضایی بسیار دوستانه برگزار شد، با توافق‌های پشت پرده همراه بود. در نتیجه آن، چند سند مهم ایجاد شد که روندهای پراگ، آستانه و مادرید خوانده شدند. چه شد که یک باره چنین جنگی اتفاق افتاد؟ آیا در قالب توان جمهوری آذربایجان و ظرفیت‌هایی که جمهوری آذربایجان از دیدگاه مبانی قدرت دارد، قابل تفسیر است؟ یا متغیرها و پیشران‌های دیگری در موضوع تأثیر داشته‌اند؟ اگر به واقع مشکل دو کشور موضوع قره‌باغ بود، الان که قره‌باغ به صورت صددرصدی با چارچوب بسیار مطلوب جمهوری آذربایجان و ترکیه، یعنی بدون وجود یک ارمنی در آن منطقه حل شده است و قره‌باغ با پاک‌سازی قومی، به طور کامل تحویل جمهوری آذربایجان است، چرا هنوز از اختلاف‌های سرزمینی صحبت می‌شود؟ آیا اینجا جمهوری آذربایجان تصمیم‌گیر است؟ یا کسان دیگری برای این کشور تصمیم می‌گیرند؟ چرا نگاه قدرت‌های بزرگ، کشورهای غربی و جهان مسیحی به یک باره بعد از ۲۶ سال مذاکرات نسبت به جنگ قره‌باغ تغییر کرد؟ چرا جهان مسیحی الان ارمنستان را تنها گذاشته است؟ مگر ادعای یکپارچگی جهان مسیحیت در قالب نهادهای اروپایی و اورواسیایی را ندارند؟ اینجا است که به نظر می‌رسد باید متغیرهای اصلی را پیدا و مطرح کرد.

دلیل پایان نیافتن مشکلات باکو و ایروان بعد از پایان جنگ قره‌باغ، آن چیزی که از سال ۲۰۲۰ در منطقه اتفاق افتاده است در قالب پوشش اختلاف‌های سرزمینی بود. چند ماهی از جنگ دوم قره‌باغ نگذشته بود که الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در مصاحبه‌ای با روزنامه ایتالیایی لارپوبلیکا تأکید کرد که به مرزهای بین‌المللی با ارمنستان رسیدیم. اگر به مرزهای بین‌المللی با ارمنستان رسیدید، چرا هنوز تطمیع و تهدید و سناریوسازی ادامه دارد؟ چرا بعد از

اختلاف‌های مربوط به مالکیت قره‌باغ و راه‌گذر لاجین، هنوز بحث اختلاف‌های مرزی، بحث درون‌بوم‌ها و بحث آذری‌های رانده‌شده از ارمنستان مطرح می‌شود؟ اگر این‌ها را در کنار هم بگذاریم، می‌بینیم اختلاف‌هایی تعریف شده است که هیچ‌گاه جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان پایان پیدا نکند. پایان آن فقط از دیدگاه طرف ترکیه‌ای و آذری یک گزینه است، اینکه فقط راه‌گذری با عنوان راه‌گذر ادعایی زنگه‌زور ایجاد شود.

کاربرد لفظ راه‌گذر زنگه‌زور از نظر حقوقی، منشور سازمان ملل و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله قواعد آمره، به‌طور کامل اشتباه است. نمی‌توانیم برای خاک بخشی از استان یک کشور اسمی بگذاریم و بعدها با لابی‌کردن ادبیات آن را ترویج کنیم و بگوییم زنگه‌زور غربی و زنگه‌زور شرقی. راه‌گذری به اسم راه‌گذر زنگه‌زور نداریم. افرادی می‌گویند نه اسم زنگه‌زور برای جنوب ارمنستان یعنی سیونیک و مغری بوده است؛ خب بوده باشد. پیش از زنگه‌زور، نام سیسکان^۱ هم برای همین منطقه بوده است. سیسکان که پادشاهی طولانی مدتی بوده است؛ پس دلیل نمی‌شود.

بعضی افراد در داخل کشور هم که ادعای ترک‌شناسی و تاریخ‌شناسی دارند، به‌ظاهر برد سواد تاریخ‌یشان بیشتر از ۱۰۰ سال نمی‌رود؛ یعنی از همان مبنایی که الهام علی‌اف (تاریخ ۱۰۰ ساله) تعریف کرده است. ممکن است این به اصطلاح ترک‌شناسان ایرانی در ظاهر وجه مذهبی و وجه رسمی هم داشته باشند. اینجا مشخص می‌شود که علاقه آن‌ها به ایرانیت و اسلامیت در قفقاز، چقدر راستین است. پس در اینجا با ادعای راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور روبه‌رو هستیم.

اینک مبانی حقوقی و سیاسی مفهوم «راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور» را بیان می‌کنیم: نخست، پیش از اینکه بحث اختلاف‌ها را مطرح کنم به این مسئله اشاره می‌کنم که آیا از مبنای منطق جمهوری آذربایجان و ترکیه، باکو و ترکیه حق صحبت در مورد راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور را دارند یا ندارند؟ آن‌ها پیش‌تر چه چیزی را مطرح می‌کردند و در حقیقت خواسته‌شان چه بود؟ دو نکته حقوقی و غیرحقوقی را در مورد راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور مطرح می‌کردند: وجه حقوقی این بود که می‌گفتند در بند ۹ توافق‌نامه آتش‌بس، موضوع خط‌های ارتباطی مطرح شده است. پاسخ روشن است، خط‌های ارتباطی ربطی به راه‌گذر فراسرزمینی ندارد. راه‌گذر فراسرزمینی یعنی نقض حاکمیت کشور میزبان. وقتی کلمه نظارت و کنترل می‌آید، یعنی نقض حاکمیت. پس تفسیرشان یک جانبه بود و ربطی به توافق‌نامه سال ۲۰۲۰ نداشت.

در هرمنوتیک حقوقی با بار حقوقی کلمات سروکار داریم. خطوط ارتباطی، یعنی راه‌های عادی که موجب ارتباط دو کشور یا یک کشور با کشور سوم از کشور میانی می‌شود. برداشت دیگرشان این بود که می‌گفتند راه‌گذر در برابر راه‌گذر، یعنی راه‌گذر لاجین در برابر راه‌گذر

زنگه‌زور. می‌گفتند چون در میان قره‌باغ و ارمنستان راه‌گذری به نام لاجین داریم، پس راه‌گذری هم باید در نخجوان در میان جمهوری آذربایجان و نخجوان داشته باشیم. اینجا هم مقایسه‌ی این دو از نظر حقوقی به دلایل مختلف درست نبود. در حال حاضر قره‌باغ را با یک پاک‌سازی قومی جدید روبه‌رو کردند: وضعیتی که در قره‌باغ بعد از امضای ۹ ماهه راه‌گذر لاجین و همچنین تحولاتی که در جنگ سوم رخ داد و رویدادهایی که به دلیل هم‌دستی پاشینیان با علی‌اف بر آن‌ها سرپوش گذاشته می‌شود.

اینکه نباید نگاه خرد داشته باشیم، همین است. عده‌ای باور دارند جنگی بدون هیچ‌گونه تلفات، بسیار نو و انسانی در جنگ سوم قره‌باغ انجام شده است؛ درحالی‌که بیش از ۱۲۰ هزار نفر آواره شده‌اند، به بیش از ۵۰۰ نفر تجاوز شده است یا ناپدید شده‌اند و صدها نفر کشته و زخمی شده‌اند. متأسفانه در جامعه‌ی ارمنستان با تأکیدی که دولت پاشینیان دارد مخفی‌کاری می‌شود. علی‌اف و پاشینیان از مرکزی واحد دستور می‌گیرند. باید مراقب باشیم که در داخل کشور هم مغلوب جنگ ادراکی و شناختی افراد وابسته نشویم.

مبنایی برای طرح راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور وجود ندارد. توافق‌نامه‌ی آتش‌بس سال ۲۰۲۰ در عمل و از دیدگاه حقوقی به دلیل اقدام‌های بعدی جمهوری آذربایجان فروپاشیده است. چگونه است که توافق‌نامه‌ی آتش‌بس مسکو، آنجا که به راه‌گذر لاجین می‌رسد، اثر ندارد؟ ولی اینجا که می‌خواهد خط‌های ارتباطی را به راه‌گذر تبدیل کند مورد ادعا قرار می‌گیرد؟ پرسش این است که آیا راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور ترانزیتی است؟ اگر ترانزیتی است که این مسیر بیش از ۳۰ سال است که وجود دارد. ایران بیش از ۳۰ سال است که این مسیر را ایجاد کرده است. پس چرا جمهوری آذربایجان و ترکیه اصرار می‌کنند از جنوب ارمنستان هرچه باشد، حتی باریکه‌ای وصل شوند؟ چرا ادامه نمی‌دهند؟ چرا دنبال سیونیک هستند؟ چرا به دنبال راهی هر چقدر فرعی شده هستند؟ هر روز طرحی را مطرح می‌کنند: یک روز از راه‌گذر ارس به عنوان ابزار روانی علیه دولت ناتوان پاشینیان استفاده می‌کنند. یک روز می‌گویند از طرح کالینینگراد استفاده می‌کنیم.

امروزه کاربست طرح کالینینگراد در مورد اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان از خاک ارمنستان مطرح است. آن‌ها مدعی‌اند در آنجا لیتوانی اجازه داده است روسیه به کالینینگراد وصل شود. حکمت حاجی‌اف، دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور آذربایجان در مصاحبه با روزنامه‌ی آلمانی برلینر زیتونگ^۱ در شرایطی این ایده را مطرح کرده است که به دلیل اختلاف‌های روسیه و لیتوانی، عبور بدون نظارت قطارهای روسیه از خاک لیتوانی به کالینینگراد، که البته با دریافت تعرفه‌ی گمرکی صورت می‌گرفت، شکست خورده است. به طوری که پس از کاربست نظارت و

حاکمیت از سوی لیتوانی و کاهش ۵۰ درصدی انتقال کالا از این مسیر، روسیه در ژوئن ۲۰۲۲ ویلنیوس را تهدید کرد. لیتوانی که عضو ناتو و اتحادیه اروپا است، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه، نه تنها اقدام به کنترل، نظارت و کاربست حاکمیت کامل بر حمل و نقل ریلی روسیه به منطقه پرونگان کالینینگراد کرده است، بلکه از پرواز هواپیما میان روسیه و کالینینگراد از آسمان لیتوانی هم جلوگیری می‌کند. فشارهای سیاسی و تهدیدهای مسکو تأثیری در این مورد نداشته است. لیتوانی رویکرد سال‌های گذشته لتونی در برابر مسکو را در پیش گرفته است. روسیه اینک علاوه بر استفاده از مسیر دریایی طولانی بندر اوست لوگا در نزدیکی سن پترزبورگ به بندر کالینینگراد در دریای بالتیک، به دنبال استفاده از ظرفیت ریلی روسیه سفید و لهستان برای اتصال به کالینینگراد است. استناد باکو به طرحی شکست خورده و القای آن به عنوان رویه بین‌المللی، ناچاری باکو در این مورد را نشان می‌دهد؛ زیرا از نظر حقوقی با رفتار نادرست رویه بین‌المللی ایجاد نمی‌شود.

با آغاز فرایند اجرایی طرح «راه‌گذر ارس» برای ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان مانند سه دهه گذشته، مشکلی در ارتباط ترانزیتی دو طرف وجود ندارد. اصرار باکو برای گرفتن گذرگاهی از جنوب ارمنستان به تعهدهای باکو به جبهه لندنی صهیونی برای اجرای راه‌گذر تورانی ناتو و در راستای تحقق نظم انگلوساکسونی مربوط است. خاندان علی‌اف هم‌زمان با به‌کارگرفتن دیپلماسی دلار و خاویار، هرروز مدلی را برای گرفتن راه از ارمنستان مطرح می‌کنند. آنان می‌کوشند در جنوب ارمنستان مسیری را حتی به اسم راه عادی بگیرند و ۱۰ سال بعد آن را به حق انتفاع تبدیل کنند و ادعاهای سرزمینی مطرح کنند؛ چرا؟ زیرا پشت مسئله، فتنه‌ای بزرگ‌تر و طرحی بزرگ‌تر وجود دارد. آن طرح چیست؟ تلاشی برای احیای نظم انگلوساکسونی در منطقه.

در قفقاز چهار نظم داشتیم: نظم ترکی (عثمانی)، نظم روسی، نظم انگلوساکسونی به‌ویژه در سال ۱۹۱۸ که تامسون، فرمانده جبهه شرقی متفقین، همین کارهایی که امروز می‌کنند، با جمهوری خودخوانده ارس و مساواتی‌ها انجام می‌داد. تنها نظم میزبان منطقه ایران بود و دیگر نظم‌ها تحمیلی بودند. از زمانی که کوه‌های قاف قفقاز بودند، از زمانی که قفقاز در ادبیات عرفانی ایران و در تفسیرهای قرآن، مرجع کوه‌های قاف بوده و آن سیمرخ افسانه‌ای مطرح بوده، قفقاز با ایران آمیخته بوده است. نظم ایرانی تاریخی در قفقاز واقعیت است. با تضعیف نظم روسی در قفقاز که از سال ۲۰۱۰ شروع شد و با اشتباه‌های مکرر روسیه و گاهی اشتباه‌های پیش‌پا افتاده روسیه در قفقاز، به‌ویژه بعد از جنگ ۲۰۲۰ تشدید شد، تلاش برای نظم انگلوساکسونی در منطقه پیگیری می‌شود.

نظم انگلوساکسونی به دنبال چیست؟ نظم انگلوساکسونی در منطقه می‌خواهد ظرفیت‌های

ژئوپلیتیکی منطقه را به گونه‌ای در اختیار بگیرد که مانع گذر منطقه به نظم نوینی شود که در آن دیگر جایی برای آمریکا و انگلستان و غرب نباشد. آمریکا و انگلستان را از اروپای قاره‌ای به طور کامل معجزا می‌کنم. این نظم باید چگونه ایجاد شود؟ تغییرهای ژئوپلیتیکی بدون وجود پیشران ایدئولوژیک اجرایی نیستند. تجربه افغانستان نشان می‌دهد که تغییرهای ژئوپلیتیکی بدون ایدئولوژی پیشران اجرایی نیستند. به این دلیل، بعد از ۲۰ سال آمریکا مجبور به ترک افغانستان شد. در سال ۲۰۲۰ که خروجشان از افغانستان قطعی شد، به یک باره در این طرف، قره‌باغ مورد توجه انگلستان، آمریکا و کشورهای غربی قرار گرفت. یک باره بعد از ۲۶ سال مذاکرات قره‌باغ مهم شد. در کانون این تغییرهای ژئوپلیتیک و آن پیشران ایدئولوژیک، پان‌ترک‌گرایی انگلیسی است.

انگلستان ۲۰۰ سال پیش با نظریه‌پردازانی که بیشترشان یهودی بودند، پان‌توران‌گرایی را در منطقه نظریه‌پردازی کرد؛ مانند کتاب‌های آرمینیوس وامبری و کوهن که بعضی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند. از آن علیه تزارهای روس، اتحاد اسلامی در منطقه و علیه چینی‌ها هم استفاده کرده است. ۱۰۰ سال پیش از اینکه آتاتورک زاده شود، انگلستان پان‌توران‌گرایی را ایجاد کرده بود. پان‌ترک‌گرایی و در کنار آن پان‌آذری‌گرایی دو موضوع جدا هستند و هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. این‌ها ایده‌های تحمیلی هستند که از پان‌توران‌گرایی انگلیسی تغذیه می‌شوند.

پان‌توران‌گرایی قرار است چکار کند؟ مایکل دورن، افسر پنتاگون و پژوهشگر اندیشکده هادسون در ژانویه ۲۰۲۱ در مقاله‌ای تأمل برانگیز می‌گوید باید جاده تورانی شکل بگیرد تا بتوانیم در منطقه گسل‌های قومی ایجاد کنیم. این گسل‌های قومی کجا هدف‌گذاری شده‌اند؟ در آذربایجان ایران، در مناطق ترکمن‌نشین ایران، در مناطق تاتارنشین و ترک‌نشین و جمهوری‌های قفقاز شمالی، داغستان، اینگوش و چچن و چرکسیای روسیه و منطقه اوغورنشین، یعنی منطقه‌ای که پاشنه آشیل چین محسوب می‌شود.

در همین جنگ سوریه دیدیم که اوغورها چه کار می‌کنند و در چه گروهی قرار دارند؟ چه کسانی از این‌ها استفاده می‌کردند؟ به نظر آنان در جمهوری آذربایجان ایران هنوز گرایش‌های قومی به سطحی نرسیده است و به طرح نیاز دارد. آن طرح چیست؟ جاده تورانی. جاده تورانی می‌تواند تصویر به اصطلاح جهان ترک را ایجاد کند و بعد آذری را که هیچ ربطی با ترک و جهان ترک ندارد به زور تغییر دهد و به این جهان ترک بچسباند. امپراتوری ترک، ناتوی ترکی ایجاد کند و به چین و ایران و روسیه ضربه بزند. این طرح می‌خواهد چه اقدامی انجام دهد؟ جهان ترک فقط با تجزیه جنوب ارمنستان ممکن می‌شود؛ زیرا آنجا ارتباط جهان ترک را قطع کرده است. نقش حائل قره‌سو، با خیانت رضاشاه حل شده بود. دریای خزر با شیوه‌های دیگری پیگیری می‌شود، از جمله در قالب موافقت‌نامه که خوشبختانه در مجلس شورای اسلامی تصویب نشده

است. جنوب ارمنستان می‌ماند. اینجا مشخص می‌شود چرا زمانی که طرح راه‌گذر ارس را جلوی طرف مقابل می‌گذارید و می‌گویید ارتباط را مانند ۳۰ سال پیش تضمین می‌کنیم؛ باکو می‌گوید نه و عملیات روانی انجام می‌دهد. زیرا پشت پرده، طرح دیگری است و در اختیار آن نیست. دیگری دارد این طرح را پیگیری می‌کند. به همین دلیل، راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور، راه‌گذر ترانزیتی نیست. راه‌گذری قومی، امنیتی و با چشمداشت تاریخی است.

هر کس ادعا می‌کند که چین از این راه‌گذر حمایت می‌کند، اشتباه محاسباتی انجام می‌دهد. چین هیچ‌وقت از راه‌گذر قومی حمایت نمی‌کند. چین حامی راه‌گذری نیست که به اصطلاح، ترکستان و جهان ترک را یکپارچه و ترکیه نو عثمانی را به اوغورها وصل کند. چینی‌ها نمی‌خواهند جنوب ارمنستان تجزیه شود و راه‌گذر ایجاد شود. روسیه هم می‌داند که این بحث همان راه‌گذر تورانی ناتو است. روس‌ها می‌دانستند که انگلستان دنبال راه‌گذر تورانی است.

روس‌ها می‌گفتند در چارچوب همان توافق نامه آتش‌بس، کنترل و نظارت این راه‌گذر را به عهده می‌گیریم و نبض ناتو و حتی رفت‌وآمد چین را از اینجا در کنترل می‌گیریم. سپس برای تنگه‌های بسفر و داردانل ترکیه در دریای سیاه که در حال حاضر روس‌ها در آنجا با بیشترین مشکلات روبه‌رو هستند؛ جایگزین ایجاد می‌کنیم.

روس‌ها می‌گویند اگر ترکیه در تنگه‌های بسفر و داردانل مشکل ایجاد کند، اینجا برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌کنیم. این از نگاه انحصارطلبانه روس‌ها ناشی می‌شود که نتیجه آن اشتباه‌های پیاپی است. روس‌ها تا جایی با این طرح جلو آمدند، ولی دیدند نظم آنگلوساکسونی دارد جلو می‌رود. در کنار شیوه مذاکرات روسی، شیوه آمریکایی پیش آمد، شیوه اروپایی آمد و یک‌باره پاشینیان گفت قره‌باغ متعلق به جمهوری آذربایجان است و تمام طرح‌ها از جمله حضور روس‌ها در قره‌باغ و موضوع کنترل روس‌ها بر آن و راه‌گذر ادعایی به هم ریخت. بخشی از پیچیدگی موضوع برمی‌گردد به اشتباه‌هایی که روسیه در منطقه کرده است. شبیه همان اشتباهی که در مورد موافقت نامه رژیم حقوقی دریای خزر کردند. امروز مراکز روس می‌گویند نمی‌گذاریم از بستر دریای خزر خط لوله عبور کند. پس چرا موافقت نامه را امضا کردند؟ ایران تنها کشوری است که از نظر حقوقی حق دارد نگذارد از دریای خزر خط لوله عبور کند؛ زیرا موافقت نامه را امضا نکرده است. مسائل زیست‌محیطی بیشتر گریبانگیر ایران هستند.

آنچه در منطقه می‌گذرد تلاش برای ایجاد نظم آنگلوساکسونی با محوریت ایجاد به اصطلاح جهان ترک به وسیله راه‌گذر تورانی ناتو و تجزیه ارمنستان است. پوشش این کار چیست؟ پوشش این کار تا دیروز قره‌باغ بود، فردا مناطق درون بوم خواهد بود، بعد از آن، یرآزها خواهد بود که هر کدام بحث خود را دارند. در بحث درون بوم‌ها و بحث آذری‌های رانده شده از ارمنستان و در مقابل، موضوع ارامنه رانده شده از باکو، سومگائیت، گنجه و نخجوان هم مطرح است. این‌ها

نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان به دنبال صلح واقعی نیست، به دنبال فشار است که بتواند طرح راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور را اجرا کند. دولت پاشینیان در این موضوع منفعل بوده است. دو سال پیش از جنگ دوم قره‌باغ، انقلاب رنگی در ارمنستان و روی کار آمدن نیروهای سوروس در ارمنستان با همین هدف انجام شد. هر دو در چارچوب نظم آنگلوساکسونی، اما فشارهای منطقه‌ای و افکار عمومی سبب شده است در مقابل این موضوع، رویکردی احتیاطی را در پیش بگیرند. از این دیدگاه، آنچه به عنوان اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان مطرح می‌شود، بیشتر ساختگی است. جمهوری آذربایجان با گرجستان هم بر سر معبد داوید گاره جی و بسیاری از نقاط مرزی اختلاف دارد. چرا این سیاست را در آنجا اجرا نمی‌کند؟

نظم آنگلوساکسونی می‌گوید روسیه نباید انرژی خود را به اروپا بدهد. ایران نباید به اروپا گاز بدهد، پس چه کشوری گاز بدهد؟ جمهوری آذربایجان؟ این کشور که گاز کافی ندارد. در این ۳۰-۲۰ سال اخیر، ده‌ها شرکت غربی از جمله شرکت آمریکایی شورون خیلی از فعالیت‌های خود را در مناطق دریای خزر قطع کردند؛ زیرا حفاری‌ها به نتیجه نرسیده است. این‌ها بزرگ‌نمایی‌های روانی برای تأثیر گذاشتن بر بازار انرژی است. وقتی موضوع دریای خزر حل شود، مسئله جنوب ارمنستان هم حل می‌شود؛ زیرا اگر از جنوب ارمنستان خط لوله بگذرد، ۳۵۰ کیلومتر نسبت به مسیر بالاتر، مسافت کوتاه‌تر می‌شود و کشورهای دیگر راحت‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند. اگر ترانزیت و انرژی دست ناتوی ترکی بیفتد، راحت می‌توانند روی موضوع نظم نوین منطقه‌ای تأثیر بگذارند.

یکی از پیامدها و تهدیدهای مهم نظم آنگلوساکسونی در قفقاز، پیامدهای ژئوکالچری و قومی است. از دیدگاه نظم آنگلوساکسونی جهان ترک، شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه هویت جمهوری آذربایجانی از میان برود؛ زیرا هویت جمهوری آذربایجانی، از نظر تاریخی شیعه و ضد ترک و حنفی است. هویت جمهوری آذربایجانی ایرانی است. ایران پرچم دار مرزهای تمدنی و جغرافیایی بوده است. در تاریخ، ترک‌های عثمانی به آن تجاوز کرده‌اند. هویت آذربایجانی از دیدگاه تاریخی مشکلی با هویت ارمنی نداشته است. هویت ترکی آناتولی با هویت ارمنی مشکل داشته است. هویت آذربایجانی در قفقاز، با هویت ارمنی هم‌گرایی داشته است. بنا بر اسناد شوروی، ازدواج‌های زیادی در میان آن‌ها انجام شده است، بیشترین هم‌زیستی را داشته‌اند، روستا به روستا یا آذری بوده یا ارمنی بوده است.

هویت ترکی آناتولی با هویت ارمنی مشکل تاریخی دارد. هویت آذربایجانی نمادش شاه اسماعیل صفوی است؛ هویت ترکی نمادش سلطان سلیم عثمانی است. در چنین شرایطی از نظر نظم آنگلوساکسونی، باید هویت آذربایجانی در جمهوری آذربایجان و ایران از میان برود؛ زیرا هویت آذربایجانی سدی محکم در برابر پان‌تورانی انگلیسی است و در کنار آن تشیع‌زدایی نیز

دنبال می‌شود. تا زمانی که تشیع در قفقاز و جمهوری آذربایجان وجود دارد، راه‌گذر تورانی نمی‌تواند شکل بگیرد. اگر راه‌گذر زنگه‌زور را حل کنید، در مناطق تالش نشین در باتلاق می‌مانند. به همین دلیل، هویت آن‌ها باید وهابی بشود. هویت آن‌ها باید غیرشیعی شود. تشیع‌زدایی با این نظم آنگلوساکسونی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین هر قدر پیروزی‌های خاندان علی‌اف بیشتر شود، فشار بر تشیع در جمهوری آذربایجان هم بیشتر می‌شود. معنای آن این است که در ایران هر کسی چه نگاه ملی داشته باشد، چه نگاه مذهبی داشته باشد، نمی‌تواند تحول‌های قفقاز را ساده‌انگاری کند.

پیامد مهم دیگر در حوزه ژئواکونومیک است. می‌دانید که جمهوری آذربایجان همین چند سال اخیر سر مسائل ترانزیتی چه مشکلاتی ایجاد کرده است. همین الان که راه‌گذر ارس را اجرا می‌کنیم، چقدر بر سر رفت و آمد کامیون‌ها مشکل ایجاد می‌کند. ترکیه ادعا می‌کند اگر ریل جنوب ارمنستان آماده شود، می‌توانیم از مزایای آن استفاده کنیم و به نخجوان و ترکیه برویم. چرا ۴۰ سال است که خط آهن تبریز به وان را به خط آهن سراسری ترکیه وصل نمی‌کند؟ اگر نگاه هم‌گرایی ترانزیتی دارد، چرا این کار را انجام نمی‌دهد؟ زیرا نمی‌خواهد برای ایران عمق ژئوپلیتیکی ایجاد کند. اگر راه‌گذر ساختگی زنگه‌زور شکل بگیرد، وابستگی ترکیه برای اتصال به آسیای مرکزی از راه ایران و همکاری‌هایی که در موضوع ترانزیت با ایران وجود دارد، به طور کامل از میان می‌رود.

بنابراین در جمله پایانی بگویم، آن چه که در قفقاز از سال ۲۰۲۰ در ظاهر و از سال ۲۰۰۸ در منطقه شروع شده است، در قالب تکانه تاریخی ضدایرانی چهارم در قفقاز قابل ارزیابی است. ما در قفقاز، سه تکانه ضدایرانی در ۲۰۰ سال اخیر داشته‌ایم: ترکمنچای و گلستان، تأسیس مساواتیان در آران و سرقت نام آذربایجان و تأسیس فرقه دموکرات به وسیله استالین در تبریز. این تحول‌ها تلاش برای چهارمین تکانه است. سایکس-پیکوی جدید انگلستان برای منطقه است. نگاه به این موضوع به عنوان اختلاف عادی دو کشور همسایه، ساده‌انگاری و انحراف افکار عمومی محسوب می‌شود.

پرسش، پاسخ و دیدگاه‌ها

پرسش: دکتر رشیدی در مورد راه‌گذر لاجین و زنگه‌زور و کمربند چین و جنگ روسیه و اوکراین صحبت کردند. نیروهای پاسدار صلح روسی در راه‌گذر لاجین را حدود ۲۵۰۰ نفر تخمین زده‌اند. این مساله از این جهت برای روسیه مهم است که نفوذ این کشور را در این منطقه بیشتر می‌کند. از سویی، برای ایران هم مهم است. زیرا ما با حضور روسیه موافق‌تر هستیم تا دیگر قدرت‌ها.

همچنین باید اشاره کنیم که هر دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌خواهند انحصار روسیه در قفقاز جنوبی از میان برود و از سوی دیگر، ترکیه و اسرائیل هم در این موضع از این دو کشور حمایت می‌کنند. آیا این قرارداد پنج ساله حضور نیروهای روسی تمدید می‌شود؟ اگر تمدید نشود چه عامل‌هایی بر آن تأثیر گذاشته است؟

پرسش: در سیاست‌هایی که ایران در جنگ اول و دوم قره‌باغ در پیش گرفته است، بین اصول ایدئولوژیک و اصول ژئوپلیتیک ایران تضاد پیش آمده است یا خیر؟

دکتر رشیدی: آینده را خیلی دقیق نمی‌شود پیش‌بینی کرد. بر اساس توافق‌نامه، نیروهای پاسدار صلح روسی چه در منطقه قره‌باغ و چه در حاشیه این گذرگاه‌ها حضور خواهند داشت و نظارت خواهند کرد. اینکه در آینده این فرصت برای روسیه فراهم خواهد شد که حضور خود را تمدید کند یا نه، بستگی به سرنوشت بحران اوکراین دارد. اگر روسیه از باتلاق اوکراین عبور کند، فرصت می‌یابد که حضور گذشته خود را در قفقاز جنوبی استوار کند. هم‌اکنون، با توجه به خلأ قدرت روسیه در منطقه، منطقه جدیدی در حال شکل‌گیری است که عرصه رقابت ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه خواهد بود.

با این حال، نباید فراموش کنیم که این توافق‌نامه با میانجیگری روسیه به نتیجه رسید. امضای روسیه به عنوان طرف سومی که از اول تا آخر مذاکرات حضور داشته و کمک کرده تا این توافق به نتیجه برسد، پای این قرارداد است. حال چگونه می‌توانیم به سادگی ادعا کنیم که در مورد طرح گذرگاه زنگه‌زور روس‌ها اشتباه کرده‌اند؟ یعنی روسیه نمی‌توانسته است پیش‌بینی کند که این گذرگاه امکان حضور ناتو را ایجاد و کمک می‌کند که طرح‌های غربی اجرا شود؟ این موضوع را باید به دقت مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم پیچیدگی‌های مواضع روس‌ها چگونه است. روس‌ها در ارتباط با این موضوع با احتیاط اظهار نظر می‌کنند. گاهی مواضع مبهم و حتی متناقض مطرح می‌کنند. گاهی می‌گویند با شکل‌گیری این گذرگاه موافق هستند. گاهی مواضع دیگری مطرح می‌کنند.

در جمع‌بندی باید بگویم که روس‌ها در مورد این موضوع سیاست روشنی اعلام نکرده‌اند. ممکن است که طرح‌های پنهانی داشته باشند. یا اطمینان دارند آن رخدادهایی که بیان شد، رخ نمی‌دهد یا اگر رخ دهد ابزارهای کنترلی دارند تا جلوی شکل‌گیری این معادله‌ها را بگیرند. هر طرحی که روسیه از پیشبرد این توافق‌نامه و طرح راه‌گذر زنگه‌زور داشته است، به نظر می‌رسد اکنون جنگ اوکراین اجرای آن را برای روسیه به تعویق انداخته است.

دکتر کاظمی: اگر تحلیل محتوای منصفانه و مستندی از مواضع ایران در جنگ اول و دوم قره‌باغ و تحول‌های بعدی داشته باشیم، به نظر می‌رسد که سیاست ایران در برابر این مسائل براساس اصولی بود که تغییر نکرد: نخست، حمایت از یکپارچگی سرزمینی و مرزهای

بین‌المللی. این سیاستی بود که ایران در جنگ اول و دوم قره‌باغ دنبال کرد و در ۲۶ سال فاصله آن‌ها هم بر آن تأکید کرد. ایران در سازمان کنفرانس اسلامی پشتیبان قطعنامه‌های جمهوری آذربایجان بود. ایران در رأی‌گیری‌های سازمان ملل از سال ۱۹۹۹ به بعد در مورد قره‌باغ هر سال به سود جمهوری آذربایجان رأی مثبت داد. در جنگ اول کمک‌های انسان‌دوستانه، نظامی، امنیتی، سیاسی، بشردوستانه و ارتباطی به جمهوری آذربایجان کرد.

ایران در جنگ اول قره‌باغ برای حمایت از جمهوری آذربایجان، مستقیم به صورت نظامی ورود کرد. اینکه گفته می‌شود ایران حامی ارمنستان است، بزرگ‌ترین دروغ قرن در منطقه است؛ زیرا به سود نظم آنگلو ساکسونی است. از دیدگاه آن‌ها، بعد از قرارداد گلستان و ترکمنچای نباید نسبت به ایران در افکار عمومی منطقه، سیمای مثبتی ایجاد شود؛ باید موردی پیدا کرد و چه موردی بهتر از قره‌باغ؟ به همین دلیل، در این ۲۶ سال شاهد دو موضع ریاکارانه بوده‌ایم: نخست، در مذاکراتی که مقام‌های جمهوری آذربایجانی و ایرانی داشتند، مقام‌های جمهوری آذربایجانی تا سینه خم می‌شدند و می‌گفتند اگر شما حمایت نمی‌کردید، ما در زنگیلان دچار کشتار می‌شدیم و نخجوان قحطی می‌شود و...؛ اما در افکار عمومی و رسانه‌هایشان می‌گفتند ایران از ارمنستان حمایت می‌کند. ما روی حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی و مرزهای بین‌المللی در جنگ اول تأکید کردیم و پای آن ایستادیم و هزینه هم دادیم که هوپیمای ایران را بر فراز قره‌باغ در جنگ اول زدند. در جنگ دوم قره‌باغ، باز بر همین اصول تأکید کردیم. از نظر ما جدایی‌طلبان ارمنی ۲۶ سال به خاک جمهوری آذربایجان تجاوز کرده بودند و در سطح‌های بالای کشورمان این تجاوز محکوم و برای آزادی آن طرح داده شده بود. مقام‌های جمهوری آذربایجان گفتند که نمی‌خواهیم به دست ایران آزاد شود. بعد از شهریور ۱۴۰۱ جمهوری آذربایجان به بخش‌هایی از خاک ارمنستان تجاوز کرده است.

پس از نظر ایران در قفقاز یا در هر نقطه دیگری، تجاوزگر خوب یا بد نداریم. تا دیروز جمهوری آذربایجان زیر تجاوز بود و این سیاست اصولی ایران پابرجا بود. امروز هم که برعکس شده، باز اصول ایران همان است. به همین دلیل، می‌گویم سیاست‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی ایران مبتنی بر قواعد بین‌المللی است و تضاد نداشته است. اگر ایران می‌خواست که سیاست‌های خود را بر اساس رفتار طرف مقابل تنظیم کند، نباید این کار را می‌کرد. نباید در شرایطی که طرف مقابل نگاه ژئوپلیتیکی تهاجمی و قومی به ما دارد، نگاه مشوقانه و برادرانه داشته باشیم؛ ولی ایران این کار را نکرد. چرا؟ زیرا معتقد به اصولی پایه در قفقاز بود و روی همان اصول هم ماند.

نکته‌ای هم در مورد بحث اشتباه‌های روسیه در قفقاز و موضوع گسترش ناتو به این منطقه (ناتوی ترکی) بگویم. درک اینکه روسیه اشتباه کرده است، خیلی پیچیدگی ندارد. در قفقاز

جمهوری آذربایجان و گرجستان بر محور نظم آنگلوساکسونی حرکت می‌کردند. شرکت نفت انگلیس دولت سایه و اصلی در جمهوری آذربایجان است. سیاست‌های روسیه سبب شده است که ارمنستان که آخرین و بهترین پایگاه روسیه در منطقه بود، از دست برود. این از پیش جنگ اوکراین بوده است. اینکه پاشینیان از این موضوع استفاده کرد، به دلیل اشتباه روسیه بود. زیرا روسیه باید از سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی مانند مورد قزاقستان استفاده می‌کرد. تنها نظم میزبان منطقه، ایران بوده است و بقیه نظم‌ها تحمیلی بودند.

طبیعی است که پاشینیان غرب‌گرا بهترین فرصت را پیدا کرد تا از این موضوع استفاده کند. در مورد بحث ناتو اینکه بگوییم ترکیه عضو ناتو است و ۷۰ سال در مرز با ایران خطری نداشته، شبیه این است که بگوییم روسیه، شما که در کالنینگراد با لتونی و لیتوانی که عضو ناتو هستند، همسایه‌اید، چرا به تلاش اوکراین به عضویت در ناتو حساس شده‌اید و جنگ شبه‌سوم جهانی راه انداخته‌اید؟ عضویت یک کشور و مقدرات ژئوپلیتیکی آن کشور یک موضوع است و محاصره ژئوپلیتیکی موضوع دیگری است، به‌ویژه وقتی پای پیشران ایدئولوژیکی قومی هم در میان باشد.

این بحث را باید در قالب مجموعه‌ای گسترده ببینیم. محاصره چین در دریای جنوبی چین و محاصره روسیه در دریای سیاه و در قفقاز و آسیای مرکزی با ناتوی ترکی و ایران در خلیج فارس. بنابراین ظرفیت اینکه ناتو به قفقاز و آسیای مرکزی بیاید بسیار متفاوت است از اینکه بگوییم ترکیه هم عضو ناتو است. این را خودشان هم می‌گویند. تامسون، نماینده پیشین انگلستان در ناتو، این را مطرح می‌کند و می‌گوید فرصت تاریخی پیش آمده است که ناتو به دریای خزر و آسیای مرکزی برسد. بحث اینکه ناتو با یک ایدئولوژی قومی در قفقاز و آسیای مرکزی بیاید، پیامدهایش متفاوت خواهد بود.

پرسش: دیروز دولت ترکیه بیانیه داد که در سال ۲۰۲۸ راه‌گذر تشکیل می‌شود؛ ولی ما به ایران راه می‌دهیم؛ می‌خواهم بدانم این راه چگونه است؟ آیا باید جلوی آن را بگیریم؟ موضعی که ترکیه در برابر ایران گرفته چگونه است و آیا تردیدبرانگیز نیست؟

دکتر رشیدی: با توجه به مخالفت‌های ایران و موضعی که در مورد این موضوع گرفته است؛ محور جمهوری آذربایجان و ترکیه فکر می‌کنند که ایران ابزارهایی دارد که اجازه ندهد این طرح به نتیجه برسد. شاید تصور می‌کنند به وسیله همکاری‌هایی که ایران با روسیه خواهد داشت، جلوی شکل‌گیری این طرح را بگیرد. در مورد اینکه در سال ۲۰۲۸ به نتیجه خواهند رسید و به ایران راه خواهند داد، باید بگوییم که می‌خواهند ایران را آرام کنند. فکر نمی‌کنم اگر در آینده این اتفاق بیفتد، به ایران چنین فرصتی بدهند که در این راه‌گذر یکپارچه شود و ایران منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی خاص خود را داشته باشد. به نظرم این وعده‌ای است تا ایران مخالفت خود را کنار بگذارد.

پرسش: در مورد ادعای دولت ترکیه برای اجرایی شدن این راه‌گذر در سال ۲۰۲۸، به نظرم ترکیه و جمهوری آذربایجان بیشتر در پی القای این موضوع به مردم خودشان هستند که ما قدرت داریم این کار را انجام دهیم. آن‌هم ناشی از این است که خودشان می‌دانند در برابر ایران این فرصت را ندارند و جمهوری اسلامی ایران امروز در بسیاری از جنگ‌ها ورود و نفوذ دارد و در بسیاری مناطق مانند غزه و یمن حرف اول را می‌زند. امروز جمهوری آذربایجان بیشترین تضاد درونی را با ملت خودش دارد. ورود مוסاد به این کشور برای کنترل و کمک به دولت این کشور نشان آن است. ترکیه در سوریه و عراق درگیر است و با جمهوری اسلامی ایران تضاد منافع دارد. به نظر می‌رسد که طرح ایجاد این راه‌گذر بیشتر طرحی ادعایی است تا عملی. زیرا حاکمیت این اعلام مخالفت قطعی خود را مطرح کرده و تاریخ نشان داده است که آن‌ها گوش به فرمان خواهند بود؛ زیرا قدرت منطقه‌ای ایران، قدرتی نیست که بشود به راحتی از آن گذشت. می‌خواهم نظراتان را در مورد این نظرم بدانم.

دکتر کاظمی: همین که سال ۲۰۲۹ را مطرح کردند، نشان می‌دهد که جدول زمانی در حال به تعویق افتادن است. علی‌اف سال گذشته می‌گفت سال ۲۰۲۳، بعد شد سال ۲۰۲۴ و الان هم که شده سال ۲۰۲۹. به همین دلیل به نظر می‌آید دوره فریب عمیق ژئوپلیتیکی ایران در این حوزه تمام شده است. در این حوزه، ایران برای مدیریت، مشکل ابزاری ندارد. برخلاف تصویری که وجود دارد در قفقاز دستان برای مقابله با تغییرهای ضدایرانی بسیار باز است. مشکل در اجماع در برابر تهدید و تعریف تهدید است. تهدیدها قابل تعریف هستند و موضوعی که برای من تهدید است، ممکن است برای شما تهدید محسوب نشود. باید تعریف مشترکی از تهدید وجود داشته باشد. آن‌ها می‌خواهند این موضوع را زنده نگه دارند. این موضوع تلاشی برای ایده جهان ترک است. یک قرن پیش و بعد از بحث جمهوری خودخوانده ارس در نخجوان، آتاتورک مطرح کرد که نخجوان دروازه جهان ترک است. اکنون می‌خواهند ایده جهان ترک را بازسازی و در افکار عمومی زنده نگه دارند. آن‌ها به دنبال مشارکت ایران نیستند. موضوع مشارکت ایران به صورت ایجابی در همین طرح راه‌گذر ارس معنا پیدا می‌کند. اگر حسن نیت دارند می‌توانند بگویند چون نگاهمان به راه‌گذرها به اصطلاح نگاهی عادی است، به ایران در قره‌سوراه‌گذر می‌دهیم تا با ۴۰ کیلومتر به جای ۴۰۰ کیلومتر به ایروان دسترسی داشته باشید.

نمونه خط آهن وان و تبریز را هم گفتم. ۴۰ سال ترکیه در این مورد آزموده شده است. اردوغان در جبهه‌های مختلف شکست خورده بود. جبهه قفقاز آخرین گزینه بود تا بگوید اقدامی کردم. مشخص است که ایران در قفقاز در چشم‌انداز آینده به دنبال جبران گذشته خواهد بود. به نظرم ۳۰ سال برای تجربه و اثبات برادری در روابط بین‌الملل کافی است. طرف مقابل می‌داند ایرانی که در عمق غرب آسیا در سوریه و یمن در فرسنگ‌ها دورتر حاضر نمی‌شود منافع

ژئوپلیتیکی‌اش را صهیونیسم به خطر بیندازد، در همسایگی مرزهایش به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد. موضوع موازنه تهدید که مطرح می‌کنند با شباهت‌سازی لبنان و جمهوری آذربایجان، بعد از طوفان‌الاقصی ثابت شد که نظریه قابل اعتنایی نیست...

پرسش: پرسش من در مورد چهارراه صلح که پاشینیان مطرح کردند است. این چهارراه نقش ایران را خیلی محدود کرده است و به‌گونه‌ای همین مسیر زنگه‌زور است و مسیرهایی که از سیونیک به نخجوان و از بالا هم به گرجستان می‌گذرد. تعجب‌آور است که آقای امیر عبدالهیان اعلام کرد از این طرح استقبال می‌کنیم؛ درحالی‌که این به زیان ایران است. چرا هیچ موضعی در قبال آن گرفته نشد؟ وقتی به نقشه نگاه می‌کنید حتی خلیج فارس را تنها «خلیج» درج کرده‌اند. به نظرم پاشینیان کاملاً در بازی اردوغان و علی‌اف قرار گرفته است.

دکتر کاظمی: پاشینیان در قالب همان محور انگلوساکسونی حرکت می‌کند و اقدام‌هایش از زاویه ایران کمتر از کارهای علی‌اف نیست. اینجا نگاه آذری یا ارمنی نداریم؛ برای ما منافع ایران اسلامی مهم است. ولی پاشینیان در مذاکرات پراگ، دچار اشتباه محاسباتی شد. اینکه تصور می‌کرد اگر از قره‌باغ چشم‌پوشی کند، ایده ارمنستان ۲۹۸۰۰ کیلومتری کامل محقق می‌شود. به محض اینکه این کار را کرد و از کوچاندن ارامنه از قره‌باغ چشم‌پوشی کرد؛ جمهوری آذربایجان دو گزینه دیگری را مطرح کرد. اینجا اگر از دیدگاه داخل ارمنستان نگاه کنیم، پاشینیان دچار ورشکستگی است. برای جبران این ورشکستگی به دنبال نقطه ضعفی است که جامعه ارمنستان دارد. دیاسپورای ارمنی، به دلیل زاویه‌ای که با پاشینیان دارد کمک نمی‌کند.

بنابراین به دنبال این است که در طرح‌های منطقه‌ای شرکت کند و بتواند فقر ارمنستان حل کند، طرح چهارراه صلح را مطرح کرده است. چهارراه صلح اگر با احترام به مرزهای بین‌المللی باشد، هیچ مشکلی ندارد. در آن طرح گفته شده است که جمهوری آذربایجان با رعایت حاکمیت کشور میزبان، می‌تواند از راه ارمنستان با نخجوان ارتباط داشته باشد. همه این‌ها راه‌های عادی است و به‌طور طبیعی کسی اعتراضی ندارد.

این طرح از این نظر مشکلی ندارد؛ ولی شاید پوششی مخملی باشد برای همراه کردن جامعه ارمنستان تا بتواند بگوید حاکمیت را حفظ کردیم و با جمهوری آذربایجان هم بدون هیچ نقض غرضی درحال همکاری هستیم. زیرا بعد از کشتار سال ۱۹۱۵ در داخل جامعه ارمنی و بعد از کوچاندن اجباری، گفته می‌شود تا زمانی که دولت قومی در جمهوری آذربایجان و ترکیه وجود دارد هرگونه همکاری حتی عادی با این دو کشور پذیرفتنی نیست؛ زیرا این دو به دنبال تجزیه ارمنستان هستند. پاشینیان این را می‌داند و به دنبال پوشش است. ولی با نگاه ایجابی تا زمانی که بحث تغییرهای مرزهای بین‌المللی و تغییرهای ژئوپلیتیکی نباشد، هیچ کشوری با آن مخالفتی ندارد و صحبت‌های مقام‌های ایران در همین زمینه است.

چرکسستان در تاریخ جهان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران نشست رونمایی از کتاب «چرکسستان در تاریخ جهان» را سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ با همکاری بنیاد مطالعات قفقاز، هسته پژوهشی مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای (کارگروه اوراسیای مرکزی) برگزار کرد. سخنران‌های این نشست دکتر جواد مرشدلو، استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر حامد کاظم‌زاده، پژوهشگر حوزه قفقاز و نویسنده کتاب بودند. دبیر نشست دکتر کولایی بود.

دکتر الهه کولایی

یکی از فعالیت‌های مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی تولید و ترویج دانش مطالعات منطقه‌ای از نگاه ایرانی است. دغدغه ما تقویت نگاه ایرانی و ارائه منابعی است که با نگاه پژوهشگران ایرانی تولید شده است. زمانی که دکتر کاظم‌زاده دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران بود، بازدید از منطقه چرکس در شمال قفقاز داشت. در آن زمان روابط ما با روسیه به گونه‌ای نبود که مطالعات میدانی آسان باشد. مردم مسلمان منطقه نیز در مورد اسلام ذهنیت ساده‌ای داشتند. روس‌ها دیر متوجه شدند که حضور ایران در این منطقه می‌تواند به ثبات در جوامع اسلامی این منطقه کمک کند. امروز با همت دکتر کاظم‌زاده، کتابی بسیار ارزشمند در مورد منطقه چرکسستان داریم. امیدوارم در سال‌های آینده، نشست رونمایی از این کتاب به زبان فارسی را نیز داشته باشیم.

دکتر جواد مرشدلو

مسئله قفقاز برای ما ایرانی‌ها، به قول فردوسی یکی داستان‌های پر آب چشم است. هم گذشته، یعنی حافظه تاریخی، هم اکنون و هم آینده ما درگیر این منطقه است. در حوزه قفقاز سه بار

غافلگیر شده‌ایم. نخستین رویارویی ایران و روس در آغاز قرن نوزدهم و با جنگ‌های ایران و روسیه اتفاق افتاد. بدون اینکه از پیش آمادگی وجود داشته باشد و حکومتی در ایران شکل گرفته باشد، نمی‌توانستیم انتظار نتایج چشمگیری داشته باشیم. مرحله دوم، پایان دوره روسیه تزاری و انقلاب سال ۱۹۱۷ بود. در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۰ تحول‌های شتابانی در حوزه قفقاز اتفاق افتاد که از نظر گفتمانی زمینه آن فراهم شده بود و نتیجه شکل گرفتن ژئوپلیتیک جدید بود. همچنان ایرانی‌ها آمادگی رویارویی با چنین تغییر شگرفی را نداشتند. تغییری که به حتم بر آینده سایه می‌انداخت. غافلگیری سوم، فروپاشی اتحاد شوروی در دهه ۱۹۹۰ است. در این دوره، راهبرد و سیاست مشخصی در رویارویی با تغییرهای در نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی نداشتیم.

ذهنیت تاریخی ما در مورد قفقاز به ارتباطات تاریخی ما با این منطقه برمی‌گردد. می‌دانیم که ایران به مدت چند هزار سال در این منطقه حضور سیاسی و فرهنگی داشته است. تا سال ۱۸۰۰ این ارتباط مداوم بوده است. در سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۹۱۷ هم، گرچه قرارداد ترکمانچای مرز تعیین کرد؛ اما ارتباطات همچنان وجود داشت. از سال ۱۹۱۷ به بعد ارتباطات ما به حداقل رسید. بخشی از این کاهش ارتباط به همان ذهنیت تاریخی و نادرستی که ما قفقاز را می‌شناسیم بر می‌گردد. قفقاز حوزه‌ای است که ایران، عثمانی و روسیه تزاری در آن رقابت داشته‌اند. از قرن نوزدهم این رقابت پیچیده‌تر شده است. با این تفاوت که بعد از قرن نوزدهم سهم ایران کمتر شده است. قفقاز حوزه‌ای چندزبانه است و پژوهش در آن کار آسانی نیست. در چنین شرایطی، کاری که دکتر کاظم زاده انجام داده است جایگاه خود را پیدا می‌کند.

نداشتن شناخت می‌تواند به نداشتن راهبرد منتهی شود. بخشی از این پژوهش، پشتوانه منابع میدانی و کتابخانه‌ای و آرشیوی آن است. خود روایت به زبان انگلیسی است و می‌تواند خلأ روایت ایرانی را پر کند. آخرین روایت فارسی از قفقاز، روایت عباس قلی آقا باکیخانف بوده است. یکی از کنشگری‌های سودمند می‌تواند روایت باشد. در نبود روایت نمی‌توانیم مدعی باشیم. در بحث روش‌شناسی نیز دکتر کاظم زاده به توصیف چندلایه، ظریف و عمیق چرخش‌ها پرداخته است. ایشان حداکثر همت خود را در بهره‌گیری از منابع کرده است. تنها نقد من این است که از منابع عربی و عثمانی استفاده نکرده است.

دکتر حامد کاظم زاده

متأسفانه در حوزه چرخش‌ها، در زبان فارسی تاریخ‌نگاری نداریم. همیشه مسئله شناخت مورد علاقه من بوده است. این کتاب بخشی از پایان‌نامه من در سال ۲۰۱۸ در دانشگاه ورشو است. پایان‌نامه ۶ فصل دارد و این کتاب ۲ فصل مقدماتی آن است. پایان‌نامه مربوط به هویت فرهنگی

و زبانی مردم چرکس است و دو فصل اول مربوط به این است که چرکس چیست و جایگاه آن در تاریخ جهانی کجا است؟ حتی در منابع انگلیسی هم شناختی در مورد چرکس‌ها وجود ندارد. چرکس‌ها سنت تاریخ‌نگاری نداشته‌اند و تاریخ‌نگاری آن‌ها مبتنی بر شناخت همسایگان است. ضعف این کار همان‌طور که دکتر مرشدلو گفت این است که نتوانستم با منابع عثمانی و زبان عربی کار کنم. در کشورهای عربی، جامعه مهاجران چرکس زیادی داریم. در ۲۰۰ سال اخیر منابع عربی خوبی داشته‌ایم. مقدمه این کتاب را یکی از اعراب چرکس نوشته است. موضوع اصلی من تاریخ چرکس‌ها نبود و ادعای تسلط بر منابع تاریخی را ندارم. می‌توانم ادعا کنم بر منابع انگلیسی و روسی تسلط دارم؛ اما به منابع عربی تسلط ندارم.

شناخت از چرکس‌ها کم است و در یک دهه اخیر به دلیل مسائل سیاسی و المپیک زمستانی سوچی، بار سیاسی آن بیشتر شد. برخی دولت‌ها در اروپا تلاش کردند نسل‌کشی تزارها علیه چرکس‌ها را تصویب کنند؛ در نتیجه، چرکس‌ها در گفت‌وگوهای سیاسی و خبری وارد شدند. روس‌ها یکی از نخستین نسل‌کشی‌های نظام‌مند چرکس‌ها را در قرن نوزدهم انجام داده‌اند. در طول یک دهه با ورود روس‌ها به این منطقه، نزدیک به ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر از این مردم به دلیل فرار اجباری از میان رفتند. چرکس‌ها نخستین جبهه قفقاز در برابر روس‌ها بودند. با وجود این، پیروزی‌های روس‌ها ابتدا در جنوب و سپس در شمال قفقاز بوده است. ۴۰ سال طول می‌کشد و در سال ۱۸۶۴ قبایل چرکس به‌طور کامل شکست می‌خورند. بخشی از این نکته‌ها را در این کتاب می‌بینیم.

**Scientific Meetings of
the Center for Central Eurasia Studies
University of Tehran 2023-2024**

By
Elahesh Koolaei
Professor of Regional Studies, University of Tehran
Peyman Kaviani Far
Atefeh Bakaeyan

Center for Central Eurasia Studies
University of Tehran / Spring 2025

Table of Contents

Eurasian Cooperation between Iran and Russia	5
Political Challenges in Afghanistan	7
Collection of Strategic Documents of the Russian Federation (1993-2021)	11
Geopolitical Drivers in the South Caucasus, Trends and Developments	15
Theoretical Model for Civilizational and Cultural Bond between Iran and Armenia	19
Silk Road Encyclopedia	23
Russia Versus Others: The Crisis of the Post-Cold War World Order	27
The Role and Position of the Shanghai Cooperation Organization in the Development of Regional and International Interactions	31
Territorial Disputes between the Republic of Azerbaijan and Armenia after the 2020 War and Its Consequences for the Islamic Republic of Iran	35
Circassians in World History	39

Eurasian Cooperation between Iran and Russia

The Center for Central Eurasia Studies at the University of Tehran held a scientific meeting on "Iran-Russia Eurasian Cooperation" on Sunday, May 14, 2023, in collaboration with the Caucasus Studies Foundation, the Regional Studies Research Core of the University of Tehran and the Iranian Association for Regional Studies, in person at the Faculty of Law and Political Science at the University of Tehran (with virtual live broadcast). Dr. Lena Dunaeva and Dr. Marina Kameneva, senior researchers at the Institute of Oriental Studies of the Russian Academy of Sciences, were invited to the meeting; however, Dr. Marina Kameneva was unable to attend the meeting. Dr. Lena Dunaeva attended the meeting and expressed her views. The meeting was moderated by Dr. Elaheh Koolaei.

Dr. Lena Dunaeva

Eurasian Cooperation between Iran and Russia

In recent months, the attention of many Russian researchers and scholars has been drawn to presenting Russia's vision of the future world governance system. It is clear that the world order is in transition now, and the changes that are taking place are profound. In the Russian view, a multipolar world order is taking shape instead of a unipolar one. We are on the verge of the formation of a non-Western world. We are currently observing several processes on the international scene. We see that international organizations and institutions that were formed after World War II are not successful in playing their role in consolidating

peace and resolving crises. The decline in the role of these institutions and organizations forces countries to create other institutions and organizations to govern the world. Now, a non-Western or non-American world order is taking shape. Some countries are officially announcing that they no longer accept American hegemony and want to form other coalitions to cooperate and confront American hegemony.

On the other hand, between Iran and Russia, within the framework of the Eurasian Economic Union, there is cooperation between the economic projects of the Shanghai Cooperation Organization and the One Belt, One Road Initiative. Economic relations in this triangle help the world change the main directions of economic relations on the global stage from West to East and from East to West to North-South. In the plan to change economic paths, the role of Iran is also very important. We know and see that without the expansion of convergence in Eurasia, this large region will not succeed in playing its influential role on a global scale. We hope that the bilateral plans between Iran and Russia will be operationalized and implemented. The implementation of these plans will meet the interests of Iran and Russia.

Political Challenges in Afghanistan

The Center for Central Eurasia Studies at the University of Tehran held a scientific meeting on "Afghanistan's Political Challenges" on Monday, June 11, 2023, in cooperation with the Iranian Association for Regional Studies and the Research Core for Regional Studies at the University of Tehran. Dr. Nozar Shafiei, Associate Professor of the Department of Regional Studies at the University of Tehran, Dr. Mandana Tisheyar, Assistant Professor of the Department of Regional Studies at the ECO Institute of Higher Education at Allameh Tabatabaei University and Dr. Sirous Feyzi, Assistant Professor of the Department of Regional Studies at the University of Tehran, spoke at the meeting. The meeting was moderated by Dr. Elaheh Koolaei.

Dr. Mandana Tisheyar

The Role of Afghan Refugee Elites in Shaping Regional Civil Society

Immigration is one of the most important features of social life in the 21st century. Every year, tens of millions of people around the world migrate from their homeland to other lands for various reasons. This phenomenon has provided new topics for study in various fields of the humanities. Among these issues is examining the impact of the migration of scientific, cultural, and economic elites to neighboring countries. Because this group of immigrants carry ideas, culture and capital with them, they can have a greater impact on host societies than other immigrant groups. I attempt to assess, within the framework of

new-regionalism theories, the role of Afghan elites in strengthening cultural, social and economic ties between migrants and host communities in neighboring countries. This phenomenon helps to build elements of common identity that are the beginning of organizing a new form of civil society at the regional level. The long-standing cultural ties between Afghan society and the societies of neighboring countries can be redefined in light of the presence of Afghan immigrant elites, turning the presence of immigrants in neighboring countries into an opportunity to strengthen the foundations of regional integration.

Dr. Nozar Shafiee

Power Struggle in Afghanistan

Afghanistan under the Taliban rule faces many challenges. At the domestic level, issues such as how to deal with the female community, unfavorable economic conditions, the growth of terrorist groups and civil war are among the challenges facing the Taliban. At the regional level, how to regulate relations with neighbors, which are often accompanied by conflict and tension, is one of the regional challenges for this group. At the international level, the issue of "identification" is the Taliban's biggest challenge. In this speech, the focus is on the "power struggle" in Afghanistan, which is a serious challenge for the Taliban. The power struggle in Afghanistan is related to three types of relationships: power struggle within the Taliban, between the Taliban and ISIS, between the Taliban and the Resistance Front. The war within the Taliban is related to the central question of whether the Taliban's supreme leader, Haibatullah Akhundzada, maintains firm control over all decision-making. The war between the Taliban and ISIS is about whether the Taliban can defeat ISIS as a terrorist group. The war between the Taliban and the Resistance Front is about whether the National Resistance Front can rebuild itself and challenge the Taliban.

Dr. Cyrus Faizi

US Policy in Afghanistan

Since the 19th century, Afghanistan has been of interest to great powers due to its location adjacent to India. Since 1980, when the Soviet Union invaded Afghanistan, Afghanistan has gained this importance in American policy. The United States gathered a group of allies and began to confront the Soviet Union and communist elements. The policy of containing rival powers by challenging them on Afghan soil was also pursued from 1996 to 2000. This policy gained some importance during the Obama administration, but it did not lead to the Taliban coming to power as it had in the past. During the Biden administration, this issue became important again, and the Taliban came to power in 2020 based on the Doha Agreement. Although in general, we can consider American policy in Afghanistan as a policy of "containment of rival powers," this containment has been specifically aimed at the Islamic Republic of Iran. In this case, studying this policy is very important for Iran. So, our question could be how the United States challenges and then contains rival powers. We can consider the subsiding of regional conflicts in Syria, Iraq, Azerbaijan and Yemen as important results of this policy. Some even consider the Ukrainian war to be a successful continuation of this policy elsewhere, for Russian power. In examining this issue, a history of this policy is presented, along with its goals, tools and results to date.

Collection of Strategic Documents of the Russian Federation (1993-2021)

The Center for Central Eurasia Studies of the University of Tehran held a meeting to launch the book "Collection of Strategic Documents of the Russian Federation (1993-2021)" in collaboration with the Iranian Association for Regional Studies (Central Eurasian Working Group) and the Research Core for Regional Studies of the University of Tehran on Tuesday, July 26, 2023. The meeting was attended by Dr. Jahangir Karami, Associate Professor of the Russian Studies Department of the University of Tehran and the translators of the book, Dr. Elaheh Koolaei, Professor of the Regional Studies Department of the University of Tehran, Dr. Sika Saadeddin, PhD in Regional Studies at the University of Tehran, and Dr. Zohreh Khanmohammadi, PhD in International Relations at the Islamic Azad University.

Dr. Elaheh Koolaei

The countries that survived the collapse of the Soviet Union have experienced various developments during their independence. Knowing and understanding the developments in these countries is of great importance for our country - which is directly or indirectly neighboring with these countries. The Russian Federation is one of the countries that constantly publishes its views in the form of documents in order to explain its picture of the world and outline the prospects for its relations. Studying and analyzing these documents is very important. We started this project at the Center for Central Eurasia Studies about five years

ago. The achievement of this project was published this year in the book titled: Documents of the Foreign, Defense and Security Policy of the Russian Federation.

By examining these documents, we can see the transformation in Russia's view of the world, and especially Iran. This collection of documents was published with the efforts of Dr. Sika Saadeddin and Dr. Zohreh Khanmohammadi, who translated the documents from English and Russian into Persian. I would like to express my gratitude to the Institute for Strategic Studies, which undertook part of the investment and also the printing and publishing of the book. The valuable cooperation of Dr. Mirmohammadi, the respected director of the Institute, and Dr. Yazdanfam, the respected deputy director of the Institute for Research, was very effective and helpful in the completion of this book. I would like to express my gratitude to Dr. Karami, who is one of the few Iranian professors focused on Russia studies, for accepting the invitation of the Center to express his views.

Dr. Jahangir Karami

The compilation of documents in Russia dates back to the Tsarist era and even beyond Russia. Such documents in the world first began with the military code. This is a concept of Clausewitz. Clausewitz was the Chief of the General Staff of the Prussian Army and believed that all the goals, structures, training and necessary support for war should form a unified whole and a clear structure. This German model influenced Russia and the military reconstruction that took place in this country in the late 19th century. The first Russian military code was also written in 1911-1912. After the Russian Revolution, the compilation of the military code began as early as the October Revolution; with the difference that these documents were not publicly published until the end of the Soviet era.

After the collapse of the Soviet Union and since 1993, when the first foreign policy document, military code and national security document of Russia were published, the examination of these documents has

become more serious. In the past three decades, a wide range of national documents have been presented in Russia. The feature of this book is that it is an encyclopedia and reference of Russian national strategic documents, which have been compiled in three areas: military, foreign policy and national security and translated into Persian. In Russia itself, various documents exist in a scattered manner, and no collection presents these documents together. Collecting these documents in one place is a valuable work for researchers and students in this field. This book has a fluent and eloquent text.

Dr. Khanmohammadi then thanked Dr. Koolae and Dr. Karami and said: "This opportunity to collaborate was very valuable for me. I hope that the opportunity to collaborate will always be available to me and other students who are interested in the field of Russia and Eurasia."

Geopolitical Drivers in the South Caucasus, Trends and Developments

The Center for Central Eurasia Studies held a scientific meeting on "Geopolitical Drivers in the South Caucasus, Trends and Developments" on Saturday, July 21, 2023, in cooperation with the Caucasus Studies Association, the Regional Studies Research Core of the University of Tehran and the Iranian Scientific Association for Regional Studies. In this meeting, Dr. Varuzhan Geghamian, Assistant Professor at Yerevan State University of Armenia, Dr. Edgar Elbakyan, Lecturer at the Russian-Armenian Slavic University of Armenia, Dr. Elaheh Koolae, Professor of Regional Studies at the University of Tehran, Dr. Shiva Alizadeh, Assistant Professor of Regional Studies at the University of Tehran and Dr. Seyed Mehdi Hosseini Taghiabad, former CEO of the Caucasus Studies Foundation, expressed their views.

Dr. Shiva Alizadeh

Common Interests of Iran and Armenia, Three Years after the 44-Day War

The 2020 Karabakh war showed that Iran and Armenia were alone in the South Caucasus and had no geopolitical allies. Armenia was not considered by the great powers and only Iran cared about the security of the Armenian population in the disputed areas. This was at a time when other countries were preoccupied with their own interests and competing with each other. A ceasefire was established between the Republic of Azerbaijan and Armenia in November 2020. Tensions did not end

during this period and it became clear that many actors were active in fueling tensions. In this conflict, actors such as Israel, Türkiye and the British Petroleum Company were also present. In the case of the Zangezur corridor, Russia and China did not view the plan as a threat. Nevertheless, Türkiye and the Republic of Azerbaijan considered the launch of this corridor a certainty. The Zangezur Corridor is not just infrastructure, it also denies Armenian identity. The academic community has an important role to play in alerting policymakers to the negative consequences of this project. In a situation where Türkiye and the Republic of Azerbaijan are trying to weaken Iran's geoeconomic position and have plans to replace non-Iranian routes, the Islamic Republic of Iran and Armenia should seek to build infrastructure and improve infrastructure communications.

Dr. Edgar Elbakyan

Geopolitical Developments in the Caucasus from the Perspective of Regional and International Actors

The events of 2020 have been in light of Russia's current priorities and its tactical view of the South Caucasus. In the current situation, Russia's priority is Ukraine. It is clear that the West supports the Zangezur corridor. Russia is showing signs that it has no objection to the opening of this corridor. If Russia shows any partiality, it will lose its mediation position on the Karabakh issue. This Russian position is worrying for Iran. The winner of the current events in the South Caucasus is Türkiye.

Dr. Varuzhan Gaghamian

Prospects for Iranian-Armenian Cooperation in the South Caucasus

In the current situation, relations between Iran and Armenia are in a sensitive state and the communication between the officials of the two countries, as well as the people-to-people contacts between them, must be strengthened. What happened was not just about the war and the liberation of Karabakh. The main goal is to create a corridor. The issue

of the corridor is very important in Turkish politics. The strong position of the Islamic Republic of Iran and Iranian military officials also demonstrates the importance of these events. The reason for the commonality between the Islamic Republic of Iran and Armenia is that the Zangezur corridor targets one of the important areas surrounding the Islamic Republic of Iran. It is essential to pay attention to two important points at this time: First, instead of being passive, we must be proactive. Second, public opinion in both countries should be aware of the goals of this corridor. In a situation where the West and NATO support this corridor, we need to bring in other actors.

Dr. Seyyed Mehdi Hosseini Taghiabad

The 2020 Karabakh War: The Course of Events and the Outlook Ahead

In the context of the Ukrainian war, Russia must be made aware of the dangers posed by the Zangezur corridor. Sometimes great powers can make wrong decisions. Russia's support for the Zangezur corridor is also among its wrong decisions. We address Russia as a friendly country, but its officials should note that the idea of taking control of the Zangezur corridor is an unattainable dream. It is to be hoped that the views of academics will be taken seriously in decision-making centers.

At the end of the meeting, Dr. Koolae considered the analysis of geopolitical drives important for decision-makers in both countries and said: the interests of the two governments of the Islamic Republic of Iran and Armenia require decision-makers to expand social, cultural, economic and political relations. Actors such as Russia, Israel and Türkiye pursue their interests in this region. But developments in the South Caucasus are of vital importance to Iran, which has strong ties to the region.

Theoretical Model for Civilizational and Cultural Bond between Iran and Armenia

The Center for Central Eurasia Studies at the University of Tehran held a scientific meeting on Monday, October 1, 2023, in cooperation with the Caucasus Studies Foundation, the Hur Research and Translation Institute, the Center for Advanced International Studies at the University of Tehran, the Regional Studies Research Core at the University of Tehran and the Iranian Scientific Association for Regional Studies at the Faculty of Law and Political Science at the University of Tehran. In this conference, Dr. Vartan Veskanian, Head of the Chair of Iranology at Yerevan State University, Dr. Ebrahim Mottaghi, Dean of the Faculty of Law and Political Science at the University of Tehran and Dr. Alibeman Eghbali Zarch, Head of the Central Eurasian Studies Department of Political and International Studies, expressed their views.

Dr. Vartan Veskanian

Civilizational and Cultural Components of the Theoretical Structure of the Union of Iran and Armenia

The religious component, the linguistic component, the common history component and the cultural component are the main axes of the theoretical structure of the union of Iran and Armenia, each of which is a manifestation of the deep civilizational and cultural bond between the two countries. The common religious history before Islam and Christianity and the existence of symbolic religious buildings in the two

countries (such as the *Kebud Mosque* in Armenia and the Church of Saint Thaddeus in Iran) indicate the religious bond between the two nations. In the linguistic field, the Armenian language can be referred to as the "museum" of the history of Iranian languages. In the field of common history, the Parthians or Ashkanid can be referred to as the common dynasty of Iran and Armenia and in the cultural field, the Shahnameh among the Armenians (from Rostam Segzi Musa Khurani to the Armenian branches of the story of *Rostam Zal*). Armenia is recorded in the *Bisotun* inscription and in the contemporary era, Iranian society not only accommodates Armenians as compatriots in their country, but also considers Armenia as one of the branches of the common Iranian-Armenian civilization.

Dr. Ali Beman Eghbali Zarch

Cultural Interactions between Iran and Armenia

The civilizational and historical sphere of Iran has extended even to the center of the Balkans. For example, about a hundred years ago, the second language of the city of Elbasan in Albania was Persian and they had Persian-speaking poets. In the center of the Balkans, there were religious groups whose beliefs were inspired by a *Neyshaburi* who migrated to the heart of the Balkans. Until the Treaty of Turkmenchay, the history of civilization in this region was Iranian. Armenians also proved to be very successful in playing a role in Iranian society with their excellent negotiation skills and desire for coexistence.

Iran is considered a productive society for neighboring countries. It is not possible to know the history of Armenia without knowing the history, civilization and culture of Iran. In the current era, one of the areas that can play a more effective role in the bond between the two nations is the field of culture. Armenian-descended cultural figures in Iran can play a role in this direction. For example, Loris Tchekeknavian, one of the Armenian-descended musical figures, is a well-known figure among Iranians. Today, the 13th government has declared the priority of the neighborhood policy and has taken an effective step in this direction.

In addition, the Supreme Leader, the President and the Foreign Minister of Iran have placed special emphasis on protecting the rights of the Armenian community.

Dr. Ebrahim Mottaqi

The Importance of the University and Research in Inter-Cultural, Inter-Civilizational and International Relations and Connections

Understanding oneself and the other (i.e. the surrounding space) is an important challenge. In this challenge, the question is what change will it create in the geopolitics of power if an actor becomes dominant in a regional area. One of the formats for confronting the geopolitics of threats is the format of culture, civilization and history. In the existing space, transforming these formats into a strategic issue can create security because the fields of culture, history and poetry are the fields of security. The second challenge is the neglect in the academic, security and defense fields. Security is a process and when the balance of power changes, positions also change. In accordance with the Supreme Leader's order, the jihad of knowledge takes precedence over the jihad of nature. The responsibility for understanding the ontological formats in the regional environment also lies with the academic, political and media community.

Silk Road Encyclopedia

The Center for Central Eurasia Studies at the University of Tehran held a meeting to unveil the book "Silk Road Encyclopedia" on Wednesday, October 16, 2023, in cooperation with the Regional Studies Research Core of the University of Tehran and the Iranian Association for Regional Studies (Central Eurasian Working Group). The meeting was attended by Dr. Bahareh Sazmand, Associate Professor of Regional Studies at the University of Tehran and the book's translators, Dr. Elaheh Koolaei, Professor Regional Studies Department at the University of Tehran, Dr. Shiva Alizadeh, Assistant Professor of Regional Studies Department at the University of Tehran and Dr. Mohammad Kazem Shojaei, Lecturer at the University of Mazandaran.

Dr. Elaheh Koolaei

All countries in Central Asia and the Caucasus, except Georgia, which is located on the shores of the Black Sea, are landlocked. Over the past three decades, Iran's geographical location and the accessibility it provides, have been important to countries in both regions. Unfortunately, we have not taken advantage of these geoeconomic advantages. After a conference held a few years ago, we became acquainted with the book "the Silk Road Encyclopedia," and Dr. Tisheyar and I decided to translate this encyclopedia. This book examines the historical route of the Silk Road in a broad perspective. Given that the author is Korean, in this book we learn about the Korean approach to the Silk Road. Various plans and programs are being implemented for the New Silk Road. China is pursuing this issue very persistently and seriously. Although Iran has had a special historical

position on this path, not enough attention has been paid to this plan. Dr. Alizadeh and Dr. Shojaei had valuable collaboration in translating this book. Mr. Mahmoud Javadi was another of our colleagues who decided to emigrate in the middle of his work, but today we are grateful for his efforts. This translation is in two parts, with the second half of the encyclopedia being translated by Dr. Tisheyar.

Dr. Bahareh Sazmand

The Silk Road was a series of interconnected routes that connected East, West, South Asia, North Africa and Eastern Europe until the 15th century. A route that was considered the world's largest trade network for 1,700 years. Marco Polo was a famous merchant who traded along this route. This route could perhaps be considered the most important route until the 15th century. A road that, in addition to transporting goods, also carried the transfer of beliefs and cultures of different countries.

The study of the Silk Road emerged as an academic course more than 130 years ago, but it is still a relatively new field in Korea. In this context, the publication of the English version of the Silk Road Encyclopedia is an important milestone in several respects. This book helps us broaden our understanding of Korea's history and cultural heritage within a larger picture of inter-civilizational exchanges.

The book's author, now 89 years old, is one of the few scholars in the country who specializes in the Silk Road and Arabic studies. His book, "the Silk Road Encyclopedia," is the result of 15 years of research and 40 visits to the Silk Road since 2005. This encyclopedia is written from a Korean perspective. We hope that an encyclopedia about the Silk Road will be written from an Iranian perspective.

Dr. Shiva Alizadeh said: this encyclopedia has two parts. The book that has been prepared is the first part. The second part is being translated by Dr. Mandana Tisheyar. At the end of the meeting, Dr. Shojaei emphasized the importance of the reading and writing encyclopedia and said: Although access to information has become easy

and fast today, we can obtain accurate information from these sources and encyclopedias. A work like this encyclopedia can give readers a very detailed look at issues. I would like to thank my dear colleagues and Allameh Tabatabaei University Press who collaborated in publishing this book.

Russia Versus Others: The Crisis of the Post-Cold War World Order

The Center for Central Eurasia Studies at the University of Tehran held a meeting to launch the book “Russia Versus Others: The Crisis of the Post-Cold War World Order” on Monday, November 29, 2023, in cooperation with the Caucasus Studies Foundation, the Regional Studies Research Core at the University of Tehran and the Iranian Association for Regional Studies (Central Eurasian Working Group) at the Faculty of Law and Political Science at the University of Tehran. The author of this book is Richard Sakwa. Dr. Shiva Alizadeh, Assistant Professor of Regional Studies Department at the University of Tehran and Dr. Hamidreza Azizi, PhD in regional studies from University of Tehran translated the book. The speakers at the session were Dr. Elaheh Koolaei, Director of the Center for Central Eurasia Studies and Dr. Khodayar Barari, Assistant Professor of Russian Studies Department at the University of Tehran. One of the translator of the book, Dr. Shiva Alizadeh, was also present at the session.

Dr. Elaheh Koolaei

This book is important in terms of the transformation in Russia's view of the world and the transformation that has occurred in Russia's view of the West. Many thought that the collapse of the Soviet Union was equivalent to Russia's unification with the West. But it gradually became clear that this idea did not correspond to the realities of Russia and that the Westerners expected Russia to be absorbed into the global economy,

the global market, Western values and culture, as it became clear in the early years after the collapse, it was not possible.

The author of the book is a well-known scholar and expert in the field of Russian studies. His books on politics and government in Russia are well-known. The translators are our current colleagues in the field of Central Eurasian studies who have demonstrated their mastery of the text and the topics covered by Richard Sakwa.

Dr. Khodayar Barari

In my opinion, this book is a clear example of how important both the book and the author are. It is very important to see who said the words and in what context. The author of the book, Richard Sakwa, has tried to analyze the process of relations between Russia and the West as much as possible as a writer and an impartial observer. Sakwa has an anti-war personality and participates in the campaigns of the British group "Stop the War" and gives speeches. In the introduction to the Russian translation, the book mentions various Chinese, Russian and Western experts. This book is not just a product of library analysis, but also interviews with various Western and Russian experts and examines their views.

The author has written this book by summarizing all this material. Various views are also criticized in this book; in this regard, it can be useful for people who work in the theoretical field. As for the translation, the text of the book is also very fluent. The translators of the book are two experts in this field and are familiar with the concepts, terminology and history of this field and this feature has influenced the fluency of the translation. The translated text has also been well edited. A lot of effort has been put into publishing this work and I recommend reading this valuable book to all experts in this field.

Dr. Shiva Alizadeh

Dr. Azizi's place as the book's translator is vacant in this meeting. If you want to be equipped with good glasses for analyzing today's Russian

issues, be sure to read this book. The author is not biased and has maintained scientific impartiality. He has retired from the University of Kent, but has had a productive retirement. This shows that maturity has contributed to the quality of Sakwa's work. Unfortunately, it was not possible for him to attend this meeting. We hope that Sakwa will be able to travel to Iran. It is a good suggestion that he also teach as a visiting professor in Iran.

The Role and Position of the Shanghai Cooperation Organization in the Development of Regional and International Interactions

The Center for Central Eurasia Studies of the University of Tehran held a scientific meeting on “the Role and Position of the Shanghai Cooperation Organization in the Development of Regional and International Interactions” on Wednesday, December 1, 2023, in cooperation with the Research Core for Regional Studies of the University of Tehran and the Iranian Association for Regional Studies. The speaker of the meeting was Dr. Akbar Valizadeh, Assistant Professor of Regional Studies Department at the University of Tehran. The authors of this book, Dr. Seyed Davoud Aghaei, Professor of Regional Studies Department at the University of Tehran and Dr. Mohammad Javad Ghahremani, PhD graduate in International Relations and researcher on East Asian issues, were also present at the meeting. The meeting moderated by Dr. Elaheh Koolaei.

Dr. Elaheh Koolaei

In recent decades, regional cooperation has been a fundamental issue in international politics and regional organizations have gained special importance. Many organizations have also been formed in Central Asia. The Shanghai Cooperation Organization is one of them. The book, has focused on this important organization. Therefore, I invite Dr. Valizadeh to express his views on this book.

Dr. Akbar Valizadeh

This book examines the role and importance of the Shanghai Cooperation Organization (SCO) in international and regional interactions. In terms of form, this book covers almost all issues related to the SCO. One of the advantages of this book is its structure and introduction. Every book should have a good introduction to the subject. This introduction is so comprehensive, accurate and complete that anyone who reads it is encouraged to read the book to the end.

In this book, the authors have examined the goals and roots of the formation of the Shanghai Cooperation Organization in one section. They have separated the discussion of the approaches of permanent and observer members and have also dedicated a section to the members views on the United States. The interaction and position of organizations that work at the regional and international levels with the United States is a sensitive issue. Another advantage of this book is the use of economic tables and charts. Another positive point of this book is its conciseness. This book does not contain unnecessary and marginal material that would make the readers bored. The order and logical coherence of the book are also remarkable.

Dr. Seyyed Davoud Aghaei

Today, international organizations are considered an inseparable part of the international system. The Shanghai Cooperation Organization is undoubtedly one of the most important and notable organizations. The Islamic Republic of Iran was admitted as an observer member of this organization in 2005. In 2008, we applied to change our status, and finally, in 2021, after following up, our permanent membership process was agreed upon and in 2022, we were fully accepted as a permanent member. The SCO was formed in the space created after the collapse of the Soviet Union and the bipolar system. There have been long-standing border tensions and disputes between the two neighboring countries, China and the Soviet Union, since the past. In the shadow of the collapse of the Soviet Union in 1991, these bilateral border disputes

turned into multilateral border disputes. The issue of how to combat extremism, terrorism and drugs was among the issues on the agenda of the Shanghai-5. In 2001, at the suggestion of then-Chinese President Jiang Zemin, it was decided to transform this temporary and short-term institution into a permanent mechanism and sustainable order in the form of the Shanghai Cooperation Organization. The book introduces an organization that has good potentials. Despite all the obstacles, our country finally became a permanent member of this organization.

Territorial Disputes between the Republic of Azerbaijan and Armenia after the 2020 War and Its Consequences for the Islamic Republic of Iran

The Center for Central Eurasia Studies, University of Tehran, held a scientific meeting on “Territorial Disputes between the Republic of Azerbaijan and Armenia after the 2020 War and Its Consequences for the Islamic Republic of Iran” on Tuesday, January 19, 2024, in cooperation with the Caucasus Studies Foundation, the Center for Advanced International Studies, University of Tehran, the Iranian Scientific Association for Regional Studies and the Research Core for Regional Studies of University of Tehran, at the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. The speakers of the conference were Dr. Ahmad Rashidi, Associate Professor of Political Science at Arak University and a researcher on Central Eurasia and Dr. Ahmad Kazemi, a PhD in International Law and a researcher on Central Eurasia. The conference was moderated by Dr. Elaheh Koolaei.

Dr. Ahmad Rashidi

The Middle Corridor Plan and the Shift in the Balance of Power in the South Caucasus to the Detriment of Iran

Iran's interests in the South Caucasus include maintaining geopolitical borders, maintaining national unity and territorial integrity, maintaining peace, energy transfer and ultimately economic development. These

interests are secured in a realistic approach under the guise of maintaining the regional balance of power. This is while the creation of the Zangezur corridor in Armenian territory, based on plans announced by the Republic of Azerbaijan-Türkiye axis, could change the regional balance of power to the detriment of the Islamic Republic of Iran.

Therefore, the advancement of this plan is considered a threat to the geopolitical and economic interests of Iran. The most important sources of threat to this issue are: the possibility of changing the geopolitical borders by blocking the land border between Iran and Armenia, the possibility of Armenia's convergence with the Western bloc and intensifying Iran's strategic isolation, the reduction of Iran's transportation advantages on the North-South axis, the increase of Türkiye's influence in the region, the endangerment of national sovereignty and territorial integrity by advancing the Pan-Turkic plan and the revival of Azeri ethno-centrism and the strengthening of the presence of NATO, Israel and Russia on the northern borders of the country.

The exploitation of the Zangezur corridor as part of the Middle Corridor for the transfer of Caspian Sea energy resources will affect the world's geo-energy map. In this framework, European countries will gain access to the Caspian Sea energy resources by bypassing Iran and Russia via the Republic of Azerbaijan and then Türkiye. Also, the location of the middle passage on the main route of China's Belt and Road Initiative (New Silk Road) may eliminate Iran from China's transit equations.

Dr. Ahmad Kazemi

Baku's Insistence on Pursuing the Geopolitical Plan of NATO's Turanian Corridor

Despite Ilham Aliyev's position in an interview with the Italian newspaper "L'Repubblica" in 2020 that the Republic of Azerbaijan and Armenia have reached international borders after the 2020 war, the encroachment of the Baku army on about 140 square kilometers of Armenian territory in September 2022 on the one hand and the

continuation of political and military threats to seize the extraterritorial crossing from Armenia indicate the continuation of territorial disputes between the two countries. Despite Nikol Pashinyan's unprecedented retreat in the Prague talks on the Karabakh issue in October 2022, the 9-month closure of the Lachin corridor and Baku's attack on Karabakh on September 19, 2023 showed that the the Aliyev government, with Ankara as its proxy, is pursuing the geopolitical conspiracy of the Zangezur corridor with the aim of establishing an Anglo-Saxon order in the Caucasus and Central Asia. In the process of implementing this plan, it is aimed to create challenges and threats in the four areas of energy, transportation, ethnic and NATO expansion against Iran, Russia and China. The realization of this plan will not only create consequences for Iran from the four afore-mentioned aspects, but will also increase the ground for the intensification of anti-Shiite and anti-Iranian sentiment in the Caucasus.

Circassians in World History

The Center for Central Eurasia Studies of the University of Tehran held a meeting to unveil a book titled “Circassians in World History” on Tuesday, March 15, 2024, in cooperation with the Caucasus Studies Foundation, the Regional Studies Research Core of the University of Tehran and the Iranian Association for Regional Studies (Central Eurasian Working Group). The speakers of the session were Dr. Javad Morshadlou, Assistant Professor at the Faculty of Humanities of Tarbiat Modares University and Dr. Hamed Kazemzadeh, a researcher in the Caucasus and the author of the book. The session was moderated by Dr. Elaheh Koolaei.

Dr. Javad Morshedlou

We have been surprised three times in the Caucasus. The first Iran-Russia confrontation took place at the beginning of the 19th century with the Iran-Russia wars. Without any prior preparation and the formation of a government in Iran, we could not have expected significant results. The second stage was the end of Tsarist Russia and the 1917 Revolution. Between 1905 and 1920, rapid developments took place in the Caucasus, the ground for which had been prepared in terms of discourse and was the result of the formation of new geopolitics. The Iranians were still not prepared to face such a dramatic change, a change that would certainly cast a shadow on the future. The third surprise was the collapse of the Soviet Union in the 1990s. During this period, we also did not have a clear strategy and policy in facing the changes resulting from the collapse of the Soviet Union.

The Lack of knowledge can lead to the lack of strategy. One part of

this research is the support of field, library and archival resources. The narrative itself is in English and can fill the gap in the Iranian narrative. The last Persian narrative from the Caucasus was that of Abbas-Guli Agha Bakikhanov. One of the useful activities can be narrative, we cannot claim in the absence of narrative. In the discussion of methodology, Dr. Kazemzadeh has also described the multi-layered, subtle and profound nature of the Circassians. He has done his utmost to utilize the sources. My only criticism is that Ottoman Arabic sources have not been used.

Dr. Hamed Kazemzadeh

Unfortunately, we do not have a history of the Circassians in Persian. It has always been a matter of interest to me. Even in English sources, there is no knowledge about the Circassians. The Circassians have not had a tradition of historiography and their historiography is based on knowing their neighbors. We have a large Circassian immigrant community in Arab countries. We have had good Arabic sources in the last 200 years. The introduction to this book was written by a Circassian Arab. My main topic was not the history of the Circassians and I do not claim to have mastered historical sources. I can claim to have a command of English and Russian sources, but I don't have a command of Arabic sources.

The Circassians are poorly known and in the last decade due to political issues and the Sochi Winter Olympics, their political weight has increased. Some governments in Europe tried to approve the Tsars' genocide against the Circassians. As a result, the Circassians entered political and news discussions. One of the first systematic genocides of the Circassians was carried out by the Russians in the 19th century. Within a decade, with the Russians entering the region, nearly 800,000 to 1 million of these people were killed due to forced escape. The Circassians were the first front in the Caucasus against the Russians. However, the Russian victories were first in the south and then in the north of the Caucasus. It took 40 years until the Circassian tribes were completely defeated in 1864. Some of these points can be seen in this book.